

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# تحلیل فرهنگی

(کتاب درسی مطالعات فرهنگی)

رشته علوم و معارف اسلامی

اجرای آزمایشی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

۱۳۹۶



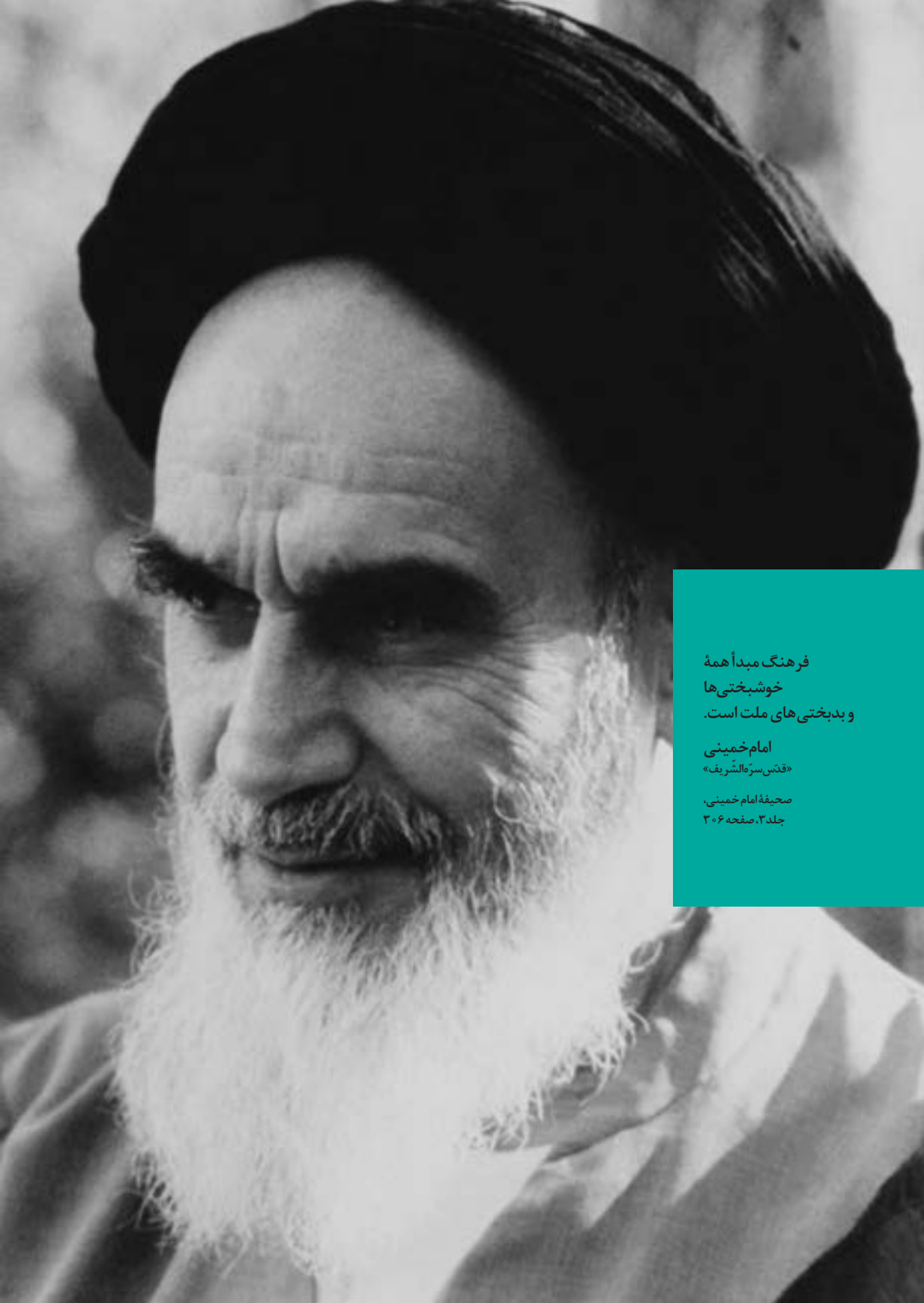
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

تحلیل فرهنگی (کتاب درسی مطالعات فرهنگی) (اجرای آزمایشی) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۲۳	نام کتاب:
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	پدیدآورنده:
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری	مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:
مهدی نوید ادهم، حسن بنیانیان، حسن بلخاری، مجید رعنائی و نعمت‌الله فاضلی (اعضای شورای برنامه‌ریزی)	شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:
مهدی نوید ادهم (مؤلف) - ابراهیم حاجیانی، حسن بنیانیان، یارمحمد بای، ایمان نوروزی، فرشته انصاری، محمدتقی عینی‌زاده، فریبا رضائی، محمد مهدی اعتصامی و سید محمد دلبری (همکاران تألیف)	مدیریت آماده‌سازی هنری:
اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی	شناسه افزوده آماده‌سازی:
لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - مجتبی زند (مدیر هنری) - پرشنگ سنگین‌آبادی (نگاشت‌ارگر [طراح گرافیک]، صفحه‌آرا و طراح جلد) - زهره برهانی‌زرنندی، سوروش سعادت‌مندی، زهرا رشیدی‌مقدم، سیما لطفی، زینت بهشتی شیرازی و احمدرضا امینی (امور آماده‌سازی)	نشانی سازمان:
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)	ناشر:
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۳۵۹	چاپخانه:
وبگاه: <a href="http://www.irtextbook.ir">www.irtextbook.ir</a> و <a href="http://www.chap.sch.ir">www.chap.sch.ir</a>	سال انتشار و نوبت چاپ:
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹	
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»	
چاپ اول ۱۳۹۶	

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۹۱۶-۴

ISBN: 978-964-05-2916-4



فرهنگ مبدأ همه  
خوشبختی‌ها  
و بدبختی‌های ملت است.

امام خمینی  
«قدس سره الشریف»

صحیفه امام خمینی،  
جلد ۳، صفحه ۳۰۶

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



۹/ فصل اول / مفاهیم و کلیات

- ۱۱ / درس اول / چیستی فرهنگ  
۱۸ / درس دوم / چرایی شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی  
۲۵ / درس سوم / چگونگی تحلیل فرهنگی



۳۳/ فصل دوم / تحولات فرهنگی

- ۳۵ / درس اول / تغییرات و تحولات فرهنگی  
۴۶ / درس دوم / ارتباطات فرهنگی  
۵۷ / درس سوم / نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی



۶۷/ فصل سوم / هویت فرهنگی ما ایرانیان

- ۶۹ / درس اول / تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان  
۸۱ / درس دوم / انسجام فرهنگی ما ایرانیان  
۹۱ / درس سوم / هویت فرهنگی ما ایرانیان



۱۰۱/ فصل چهارم / مسائل فرهنگی ایران

- ۱۰۳ / درس اول / فرهنگ و اقتصاد  
۱۱۴ / درس دوم / فرهنگ و اخلاق  
۱۲۱ / درس سوم / ما و دگرگونی‌های فرهنگی





## سخنی بادانش آموزان، دبیران و خانواده‌های گرامی

امروزه، پدیده فرهنگ و پرداختن به مسائل فرهنگی، به یکی از مباحث بسیار حیاتی و مهم نظری و عملی، در عرصه ملی و بین‌المللی تبدیل شده است و صاحب‌نظران و پژوهشگران مختلف از زوایای گوناگون به آن می‌پردازند. با عنایت به اینکه انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است، در نتیجه پرداختن به این موضوع از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل، دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی فراوانی به صورت مستقل و به عنوان یک سنت مطالعاتی جداگانه، به تحقیق و پژوهش در این حوزه اشتغال می‌ورزند.

از آنجا که فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، رفتارها، علایق و گرایش‌ها و آداب و رسوم مردم است، لذا کارشناسان و متخصصان فرهنگی معتقدند موفقیت در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نیازمند بستر فرهنگی مناسب و همراهی فکری و عملی مردم می‌باشد.

درس «مطالعات فرهنگی» با درک ضرورت شناخت دانش آموزان عزیز از این موضوع مهم و حساس، برای اولین بار در جدول دروس گنجانده شده است، تا با فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر، بتوانند مباحث و پدیده‌های زندگی فردی و اجتماعی خود را از منظر فرهنگی بررسی کرده و به صورت آگاهانه واکنش مناسب بروز دهند.

رویکرد تدوین کتاب، شایستگی محور بوده، و سعی شده علاوه بر ارائه دانش و معلومات مناسب این حوزه به دانش آموزان گرامی، زمینه کسب مهارت‌ها و شایستگی لازم برای رویارویی هوشمندانه و آگاهانه با فرهنگ و مسائل فرهنگی و تجزیه و تحلیل دگرگونی‌های فرهنگی را فراهم آورد. به همین دلیل نام کتاب «تحلیل فرهنگی» گذاشته شد تا در آرای مختلف مکاتب و مباحث نظری مطالعات فرهنگی متوقف نشود، بلکه بر تقویت توان فکری و کسب مهارت عملی دانش آموزان برای تجزیه و تحلیل موضوعات و مسائل فرهنگی بیفزاید و آنان را برای تفسیر و فهم عمیق‌تر سازوکارهای زندگی روزمره و تعاملات اجتماعی توانمند سازد.

کتاب تحلیل فرهنگی، در چهار فصل و هر فصل به سه درس (مجموعاً ۱۲ درس) به شرح زیر تنظیم شده است:

**۱- فصل اول:** مفاهیم و کلیات، در این فصل چپستی، چرایی و چگونگی فرهنگ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، موضوعاتی مانند مفهوم‌شناسی فرهنگ، ابعاد و سطوح فرهنگ، سواد فرهنگی، رویکرد فرهنگی، ضرورت شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی.

**۲- فصل دوم:** تحولات فرهنگی، از آنجا که از مباحث اساسی فرهنگ، دگرگونی‌های فرهنگی است و ما در عصر تغییرات و تحولات زندگی زندگی می‌کنیم، لذا موضوعاتی مانند: چپستی، چرایی و چگونگی دگرگونی‌های فرهنگی،

ارتباطات فرهنگی، تبادل فرهنگی، تهاجم فرهنگی، سلطه فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی، نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی در این فصل واکاوی و تجزیه و تحلیل شده است.

**۳- فصل سوم:** هویت فرهنگی ما ایرانیان، شناخت فرهنگ ایرانی و تقویت هویت اسلامی-ایرانی نسل جوان، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل موضوعاتی مانند: تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان، فرهنگ ایران از گذشته‌های دور تا کنون، مراحل مهم تاریخ فرهنگی ایران، انسجام فرهنگی، تنوع فرهنگی، عوامل انسجام‌بخش، هویت فرهنگی، ویژگی‌های فرهنگ ایرانی در این فصل بررسی شده است.

**۴- فصل چهارم:** مسائل فرهنگی ایران، در این فصل برخی از مسائل و چالش‌های فرهنگی امروز جامعه ایران در حوزه اقتصاد و اخلاق بررسی و تجزیه و تحلیل شده است و در پایان، با توجه به رسالت نسل جوان در صیانت از فرهنگ خود، شاخص‌ها و راهکارهایی برای رویارویی فعال و آگاهانه با دگرگونی‌های فرهنگی ارائه شده است.

## یادآوری:

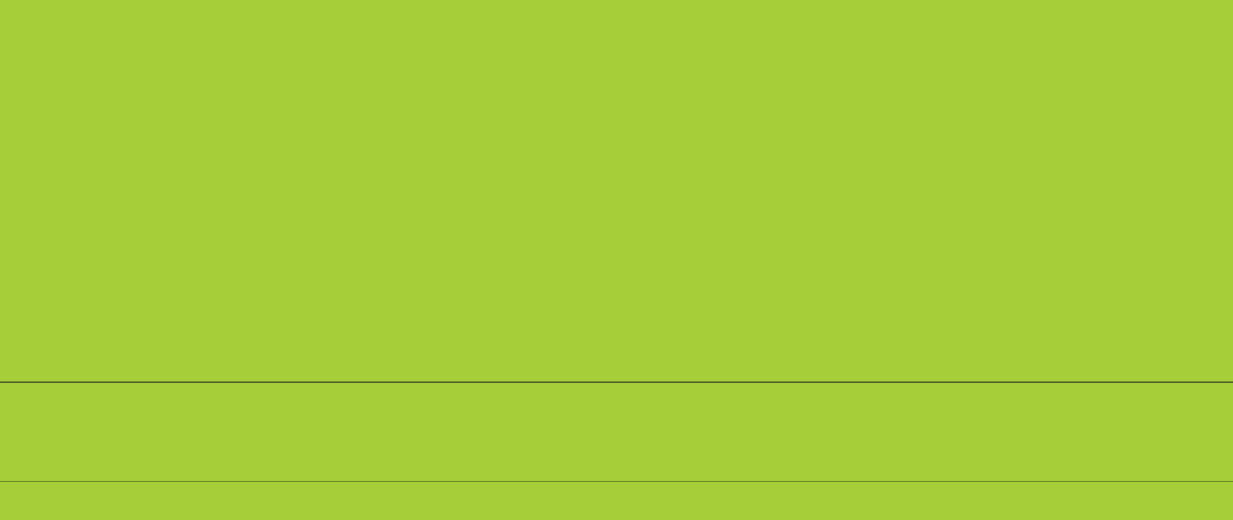
۱- دستیابی به اهداف برنامه درسی و کتاب و کسب موفقیت در فرایند یاددهی و یادگیری آن، به حضور فعال و بانشاط دانش‌آموزان در کلاس، نیاز دارد. در تدوین کتاب، از راهبرد پرسشگری، استفاده شده است، لذا دبیران عزیز، با تأکید بر سؤالات اولیه هر درس و طرح سؤالات مشابه، ایجاد انگیزه کرده و شوق یادگیری را در دانش‌آموزان تقویت نمایند.

۲- برای هر درس، به طور متوسط، دو جلسه درسی پیش‌بینی شده است. فعالیت‌هایی مانند «بررسی کنید»، «تحقیق کنید»، «گفتگو کنید»، زمینه یادگیری عمیق و دقیق دروس را فراهم می‌آورد و بر اجرای آن تأکید می‌شود.

۳- برگزاری «میزگرد فرهنگی» در کلاس یا مدرسه، توسط دانش‌آموزان و با مدیریت دبیر محترم، تحقق اهداف کتاب و تقویت مهارت گفتگو کردن را، میسر می‌سازد. در برنامه مناسبت‌ها، می‌توان به اجرای این فعالیت پرداخت.

۴- مطالعه کتاب‌های مرتبط غیردرسی، از جمله کتاب‌هایی در زمینه مطالعات فرهنگی و رمان‌های معرفی شده، بر عمق یادگیری خواهد افزود و دانش‌آموزان را توانمند می‌سازد تا پدیده‌های اطراف خود را با رویکرد فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل نمایند.

۵- از آنجا که این کتاب برای رشته علوم و معارف اسلامی نوشته شده است و دانش‌آموزان این رشته، مطالعات بیشتری در زمینه مباحث دینی و اعتقادی دارند و با عنایت به اینکه پیام دین اسلام، پیام فرهنگی بوده و بر فراهم آوردن زمینه هدایت‌پذیری انسان‌ها برای دستیابی به مقام قرب الهی و حیات طیبه تأکید دارد، لذا دانش‌آموزان می‌توانند به همه مباحث در تمام دروس خویش، از منظر فرهنگی نگریسته و پیام‌های فرهنگی و تربیتی آن را استخراج نمایند.





# مفاهيم وکليات

فصل اول





## اهداف فصل

در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

- ۱- با تعریف فرهنگ و مصادیق آن آشنا شود و تصور خود از فرهنگ را بیان کند.
- ۲- با مفاهیم سواد فرهنگی، مطالعه فرهنگی و مطالعه فرهنگ آشنا باشد.
- ۳- عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی را بشناسد.
- ۴- درک درست از رویکرد فرهنگی کسب کرده باشد.
- ۵- مهارت تشخیص سطوح فرهنگ و مناسبات این سطوح با یکدیگر را کسب کرده باشد.
- ۶- توانایی تجزیه و تحلیل پدیده‌ها از منظر فرهنگی را به دست آورده باشد.





### ◆ مفهوم شناسی فرهنگ

ما بارها، واژه «فرهنگ» را شنیده‌ایم و آن را به کار برده‌ایم. فرهنگ خانواده، فرهنگ آپارتمان‌نشینی، فرهنگ روستایی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ اروپایی؛ جهان فرهنگی، انقلاب فرهنگی، مهندسی فرهنگی، تحولات فرهنگی و...، این واژه‌ها، از جمله واژگانی است که از طریق کتاب‌های درسی، رسانه‌ها و گفتگوهای روزانه با آنها آشنا شده‌ایم. به راستی معنای «فرهنگ» چیست و شما چه تصویری از مفهوم فرهنگ و مظاهر و مصادیق آن دارید؟

### ◆ تعریف لغوی فرهنگ

فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب است که از دو جزء «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. «فر» پیشوندی است که در معنای جلو، بالا، بر و پیش، به کار می‌رود، و «هنگ» از ریشه اوستایی «تنگا» گرفته شده و به معنی کشیدن و سنگینی و وزن می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱- فرهنگ فارسی معین

## ◆ تعریف اصطلاحی فرهنگ

برای «فرهنگ» تعاریف متعدد و مختلف بیان شده و مصادیق و مظاهر گوناگون و متنوع درباره آن ذکر کرده‌اند. ادیبان، فیلسوفان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و انسان‌شناسان هریک، به گونه‌ای خاص «فرهنگ» را تعریف کرده و به آن نگر بسته‌اند. برخی از این تعاریف عبارت‌اند از:

- ۱- فرهنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، آداب و رسوم است.<sup>۱</sup>
  - ۲- فرهنگ، مجموعه‌ای پیچیده از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، آداب و رسوم است که هر فرد از جامعه خویش فرا می‌گیرد.<sup>۲</sup>
  - ۳- فرهنگ، نظام‌واره‌ای از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات است که ادراکات، رفتارها و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.<sup>۳</sup>
- ریموند ویلیامز (۱۹۲۱-۱۹۸۸) منتقد فرهنگی و از پیشگامان اصلی «مطالعات فرهنگی» با بررسی تعاریف مختلف و مطالعه تحولات تاریخی «مفهوم فرهنگ»، تعاریف فرهنگ را در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند:
- ۱- تعاریفی که به رشد فکری، روحی و زیبایی‌شناختی فرد، گروه یا جامعه اشاره دارد.
  - ۲- تعاریفی که دربرگیرنده تعدادی از فعالیت‌های ذهنی و هنری مردم و محصولات آنها در جامعه است مثل فیلم، تئاتر، داستان، معماری و غیره.
  - ۳- تعاریفی که به کل راه و رسم زندگی، کنش‌ها، باورها و آداب و رسوم تعدادی از مردم یک گروه یا یک جامعه اشاره دارد.

در نگاه او، فرهنگ به مثابه «شیوه کلی زندگی» و «شیوه تفسیر تمام تجربیات مشترک» یک گروه است. فرهنگ و انسان، رابطه پیوسته، تعاملی، و درهم تنیده دارند. فرهنگ هر ملت، روح و جوهره آن ملت و شناسنامه هویت بخش آن است. فرهنگ، شیوه زندگی گروهی و حاصل آگاهی و کنش مشترک انسان‌ها است. زندگی اجتماعی آدمیان، «هویت فرهنگی» دارد و به همین دلیل، جهان اجتماعی را «جهان فرهنگی» می‌نامند. نکته قابل تأمل در تفاوت و تعدد تعاریف فرهنگ، تفاوت مبانی فکری و فلسفی صاحب‌نظران و مکاتب مختلف در زمینه‌های گوناگون، از جمله درباره انسان، می‌باشد. به همین دلیل «مسئله فرهنگ» به صورت یک مشکل و چالش، در برابر صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار دارد.

۱- دکتر محمود روح‌الامینی، زمینه فرهنگ‌شناسی

۲- ادوارد تیلور (۱۸۳۲-۱۹۱۷)، فرهنگ ابتدایی

۳- مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۴



به نظر شما، حکیم ابوالقاسم فردوسی، در ابیات زیر، چه تعریفی از فرهنگ را در نظر دارد؟

ز دانا بپرسید پس دادگر	که فرهنگ بهتر بود یا گهر
چنین داد پاسخ بدو رهنمون	که فرهنگ باشد ز گوهر فزون
که فرهنگ آرایش جان بود	سخن گفتن از گوهر آسان بود
گهر بی هنر زار و خوار است و سست	به فرهنگ باشد روان، تندرست

### ویژگی های فرهنگ

به نظر شما فرهنگ چه ویژگی ها و خصوصیتی دارد؟

با دقت در تعاریف مذکور و تعاریف مشابه، با وجود تفاوت ها و اختلاف نظرهای مشهود در این تعاریف، برخی از ویژگی های مشترک که برای فرهنگ بیان شده، عبارت اند از:

- ۱- معناسازی و ارزش آفرینی: فرهنگ، بیانگر معنا و مفهوم، ارزش ها و هنجارها، روش ها و سبک زندگی انسان هاست. فرهنگ، همانند روح در کالبد پدیده ها و عناصر جهان فرهنگی، جاری است و به آنها معنا و جهت می دهد. روح سرزنده و متعالی، نشاط و شادابی را در بدن ایجاد می کند.
- ۲- زمانمندی و مکانمندی: فرهنگ، پدیده ای «زمانمند و مکانمند» است و سبک و روش زندگی مردم هر جامعه، در هر زمان و هر مکان، با شیوه زندگی مردمان دیگر در مکان ها و زمان های دیگر، شباهت ها و تفاوت های قابل توجه دارد. بنابراین فرهنگ هر ملت، خاص خود آنهاست و ریشه در تاریخ آن ملت دارد.
- ۳- میراث جمعی بودن: فرهنگ، «میراث اجتماعی» است که توسط افراد یک گروه یا جامعه و کنش ها و تعاملات آنها با هم به وجود می آید و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود.



۴- تاریخی بودن: فرهنگ، پدیده‌ای «تاریخی» است که از انباشت تدریجی تجربه‌های افراد یک گروه در طول زمان، شکل گرفته است. فرهنگ هر جامعه، ریشه در تاریخ آن جامعه دارد. بنابراین کنش‌های موردی و زودگذر، کنش‌های فرهنگی و اصیل نیست.

۵- اکتسابی بودن: فرهنگ، پدیده‌ای «آموختنی و اکتسابی» است که در طول زندگی، از بدو تولد تا پایان عمر، از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی آموزشی و تربیتی از منابع بشری و وحیانی توسط افراد کسب می‌شود. در عصر حاضر، علاوه بر نهادهای مذکور، رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی نیز، در تولید و انتقال فرهنگ، نقش اساسی ایفا می‌کنند.

۶- تحول‌پذیر بودن: فرهنگ، امری «تحول‌پذیر» است و همانند هر موجود زنده و به‌عنوان یک پدیده انسانی، دچار تغییر و تحول می‌شود. بدین دلیل، فرهنگ، رشد و تعالی، فراز و فرود دارد و پویایی و زوال در حوزه فرهنگ و جهان فرهنگی اتفاق می‌افتد.

۷- نظام‌مند بودن: فرهنگ، یک کل به هم پیوسته و منسجم است و عناصر و اجزای آن برهم تأثیر گذاشته و از هم تأثیر می‌پذیرند.

### بررسی و تحلیل کنید



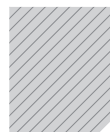
در اصفهان چه صنایع دستی وجود دارد؟ در مازندران و همدان چه صنایع دستی تولید می‌شود؟ این صنایع، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند؟ علت شباهت‌ها و تفاوت‌ها چیست؟ مهارت تولید صنایع دستی چگونه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؟



### ابعاد و وجوه فرهنگ

فرهنگ دارای چه ابعادی است و چگونه می‌توان آنها را از هم تشخیص داده و طبقه‌بندی کرد؟ دانستیم که فرهنگ، به‌عنوان روح جمعی زندگی انسان، عاملی است که به تمام پدیده‌های انسانی، معنا می‌بخشد، لذا وسعت و قلمرو فرهنگ، به وسعت حیات اجتماعی انسان و جهان‌های اجتماعی اوست و تمام ذخائر و میراث اندیشه و کنش انسان از آغاز تا امروز را شامل می‌شود. وسعت قلمرو موضوعی، و انسان شمول بودن فرهنگ، باعث ایجاد خصوصیات مشترک میان جهان‌های اجتماعی و جهان‌های فرهنگی جوامع شده است. با توجه به گستردگی مفهوم فرهنگ، می‌توان هرجهان فرهنگی را، به دو بعد فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس تقسیم کرد.

«فرهنگ دارای دو بعد یا دو وجه است: این دو بعد، در یک کلیت منسجم به هم مرتبط هستند و در تحلیل نهایی، باید تأثیرات متقابل آنها را در بستر کلی هر جامعه معین، مورد بررسی و توجه قرار داد.»<sup>۱</sup>



فرهنگ محسوس، به مجموعه پدیده‌های عینی و ملموس گفته می‌شود. این بُعد از فرهنگ، شامل اشیای قابل حس، وسایل و ابزارهایی است که از زمان گذشته تا زمان حال، به ما به ارث رسیده است. مانند آثار باستانی، صنایع دستی، ابزار کار، وسایل کشاورزی، لباس، لوازم خانه، داروهای شیمیایی، وسایل تولیدی، ساختمان و بنا و دست ساخته‌های دیگر انسان. به عبارت دیگر، فرهنگ محسوس، مشتمل بر کلیه دستاوردهای مادی و فناورانه زندگی بشر است که در جامعه وجود دارد.

فرهنگ غیر محسوس، ابعاد کیفی و ناملموس زندگی انسان را شامل می‌شود مانند: آداب و رسوم، اعتقادات، اخلاقیات، باورها، ارزش آثار فکری، ادبی و هنری، فنون، آداب و دانستی‌های عامه (فولکلور). این بخش از فرهنگ، بیشتر به وسیله زبان و خط فرا گرفته می‌شوند.

بخش غیر محسوس فرهنگ، در بردارنده عقاید، و باورها، دانش‌ها و ارزش‌های یک جامعه است و بخش محسوس آن، هنجارها و نمادها را در بر می‌گیرد. فرهنگ محسوس و غیر محسوس به هم پیوسته‌اند. این پیوستگی و پیوند،

هر چند در ظاهر مشخص نیست، اما با دقت و شناخت علمی، ارتباط بین آنها مشخص می‌شود. این ارتباط، یک رابطه دو سویه است، از یک سو فرهنگ محسوس، ریشه در فرهنگ غیر محسوس دارد و بر آن، استوار است و از آن سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر، فرهنگ غیر محسوس، از تغییرات و تحولات فرهنگ محسوس، تأثیر می‌پذیرد. فرهنگ غیر محسوس، بدنه اصلی فرهنگ ملی یک جامعه است. این بدنه، قدرت روحی و نیروی حیاتی یک ملت را مشخص می‌کند و تمام ابعاد، تولیدات و مصنوعات زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، ریشه در فرهنگ ذهنی جامعه دارد. بنابراین، فرهنگ معنوی، بستر تعالی و پایداری حیات ملی است.



۱- آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۷۷، صفحه ۲۶

این دو بعد فرهنگ، «هویت فرهنگی» هر جامعه را تشکیل می‌دهند و تضعیف آن، به‌ویژه در لایه‌های غیرمحسوس، ضایعه‌ای است که هویت و ملیت یک گروه اجتماعی را تهدید می‌کند. فرهنگ‌های محسوس را می‌توان از دیگران به عاریه گرفت، توسعه داد و غنی ساخت، اما عاریه گرفتن فرهنگ غیرمحسوس، به‌آسانی امکان‌پذیر نیست و آثار مثبت یا منفی آن می‌تواند بسیار عمیق و گسترده باشد.

### بررسی و گفتگو کنید



اگر فردی، لباس یا پیراهنی بپوشد که بر روی آن، تصویری از نمادهای ملی باشد، این نوع پوشش، چه پیامی از فرهنگ محسوس و فرهنگ غیرمحسوس را به دیگران منتقل می‌کند؟ اگر این پیراهن، حاوی تصاویری از نمادهای بیگانه باشد، دیگران، چه پیامی از آن دریافت خواهند کرد؟

### رابطه متقابل ابعاد و سطوح فرهنگ

چه رابطه‌ای میان سطوح و ابعاد فرهنگ برقرار است؟ شناخت و درک این ارتباطات، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

در سال قبل آموختید که اجزای مختلف یک جهان اجتماعی را می‌توان براساس اهمیت و نقشی که ایفا می‌کنند، تقسیم‌بندی نمود. از آنجا که ارتباط تنگاتنگی بین فرهنگ و اجتماع وجود دارد، فرهنگ را نیز می‌توان در چهار سطح به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

۱- عقاید و باورها: مجموعه جهان‌بینی و اعتقاداتی که در یک جامعه وجود دارد؛ مانند اعتقاد به خداوند و روز قیامت و کرامت انسان.

۲- ارزش‌ها: ارزش عبارت است از بار معنایی خاص که انسان برای برخی از اعمال، حالت‌ها و پدیده‌ها قائل است و حکایت از مطلوبیت و مفید بودن پاره‌ای از امور در زندگی انسان دارند؛ مانند عدالت، ظلم‌ستیزی، آزادی و کمک به محرومین.

۳- هنجارها: کنش‌هایی که برای تحقق ارزش‌ها توسط افراد انجام می‌شود و همگان به رعایت آنها وفادارند؛ مانند احترام به معلم، رعایت قانون، نوع پوشش در جامعه و عبور نکردن از چراغ قرمز.

۴- نمادها: نشانه‌ها و امور قراردادی که معرف معنایی خاص است و پیامی خاص را القا یا تداعی می‌کند؛ مانند پرچم، صدای زنگ مدرسه، علائم تابلوهای راهنمایی، مناره و گنبد.

مناسبات این چهار لایه با وجوه و ابعاد فرهنگ، در نمودار صفحه بعد نمایش داده شده است:



## مناسبات و ارتباط سطوح و لایه‌های فرهنگ با یکدیگر

↓	نمادها	↑	<b>فرهنگ محسوس و ملموس</b>
↓	هنجارها و الگوها	↑	
↓	ارزش‌ها	↑	<b>فرهنگ غیر محسوس و غیر ملموس</b>
↓	مفروضات اساسی (عقاید و باورها)	↑	

همچنان که مشاهده می‌کنید، عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق و زیرین فرهنگ و هنجارها و نمادها در لایه‌های سطحی و غیربنیادین قرار دارند و از عقاید و ارزش‌ها سرچشمه می‌گیرند. این چهار لایه با هم دادوستد داشته، برهم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند و تفاوت در تعاملات بین لایه‌ها و سطوح فرهنگ بستگی به تفاوت در فرهنگ‌ها و نوع عناصر آنها دارد. همچنین تغییر هر لایه، بر روی سایر لایه‌ها اثر گذاشته و می‌تواند باعث تغییر آنها شود. تفاوت فرهنگ‌ها، به‌نوع عناصر فرهنگی، چگونگی چیش و وزن‌دهی به این عناصر، مناسبات و روابط بین آنها باز می‌گردد و هویت‌های فرهنگی متفاوتی را می‌سازد.

موضوعات زیر را از منظر سطوح و ابعاد فرهنگ، بررسی کرده و درباره آنها در کلاس گفتگو کنید:

- ◆ آیا در اطراف محل سکونت شما بناهای قدیمی وجود دارد؟ چرا سبک معماری و نحوه ساخت و ساز خانه‌های مسکونی امروز با گذشته متفاوت است؟
- ◆ دو زاپنی چگونه به هم احترام می‌گذارند؟ چرا روش آنها با ما متفاوت است؟



▲ خانه قدیمی در تهران



▲ خانه مدرن در تهران



درس دوم

## چرایی شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی



▲ مرمت و بازسازی ارگ بم

چرا باید «فرهنگ» را بشناسیم و به بررسی و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و مسائل فرهنگی بپردازیم؟  
شناخت فرهنگ و مقوله‌های فرهنگی، چه تأثیری در زندگی فردی و اجتماعی ما دارند؟

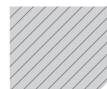
### ◆ ضرورت‌ها و نقش‌های فرهنگ

در درس قبل دانستیم، گستره فرهنگ، به گستردگی حیات اجتماعی انسان است. از این رو، هر انسانی به عنوان یک کنشگر اجتماعی، تحت تأثیر فرهنگ و جهان‌های فرهنگی قرار دارد و براساس باورها و ارزش‌های فرهنگی، کنش فردی و اجتماعی انجام می‌دهد.

دلایل ضرورت و اهمیت شناخت فرهنگ و تحلیل فرهنگی عبارت‌اند از:

## ۱- فرهنگ، هویت بخش فرد و جامعه

«ما»، «فرهنگ» و «جهان‌های فرهنگی» چه مناسباتی باهم داریم؟ از هم چه تأثیری می‌پذیریم و برهم چه تأثیری می‌گذاریم؟



شخصیت و هویت «ما»، در جهان فرهنگی شکل می‌گیرد. «ما» از فرهنگ، اثر پذیرفته و بر آن اثر می‌گذاریم. همه ما، از آغاز تولد تا لحظه مرگ، در جهان‌های فرهنگی متعدد زندگی می‌کنیم، با هزاران نماد و نشانه فرهنگی، در خانه، خیابان، مدرسه، جامعه روبه‌رو هستیم و در تمام تصمیمات خود، اعم از لباس پوشیدن، غذا خوردن، درس خواندن، تماشای تلویزیون، تفریح نمودن و نیز انتخاب رشته تحصیلی، نوع شغل، انتخاب همسر و... با فرهنگ و پدیده‌های فرهنگی سر و کار داریم. در نتیجه باید، «فرهنگ» را بشناسیم، مهارت برقراری ارتباط مفید و اثربخش با فرهنگ را کسب کنیم و توانایی تجزیه و «تحلیل فرهنگی» را به دست آوریم.

هنگامی که کودک به دنیا می‌آید، رفتارهای طبیعی و زیستی از خود بروز می‌دهد، گریه می‌کند، دست و پای خود را حرکت می‌دهد، چشم‌های خود را باز و بسته می‌کند، و... اما به مرور زمان، تحت تأثیر فرهنگ خانواده و بر اساس فطرت خدادادی، باورهای او شکل می‌گیرد و رفتارها و کنش‌های خاصی از خود نشان می‌دهد. مهم‌ترین نمود فرهنگ‌پذیری، زبان‌آموزی و ادای کلمات و واژگان است که عمدتاً از فرهنگ خانواده و زبان و رفتار پدر و مادر، به صورت مستقیم و غیرمستقیم فراگرفته می‌شود. کودک از طریق حواس، جهان اطراف خود را شناسایی و ادراک می‌کند و این امر، به رشد و گسترش توانایی زبانی او می‌انجامد. شکل‌گیری و رشد زبان در فرد، مقدمه شکوفایی و رشد «اندیشه» در او خواهد شد. فرهنگ، ابتدا بیرون از کودک، و در وجود دیگران، نمادها، جهان اجتماعی و فرهنگی، موجود بوده است و اکنون در تعامل کودک با دیگران، به درون وی، راه یافته و باعث درونی شدن فرهنگ می‌شود. فرهنگ از طریق درونی شدن، استمرار می‌یابد و افراد هم با عجزین شدن آن با استعدادهای ذاتی‌شان، به بسط و گسترش فرهنگ (مانند تولید ابزار و تفکرات جدید) پرداخته و بر آن، تأثیر می‌گذارند.

فرهنگ، عامل اتصال و روح تعاملات اجتماعی است و ارتباطات اجتماعی در بستر فرهنگ و توسط آن اتفاق می‌افتد. بدون فرهنگ، ارتباط و تعامل با دیگران، امکان‌پذیر نیست، همچنان که نحوه تعامل ما با دیگران را نیز، فرهنگ، مشخص می‌کند. به عنوان مثال، اگر فردی به ما، طوری تعارف کند، که از عمل این فرد و نحوه تعارف کردن او، بفهمیم که او به ما ابراز محبت و صمیمیت کرده، متقابلاً ما نیز، محبت‌آمیز برخورد می‌کنیم، ولی اگر تلقی ما از رفتار او این باشد که درصدد تحقیر یا کوچک شمردن ماست، به گونه‌ای دیگر رفتار خواهیم کرد. این تفاوت در رفتار و سبک زندگی، در فرهنگ‌های مختلف (مثل تفاوت مراسم پذیرایی و تعارفات در فرهنگ اروپایی، آفریقایی، آسیایی و...) به خوبی مشهود است و بر ضرورت و اهمیت شناخت فرهنگ، تأکید دارد.

### بررسی، تجزیه و تحلیل و گفتگو نمایید:

در شهر شما، مراسم ازدواج، دارای چه آداب و رسومی است؟ اگر فردی با این آداب آشنا نباشد و یا آنها را رعایت نکند، چه پیش می‌آید؟



## ۲- فرهنگ و هدفمندی در زندگی

هر یک از ما، به عنوان یک کنشگر اجتماعی، از کودکی تا پایان عمر، تحت تأثیر فرهنگ و جهان‌های فرهنگی قرار داریم و بر اساس باورها و ارزش‌های فرهنگی خویش، کنش فردی و جمعی انجام می‌دهیم. فرهنگ در شکل‌گیری شخصیت ما، تأثیر فراوان دارد. باورها، نگرش‌ها و کنش‌های ما، تحت تأثیر فرهنگ خانواده، فرهنگ مدرسه و فرهنگ جهان اجتماعی است و جامعه‌پذیری که موجب پویایی جهان اجتماعی می‌شود، توسط فرهنگ، صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر، هر یک از ما، در زندگی خود، هدف یا اهدافی داریم و برای دستیابی به آنها و کسب موفقیت، تلاش می‌کنیم. معنای زندگی ما و انتخاب و ترجیح یک هدف بر اهداف دیگر، متأثر از باورها و ارزش‌های ماست. اگر برای رسیدن به هدف، به دانش و مهارت خاص نیاز باشد، سعی می‌کنیم آنها را در مدرسه یا آموزشگاه‌های بیرون از مدرسه به دست آوریم. اگر تحقق هدف ما، به سرمایه نیاز داشته باشد، با تلاش خود و همراهی خانواده، سعی می‌کنیم آن را تأمین نماییم. علاوه بر این تلاش‌ها و امکانات، دستیابی به اهداف



فردی و اجتماعی، نیازمند فراهم آوردن بستر فرهنگی مناسب آن هدف است. شرایط فرهنگی، باید پذیرای تحقق اهداف باشد و از آن حمایت کند. مثلاً اگر اهداف ما، با فرهنگ خانوادگی یا جامعه، همخوانی نداشته باشد و حتی با آنها در تعارض و تضاد باشد، مقاومت و مخالفت اعضای خانواده یا جامعه، باعث عدم موفقیت در اجرای برنامه‌ها می‌شود. آسیب‌های ناشی از بی‌توجهی یا بی‌تفاوتی به فرهنگ، تمام افراد جامعه را متأثر می‌کند و تحقق اهداف را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. در نتیجه، موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی، نیازمند توجه به فرهنگ و شرایط فرهنگی جامعه است.

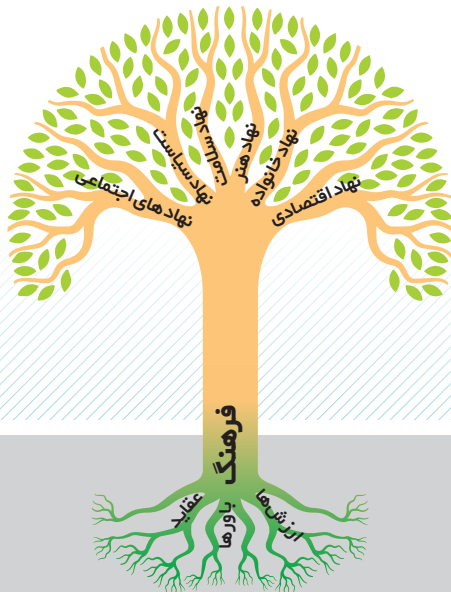
### ۳- پویایی حیات اجتماعی، نیازمند شناخت و صیانت از فرهنگ

فرهنگ، «روح جمعی» حاکم بر زندگی آدمی است که تمام زوایای آشکار و پنهان زندگی را در بر گرفته است. فرهنگ، همانند ریشه درخت است که پویایی و شادابی درخت زندگی به سلامت و سرسبزی ریشه‌های آن وابسته است. اگر شاخه یا برگ یا میوه درخت، آسیب ببیند، می‌توان آن را ترمیم یا جبران کرد، اما اگر ریشه درخت آسیب دید و خشک شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ نهادهای خانواده، اقتصاد، سیاست، هنر، سلامت، ورزش، تعلیم و تربیت و... همه ریشه در فرهنگ جامعه دارند و از آبشخور آن، سیراب می‌شوند. تمام فعالیت‌ها و کنش‌های فردی و گروهی افراد، از باورها و ارزش‌های فرهنگ جامعه، نشئت گرفته و با نمادها و الگوهای فرهنگی، داد و ستد می‌نماید. انسان و جامعه، از فرهنگ جدایی‌ناپذیرند، در نتیجه انسان بدون فرهنگ و جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد، همچنانکه فرهنگ بدون انسان و جامعه نیز، پدید نمی‌آید.

به واقع فرهنگ، همانند هوایی است که در آن تنفس می‌کنیم. هر چند دیده نمی‌شود، اما همه ابعاد وجودی ما و جامعه را در بر گرفته است و پویایی و شادابی ما و جامعه، به پاکی و سلامت آن وابسته است. در هوای آلوده، همه اعضای بدن آسیب می‌بینند و در صورت شدت آلودگی، حیات انسان به مخاطره می‌افتد و با کمبود هوا برای تنفس، آهنگ مرگ به صدا درمی‌آید.

آیا بدون شناخت و کسب شایستگی‌های لازم، امکان حفظ حیات اجتماعی و جلوگیری از آسیب‌ها، وجود دارد؟

بی‌تردید، همان‌گونه که حفظ حیات جسمانی انسان و تداوم رشد بدن، وابسته به شناخت از انسان و شرایط زیست‌اوست، حفظ و صیانت از حیات اجتماعی، ارتباط مستقیم با شناخت فرهنگ و عوامل و عناصر آن دارد.







#### ۴- تقویت هویت و حفظ وحدت ملی

فرهنگ، مهم‌ترین عامل انسجام و استحکام ملی و همبستگی اجتماعی به‌شمار می‌رود. انسجام ملی در هر جامعه، نیازمند تقویت و صیانت از بنیان‌های فرهنگی آن جامعه می‌باشد، چه بنیان‌های فرهنگ محسوس و ملموس و چه بنیان‌های فرهنگ معنوی و غیرمحسوس. صیانت از: آثار و ابنیه تاریخی، میراث مکتوب، اسطوره‌ها و قهرمانان ملی، ادبیات و زبان زنده و پویا، آرمان‌ها و اهداف شوق‌انگیز، عقاید و باورهای اصیل و عقلانی و فطری و نظایر آنها، همه در تحکیم و تقویت انسجام اجتماعی و وحدت ملی نقش دارند. کسانی می‌توانند منادی وحدت و انسجام اجتماعی باشند و گفتار و رفتار آنها به همبستگی ملی و اجتماعی، کمک کند که شناخت دقیق و عمیق از فرهنگ جامعه و درک صحیح از ارزش‌ها و باورهای مردم داشته باشند.

از آنجا که فرهنگ جامعه، برابند نقش‌آفرینی تمام افراد، سازمان‌ها و نهادهای جامعه است، همگان از فرهنگ تأثیر می‌پذیرند و بر آن اثر می‌گذارند، همه افراد، با فرهنگ جامعه داده و ستاده دارند، لذا همگان نسبت به فرهنگ جامعه، «مسئول» هستند و باید برای شناخت، پالایش و ارتقای آن، تلاش کنند و با کسب مهارت‌های لازم، مسؤلیت اجتماعی و فرهنگی خویش را ایفا نمایند.

#### هم‌اندیشی و گفتگو کنید



تولید و ترویج لطیفه‌ها و طنزهای مخرب علیه شخصیت‌ها و قهرمانان ملی و گروه‌های مختلف، به ویژه در فضای مجازی، چرا و چگونه انجام می‌شود؟ تأثیر منفی آنها بر تضعیف وحدت ملی و انسجام اجتماعی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟



## ۵- گسترش جهان‌های اجتماعی

مطالعه و شناخت فرهنگ، زمینه ارتباط با «گذشتگان» و «آیندگان» را فراهم می‌آورد و مرزهای «زمان» را در می‌نوردد. زمانی که کتاب تاریخی مطالعه می‌کنیم، یا از موزه بازدید می‌کنیم، هنگامی که از اعمال وحشیانه چنگیز و همراهانش نسبت به مردم شهر و روستاها ناراحت می‌شویم، زمانی که زندگانی مالک اشتر را بررسی کرده و او را الگوی خود قرار می‌دهیم ... در همه این موارد، با فرهنگ گذشتگان و موارث فرهنگی آنان آشنا می‌شویم. آثار تمدنی آنها را می‌بینیم، آداب و رسوم آنها را بررسی می‌کنیم، ادبیات و آثار ادبی و هنری آنان را تحلیل می‌کنیم ... گویی با «گذشتگان» زندگی کرده و در «گذشته» حضور داشته‌ایم.



آن هنگام که سیاستمداران و مردمی را تحسین می‌کنیم که به احترام «آیندگان»، خود را به زحمت انداخته و با قناعت در مصرف منابع طبیعی و منابع میان نسلی، (مانند ذخایر نفت)، زمینه زندگی مناسب را برای آنان فراهم می‌آورند، گویی با «آیندگان» زندگی می‌کنیم و شرایط آنان را، درک می‌کنیم. بنابراین، فرهنگ، نه تنها عامل و پایه تعامل با دیگران است، بلکه جهان اجتماعی ما را هم گسترش می‌دهد، ما را از تنگنای جهان فعلی بیرون برده و در صحنه گسترده معاصران، گذشتگان، و آیندگان قرار می‌دهد و با این کار، موجبات رشد و شکوفایی بیشتر ما را فراهم می‌آورد. بنابراین، شناخت «فرهنگ» و «تحلیل فرهنگی»، یعنی:

- شناخت و تجزیه و تحلیل توانمندی‌ها، باورها، اندیشه‌ها و رفتارهای «خود»،

- شناخت «گذشتگان» و موارث و آثار آنان، موفقیت‌ها و شکست‌های ایشان،

- شناخت «معاصران» و تحلیل سبک زندگی، افکار و ارزش‌های آنان،

- شناخت «آیندگان» و شرایط زیست فرهنگی و اجتماعی ایشان.

این آگاهی‌ها و توانمندی‌ها، در پرتو شناخت فرهنگ و کسب مهارت تجزیه و تحلیل فرهنگی حاصل می‌شود، و در این زمینه، رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، نقش اساسی ایفاء می‌کنند.

## ۶- نقش تأثیرگذار فرهنگ در آینده بشر

انسان‌ها در طول تاریخ زندگی خویش، فراز و فرود فراوانی را تجربه کرده و سیر تکاملی و تعالی جویانه خود را طی کرده‌اند. در ابعاد مادی و محسوس زندگی بشر، حرکت از زندگی ساده و ابتدایی آغاز و پس از عبور از دوره‌های مختلف کشاورزی و صنعتی به زندگی فناورانه امروز رسیده است، در ابعاد فرهنگ غیر محسوس نیز، سیر تحولی

خویش را پشت سر نهاده و با پستی‌ها و بلندی‌ها، موفقیت‌ها و شکست‌های فکری و معنوی روبه‌رو بوده است. از یک سو، انسان امروزی، به علم و آگاهی، عقلانیت و معنویت فزون‌تر، نسبت به گذشته دست پیدا کرده است، و از سوی دیگر، کژی‌ها و آسیب‌هایی، مانند اعتیاد، سرقت، بی‌عدالتی، استثمار، با پیچیدگی و گستردگی بیشتری در زندگی انسان جریان یافته است. بر اساس شواهد و قرائن، در ادامه این راه، انسان آینده، آگاه‌تر و عالم‌تر، عدالت‌خواه‌تر، و جامعه انسانی، جامعه فرهنگ محور و علم مدار خواهد شد، در نتیجه، اندیشه و فرهنگ، میدان دار زندگی انسان‌های آینده می‌شود. علم و آگاهی، بیش از پیش، در زندگی آدمیان، نقش آفرینی کرده و باورها و ارزش‌ها، مناسبات فردی و اجتماعی آنان را رقم خواهند زد.

### شهید مطهری:

انسان آینده، «انسان فرهنگی» است و عوامل و مؤلفه‌های فرهنگی، بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی او تأثیر خواهد داشت.

به همین دلیل، در دوران جدید، بر اهمیت و ضرورت توجه به فرهنگ و مقولات فرهنگی، بیش از پیش، افزوده شده است و رسیدن به پیشرفت و توسعه و دستیابی به جامعه انسانی توأم با اخلاق و معنویت و ارزش‌های والای انسانی، مورد توجه جدی قرار گرفته است. امروزه، انسان، به مثابه اصلی‌ترین سرمایه هر جامعه، محسوب شده و باورها، شایستگی و مهارت‌های او از جایگاه رفیع و بی‌بدیل برخوردار شده است. جامعه پیشرفته و توسعه‌یافته، جامعه‌ای خواهد بود که از سرمایه انسانی بیشتر، با شایستگی فزون‌تر، فرهنگ متعالی و مناسبات انسانی توسعه‌یافته برخوردار باشد.

### باتشکیل «میزگرد فرهنگی» درباره موضوعات زیر، گفتگو کنید:

۱- امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «بی‌شک والاترین و بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت آن جامعه را تشکیل می‌دهد».

۲- عبارت «انقلاب اسلامی - یک انقلاب فرهنگی است» به چه معناست؟ این رویکرد، در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، رفتار مسئولان و مردم چه تأثیری داشته و چه پیامدهایی را به همراه دارد؟







براساس آمارهای موجود، «سن ازدواج» در کشور، در دو دهه گذشته، بالا رفته است. علل این پدیده کدامند؟ آیا صرفاً شرایط و دلایل اقتصادی باعث پیدایش این «مسئله» شده است؟ تغییر سبک زندگی مردم، چه نقشی در بروز آن داشته است؟

این «مسئله» را، چگونه تحلیل می کنید و برای بررسی و تجزیه و تحلیل آن، به چه دانش ها و مهارت هایی نیاز دارید؟



تحلیل فرهنگی به چه معناست؟ برای افزایش دقت در تجزیه و تحلیل فرهنگی پدیده‌ها، به چه دانش‌ها و مطالعاتی نیاز داریم؟ پیامدهای تحلیل فرهنگی چیست و چه مسئولیت‌هایی را متوجه ما می‌کند؟

برای پاسخ دادن به این سوالات، لازم است ابتدا مفاهیم «مطالعات فرهنگی»، «سواد فرهنگی»، «تحلیل فرهنگی» و «رویکرد فرهنگی» را بررسی کنیم.

### مطالعات فرهنگی

مطالعات فرهنگی به چه معناست؟ و شامل چه موضوعاتی می‌شود؟

مطالعات فرهنگی، مجموعه‌ای از بررسی‌های انتقادی درباره فرهنگ عمومی و مسائل زندگی روزمره است که وضعیت فرهنگی جهان‌های اجتماعی معاصر و نزدیک به معاصر را بررسی می‌کند. هدف از این مطالعات، شناسایی نقاط قوت و ضعف فرهنگ افراد و جهان اجتماعی، برای کمک به انسانی‌تر شدن زندگی روزمره است. در مطالعات فرهنگی، تحلیل فرهنگ، به عنوان شیوه و سبک زندگی، مورد توجه است. گسترش سریع و روزافزون فناوری‌های ارتباطی، حضور قدرتمند و فعالیت پر تنوع رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی و بررسی نفوذ و تأثیر فوق العاده آنها بر فرهنگ افراد و فرهنگ جامعه، همچنین تعامل رسانه‌ها با سایر نهادهای اجتماعی، (مانند خانواده، اقتصاد، سیاست) مورد توجه مطالعات فرهنگی است. تجربه زندگی در جهان‌های متنوع فرهنگی، گسترش مهاجرت (روستا، شهر، سایر کشورها)، در هم تنیدگی و تعامل خرده فرهنگ‌ها، اختلافات فرهنگی، تعاملات فرهنگی بین‌المللی و... از جمله موضوعاتی است که در مطالعات فرهنگی تجزیه و تحلیل می‌شود. مطالعات فرهنگی، به دنبال کشف روابط و مناسبات فرهنگ با نژاد، جنسیت، طبقه، زبان، مذهب، حاکمیت و قدرت است. در این حوزه مطالعاتی، فرهنگ سرمایه‌داری معاصر، به عنوان فرهنگ مادی و کالایی شده، مورد نقد جدی قرار می‌گیرد.

### تحقیق کنید

رشته‌های دانشگاهی در حوزه فرهنگ و موضوعات فرهنگی را، در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های کشور، شناسایی کرده و در کلاس معرفی کنید.



## ◆ سواد فرهنگی

«سواد فرهنگی» به چه معناست و در فهم و تجزیه و تحلیل فرهنگی، چه نقشی دارد؟ چرا برخی از افراد، در هنگام دیدن فیلم، خنثی و بی تفاوت هستند و توانایی تجزیه و تحلیل و دریافت پیام‌های آشکار و پنهان آن را ندارند؟ در عصر حاضر، چه کسی و با چه مهارت‌ها و شایستگی‌ها، «باسواد فرهنگی» تلقی می‌شود؟ امروزه، «سواد» به توانایی خواندن، نوشتن و حساب کردن محدود نمی‌شود و افراد باسواد کسانی نیستند که می‌توانند متنی را بخوانند یا مطلبی را بنویسند و یا عملیات ریاضی را انجام دهند. «سواد» در عصر جدید، به مجموعه‌ای از دانش‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که برای شناخت، درک، برقراری ارتباط و استفاده از پدیده‌ها، مورد نیاز است. بنابراین، «سواد فرهنگی» مجموعه‌ای از شناخت‌ها و توانایی‌های اساسی است که افراد، برای درک عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ، مسائل فرهنگی، هویت فرهنگی، برقراری ارتباط با دیگران و تجزیه و تحلیل فرهنگی، از آن برخوردارند. سواد فرهنگی، افراد را توانمند می‌سازد تا توانایی شناخت هنرهای، ارزش‌ها، آداب و رسوم در فرهنگ‌های مختلف را کسب کنند و در شرایط و موقعیت‌های فرهنگی، رفتار مناسبی از خود بروز دهند. باسوادان فرهنگی، مهارت تجزیه و تحلیل فرهنگی یک فیلم را دارند، پیام یک کتاب را درک می‌کنند، تأثیر وب‌گردی و اعتیاد اینترنتی بر باورها و رفتار کاربران فضای مجازی را می‌فهمند، با قوت و ضعف فرهنگ دیگران، آشنا هستند، مسائل و مشکلات فرهنگی جامعه را می‌شناسند و توانایی نقد و تجزیه و تحلیل آن را دارند. سواد فرهنگی، زمینه حضور فعال و مؤثر افراد در جهان فرهنگی را فراهم می‌سازد و به آنان امکان می‌دهد تا شناخت مناسب از تاریخ خود و جامعه جهانی و مناسبات اجتماعی و ارتباطات فرهنگی به دست آورند و توانایی تعامل مفید و ارتباط مؤثر را کسب کنند.

در مقابل، فرد بی‌سواد فرهنگی، فاقد توانایی درک پدیده‌های فرهنگی است، مهارت بررسی تأثیر متقابل پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با پدیده‌های فرهنگی را ندارد. از تجزیه و تحلیل سبک زندگی مردم عاجز است، برای اصلاح فرهنگ مصرف بی‌رویه، راه‌حلی ندارد. بی‌سواد فرهنگی، در برابر تهاجم فرهنگی، منفعل است و توانایی نقد و بررسی فرهنگ بیگانه را کسب نکرده است.

اولین بار، واژه «سواد فرهنگی» توسط «هیرش» نویسنده آمریکایی در سال ۱۹۸۲ با ارائه شناخت مناسب درباره ۵۰۰۰ موضوع، به کار گرفته شد. هیرش در سال ۲۰۰۱ دایرةالمعارف کامل سواد فرهنگی را منتشر ساخت.



پیشتر بدانیم

## ◆ رویکرد فرهنگی چیست؟

آیا تاکنون عینک دودی یا لزرنگی به چشم زده‌اید؟ اشیای اطراف خود را چگونه دیده‌اید؟ اگر رنگ شیشه عینک خود را تغییر دهید و آن را به رنگ سبز یا قرمز درآورید، آن گاه اشیای اطراف را چگونه خواهید دید؟ آیا رنگ اشیای اطراف شما تغییر کرده است یا عینک و نوع نگاه سبب این تفاوت شده است؟



زان سبب عالم کبودت می نمود

خویش را بدگو مگو کس را تو بیش

پیش چشمت داشتی شیشه کبود

گر نه کوری این کبودی دان ز خویش

مشنوی معنوی، دفتر اول، بخش ۷۲

هر یک از ما با عینکی که بر چشم زده‌ایم و یا از دریچه‌ای که در پشت آن قرار گرفته‌ایم، پدیده‌های اطراف و دنیای خارج از ذهن خویش را می‌بینیم و آنها را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. گاهی از منظر سیاسی، یا اقتصادی یا اجتماعی و گاهی هم با رویکرد فرهنگی.

رویکرد فرهنگی یعنی همه پدیده‌ها و موضوعات را از منظر «فرهنگ» نگرستن و با عینک «فرهنگ و شاخص‌های فرهنگی» آنها را تجزیه و تحلیل کردن.



در رویکرد فرهنگی، اصالت و اولویت با ارزش‌ها و شاخص‌های فرهنگی است. اگر در جامعه‌ای، اخلاق، ادب، قانون‌گرایی و عدالت از شاخص‌های مهم فرهنگ آن جامعه باشد، همه رفتارها و عملکردهای فردی و نهادهای اجتماعی با آنها سنجیده می‌شود و پیشرفت و تعالی جامعه نیز به گسترش و تقویت این ارزش‌ها می‌انجامد. در مقابل، اگر در جامعه‌ای، بی‌نظمی، قانون‌گریزی، فردگرایی، دروغ‌گویی و منفعت‌گرایی فردی ارزش تلقی شوند، برخی افراد از این منظر و با این رویکرد به تجزیه و تحلیل پدیده‌ها می‌پردازند و کنش خود را براساس آن استوار می‌سازند.

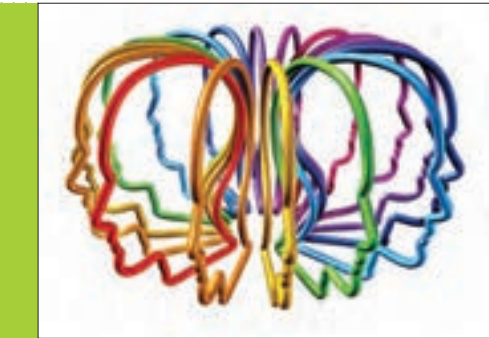




«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و در کلاس درباره آن گفتگو کنید:

اگر در محل سکونت شما یک فروشگاه بزرگ برای عرضه وسایل زندگی با اولویت اجناس و کالاهای

خارجی، ساخته شود، آیا این اقدام، صرفاً یک فعالیت اقتصادی است؟ این پروژه، چه آثار فرهنگی و اجتماعی به همراه دارد؟ این اقدام، چه تأثیری بر سبک زندگی مردم محله و منطقه دارد؟ سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران لازم است در برخورد با این پروژه، چه باید و نبایدهایی را در نظر بگیرند؟



با توجه به تقسیم فرهنگ به دو بخش محسوس و غیرمحسوس و با عنایت به تأثیر و نقش فرهنگ غیرمحسوس در تحقق و تعیین فرهنگ محسوس، مشخص می‌شود که رویکرد فرهنگی، یعنی رویکرد مبتنی بر باورها و ارزش‌ها که ریشه در فرهنگ غیرمحسوس و مجموعه مفروضات اساسی و ارزش‌ها دارد، زیرا قانون زندگی، قانون باورها و اعتقادات است و انسان‌ها همان‌گونه که باور دارند، می‌اندیشند و عمل می‌کنند. باور، قدرتمندترین

عنصر فرهنگ است و باورهای عالی، سرچشمه موفقیت‌های بزرگ هستند. فرق بین انسان‌ها و فرهنگ‌ها، فرق میان باورها و مفروضات اساسی آنهاست. انسان‌های موفق با باورهای متعالی، موفقیت را برای خود خلق می‌کنند.

### گفتگو کنید



نلسون ماندلا:

می‌دانی فرق من با زندانبانم چیست؟  
زمانی که پنجره کوچک سلولم را باز می‌کند، او تاریکی و غم را می‌بیند و من روشنایی و امید را.  
بسیار مهم است که چگونه می‌نگرید.  
زیبا بنگرید!





## تحلیل فرهنگی

مفهوم «تحلیل فرهنگی» چیست و برای تجزیه و تحلیل دقیق و علمی، باید از کدام «سواد» و اطلاعات

و مهارت استفاده کرد؟

«تحلیل فرهنگی»، حوزه‌ای میان رشته‌ای است که درصدد بررسی، تفسیر، و تبیین پدیده‌های فرهنگی و کنش‌های اجتماعی است. تحلیل فرهنگی، به معنای بررسی پدیده‌ها از منظر فرهنگی و با شاخص‌های فرهنگی، به همراه تفسیر و تحلیل نمادها و نشانه‌های موجود در یک فرهنگ است. تحلیل فرهنگی، نوعی توانایی و سببیت معرفتی و ذهنی است که افراد در رویارویی با مشکلات و چالش‌های زندگی مادی و معنوی خویش، از منظر فرهنگی، آنها را تجزیه و تحلیل می‌کنند.

در تحلیل فرهنگی، هدف، ایجاد فهم فرهنگی از پدیده‌هاست و فرهنگ عامل مؤثر در پیدایش پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قلمداد می‌شود، بنابراین تمام پدیده‌ها از منظر فرهنگی و با رویکرد فرهنگی نقد و بررسی و واکاوی می‌شوند.

در این کتاب، هدف از تحلیل فرهنگی، توانمند ساختن دانش‌آموزان است تا با افزایش سواد فرهنگی و کسب مهارت تفسیر و فهم عمیق‌تر مفاهیم زندگی روزمره، پدیده‌های مختلف را از منظر فرهنگی بنگرند و تجزیه و تحلیل کنند و با تشخیص مسائل فرهنگی، برای حل آنها، چاره‌اندیشی کرده و مسئولیت خویش را در قبال تقویت یا اصلاح آنها مشخص سازند.

## تفاوت «تحلیل فرهنگی» با «مطالعه فرهنگ» و «مطالعات فرهنگی»

«مطالعه فرهنگ»<sup>۱</sup>، «مطالعه فرهنگی»<sup>۲</sup> و «تحلیل فرهنگی»<sup>۳</sup> چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

«مطالعه فرهنگ» به بررسی و توصیف ویژگی‌های فرهنگ یک جامعه می‌پردازد. مثل فرهنگ اروپایی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ یونانی. در مطالعات فرهنگ، بیش از نقد فرهنگ یک جامعه، ویژگی‌های فرهنگ آن جامعه (مانند آداب و رسوم، ارزش‌ها، صناعات، هنر و معماری) توصیف و تبیین می‌شود. امروزه رشته انسان‌شناسی فرهنگی به مطالعه فرهنگ جوامع معاصر می‌پردازد.

۱. Study of culture

۲. Cultural studies

۳. Cultural analysis



«مطالعات فرهنگی» به بررسی و تحلیل انتقادی ابعاد و فرایندهای فرهنگی جوامع در دوران معاصر می‌پردازد. این مطالعات در دهه ۱۹۵۰ در بریتانیا ظهور کرد و از اهداف آن، نقد «فرهنگ توده‌ای» بوده است. فرهنگ توده‌ای، همان فرهنگ عامه مردم است که با تولید انبوه به دست جمعیت انبوه رسیده است. مصرف فرهنگی این جمعیت، کالاهای سطحی و نازل است که صنعت فرهنگ، آنها را برای کسب سود بیشتر تولید می‌کند. به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان هنر، فرهنگ و هنر توده‌ای، فرهنگ بومی و محلی و هنر فاخر را به خطر می‌اندازد. مطالعات فرهنگی، به نقد فرهنگ سرکوبگر و سرمایه‌داری معاصر می‌پردازد و معتقد است این فرهنگ، فرهنگی مادی و کالایی شده است.

«تحلیل فرهنگی»، به عنوان یک سنت علمی، درصدد بررسی و تجزیه و تحلیل پدیده‌هاست و با مطالعات فرهنگی و مطالعه فرهنگ متفاوت است، هرچند با آنها ارتباط دارد. هدف از تحلیل فرهنگی، ایجاد فهم فرهنگی از پدیده‌هاست. در تحلیل فرهنگی، فرد تحلیل‌گر، با استفاده از یافته‌های مطالعات فرهنگی و با شناخت فرهنگی جامعه و با بهره‌گیری از سواد فرهنگی خویش به علل وجودی و تجزیه و تحلیل پدیده‌ها می‌پردازد.

### «مسئله» فرهنگی زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید:

آیا تاکنون به «موزه» رفته‌اید؟ کدام موزه؟ چرا میزان توجه و بازدید از «موزه»ها در بین مردم ایران کم است؟ برای افزایش علاقه به این پدیده فرهنگی چه باید کرد؟ نقش خانواده‌ها، مدارس و رسانه‌ها، در تقویت آشنایی و علاقه‌مندی مردم و جوانان چیست؟

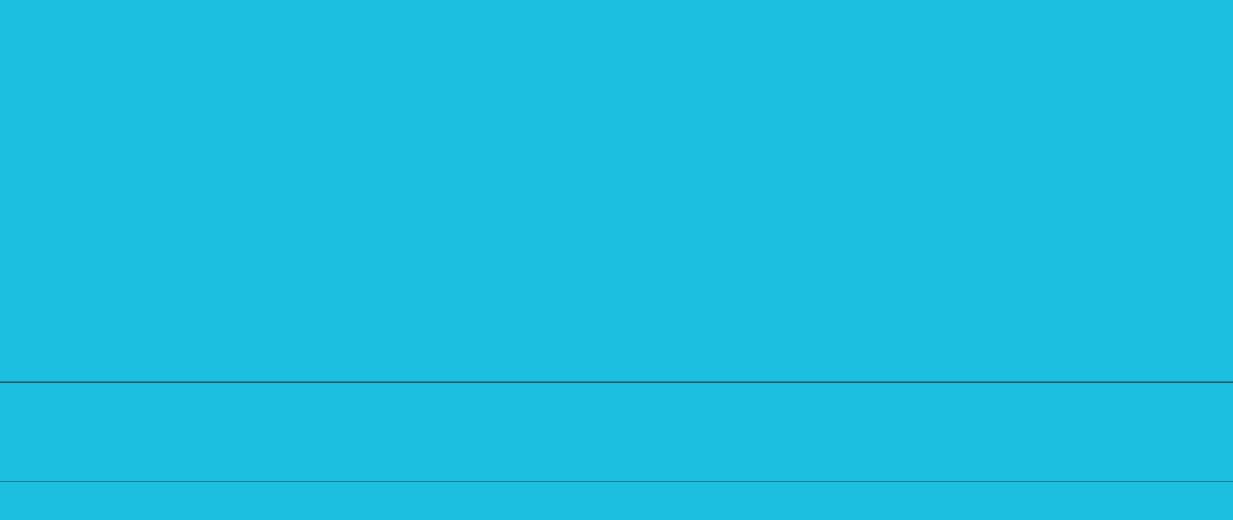


▲ موزه پست و تلگراف ایران

چرا گردشگران خارجی، تمایل بیشتری به بازدید از موزه‌ها و آثار باستانی ایران دارند؟ چگونه می‌توان از این ظرفیت، برای رشد اقتصادی کشور استفاده کرد؟

### تحقیق کنید

به چند گروه دانش‌آموزی تقسیم شوید. هر گروه با راهنمایی دبیر محترم، درباره بخش‌هایی از فرهنگ یک کشور تحقیق کرده و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.





# تحوالات فرهنگی

فصل دوم



▲ موفقیت دانش آموزان ایرانی در پنجاه و ششمین دوره المپیاد جهانی ریاضی در شهر چیانگ مای تایلند



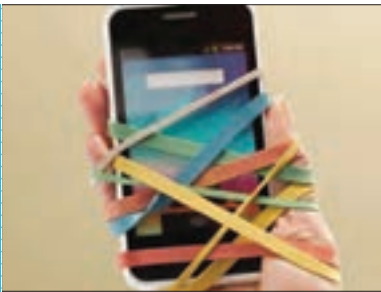
▲ اعزام اولین محصلان ایرانی به فرنگ



## اهداف فصل دوم

- در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:
- ۱- علل و چرایی دگرگونی‌های فرهنگی را درک کند.
  - ۲- با تجزیه و تحلیل تغییر نمادها و الگوها، به ریشه‌های تحولات فرهنگی پی برده و آنها را تبیین نماید.
  - ۳- توانایی ادراک و تبیین تأخر فرهنگی جامعه را کسب نماید.
  - ۴- توانایی ارتباط فعال و آگاهانه با سایر فرهنگ‌ها را به دست آورد.
  - ۵- با امپریالیسم فرهنگی آشنا شده و نقش رسانه‌ها در گسترش سلطه فرهنگی را درک کند.
  - ۶- توانایی تشخیص و رویارویی فعال و هوشمندانه با تغییرات و تحولات فرهنگی را کسب نماید.





## ◆ فرهنگ، ثابت است یا متغیر؟

تغییر در فرهنگ چگونه اتفاق می‌افتد؟ آیا همه مؤلفه‌های فرهنگ تغییر می‌کنند؟ فرهنگ، به عنوان پدیده‌ای بشری و حاصل زندگی جمعی انسان‌ها، تجلی باورها، نگرش‌ها و کنش‌های افراد است که در پاسخ به نیازها و در شرایط خاص زمان و مکان، بروز پیدا می‌کند و با تغییر در نیازها و متناسب با آنها، فرهنگ نیز تغییر می‌کند. نیازهای انسان، به دو گروه به شرح زیر قابل تقسیم است:

**الف) نیازهای ثابت:** این نیازها به ذات انسان، فارغ از زمان، مکان و جنسیت او باز می‌گردد و بین همه انسان‌ها مشترک است و ریشه در فطرت انسانی دارد؛ مانند: عدالت‌خواهی، پرشگرمی، تعالی‌جویی، علم‌گرایی و زیبایی‌دوستی. انسان‌ها در طول تاریخ و در هر منطقه جغرافیایی و با هر جنسیت و نژاد، این ویژگی‌های مشترک را دارا بوده‌اند و هویت انسانی به این ویژگی‌ها وابسته است.

**ب) نیازهای متغیر:** این نیازها در انسان‌های مختلف، متناسب با جنسیت، قومیت، شرایط سنی، زمان و مکان، متفاوت است؛ هرچند نیازهای متغیر هم از اصول ثابت، تبعیت می‌کنند، لیکن متناسب با شرایط، و در هر فرد یا گروه، تجلی خاص خود را دارد؛ مانند مدل لباس و پوشش، نوع غذا و ابزارهای غذا خوردن و روش ساخت و ساز منزل مسکونی.



▲ رودکی



▲ مقبره حافظ در شیراز

نیازهای ثابت، نیازهای «توع» بشر و عموم انسان هاست و با گذشت زمان و تغییر مکان، متحول نمی شوند، این نیازها را نیازهای فطری می نامند. از نظر مکتب اسلام، گرایش به توحید و خداپرستی، عدالت خواهی، علم جویی و زیبایی شناسی، یک نیاز فطری است. همچنان که نیازهای انسان، ثابت و متغیرند، عناصر ثابت و متغیر دارند. هویت فرهنگی فرد و جامعه نیز از عناصر ثابت و متغیر تشکیل شده است. این امر، از جمله پیچیدگی های فرهنگ است که دو صفت یا دو ویژگی به ظاهر متناقض («ثبات» و «تغییر») را در خود جای داده است.

از یک سو، فرهنگ، «ثابت» به نظر می رسد، زیرا موارث فرهنگی در یک دوره طولانی و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود و فرهنگ «گذشته» در زمان «حال» برای نسل «آینده» تداوم می یابد و اگر تغییری هم در آن صورت پذیرد، آرام و کند است و به سادگی قابل مشاهده و درک نیست. باورها و ارزش های اجتماعی در این گروه قرار دارند. این ویژگی ها، اکثراً ناظر به نیازهای فطری و ذاتی بشر هستند و گذشت زمان، تأثیری در ماهیت آنها نمی گذارد. مردم به راحتی و به آسانی باورها، ارزش ها و رفتارهای خود را تغییر نمی دهند؛ مانند عدالت خواهی که در طول زمان مورد توجه و درخواست همگان بوده است.

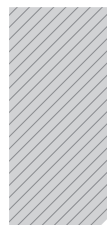
زبان و ادبیات فارسی، از صدها سال پیش تاکنون در ایران حاکم بوده و جوهر فرهنگ ایرانی را شکل داده است. تغییرات این زبان و مفاهیم بیان شده با آن، طی قرون متمادی، بسیار اندک و نامحسوس بوده است به گونه ای که افراد کم سواد و بی سواد هم، معنی و مفهوم اشعار شاعران سده های گذشته (مانند رودکی، ناصر خسرو، حافظ و مولوی) را می فهمند و با آن ارتباط برقرار می کنند.



اما از سوی دیگر، فرهنگ، «متغیر» است و در پاسخ به نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی انسان و متناسب با دگرگونی شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی تغییراتی در فرهنگ به وجود می‌آید؛ مثلاً نحوه طراحی و دوخت لباس، روش و وسایل مسافرت و سبک معماری در دوره قاجار، صفویه و زمان حاضر، غالباً با هم متفاوت است. این نوع تغییرات در لایه‌های بیرونی و سطحی فرهنگ اتفاق افتاده و برای همگان، قابل مشاهده است. به بیان دیگر، همچنان که هر انسان زنده، در طول زندگی خود، با تغییرات و تحولات مختلف روبه‌رو می‌شود، به تحولات محیط، واکنش نشان می‌دهد و در چارچوب هویت خویش، متناسب با شرایط، تصمیم‌گیری و رفتار می‌کند. هر جهان اجتماعی نیز، متناسب با اوضاع اقلیمی و اجتماعی خود، در برابر تحولات محیط، واکنش نشان می‌دهد و با حفظ ویژگی‌های ثابت خود، در چارچوب مبانی و منطبق با الگوی خاص فرهنگی خویش، به گونه‌ای عمل می‌کند که امکان بقا و ادامه حیات را، برای خود و نسل‌های آینده فراهم سازد. به همین دلیل، جهان‌های اجتماعی، مانند انسان، با وجود دارا بودن ویژگی‌ها و وجوه ثابت، تغییرات را می‌پذیرند و بر اساس آنها رفتار می‌کنند. چگونگی واکنش جهان‌های اجتماعی به تحولات محیطی، متفاوت است. برخی تند و سریع و برخی کند و با تأخیر، گروهی جامع و کلی، و گروهی جزئی و محدود از خود واکنش نشان می‌دهند، در نتیجه، هر جهان اجتماعی، از ویژگی فرهنگی خاص خود برخوردار است که جهان فرهنگی او را از دیگر جهان‌های فرهنگی متمایز می‌کند.

### موضوع زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید:

آیا از «روش زندگی» گذشتگان و یا نیاکان خود اطلاعی دارید؟ پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های شما چگونه زندگی می‌کردند؟ مراسم ازدواج و عزاداری آنها چگونه برگزار می‌شد؟ آیا این مراسم، امروز هم، همان گونه برگزار می‌شود؟ چه عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی، «ثابت» مانده است و کدام یک «تغییر» کرده است؟



## چستی دگرگونی‌های فرهنگی

«چه غذایی را بیشتر دوست دارید؟»

هر یک از شما دانش‌آموزان، این سؤال را، از سه گروه سنی زیر بپرسید و پاسخ‌ها را یادداشت کنید:

الف) پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها؛

ب) پدر و مادر خودتان؛

پ) برادران و خواهران کوچک‌تر، یا کودکان ۷-۶ ساله.

آیا پاسخ‌ها یکسان است؟ آیا هر سه گروه، که نماینده سه نسل هستند، یک نوع غذا را دوست دارند؟



همان‌طور که می‌دانید و پاسخ‌ها نشان می‌دهد، تا حدودی «ذائقه غذایی» این سه نسل تغییر کرده و با هم متفاوت است. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، بیشتر غذاهای سنتی را دوست دارند و از خوردن آنها لذت می‌برند، در حالی که برخی از فرزندان کوچک خانواده، به غذاهای آماده و فست‌فود، علاقه بیشتری نشان می‌دهند. علت چیست؟ چرا این تغییر «ذائقه غذایی» به وجود آمده است؟

آیا با تغییر نسل‌ها، «ذائقه فرهنگی» جامعه هم تغییر می‌کند؟ آیا «علاقه‌مندی‌ها و دوست‌داشتنی‌های مردم» در طول زمان دگرگون می‌شود؟ باید‌ها و نبایدهای زندگی آنها چگونه است؟

ما در عصر تحولات گسترده و شگرف زندگی می‌کنیم. این تغییرات، تمام تاروپود جهان مادی ما را در بر گرفته است. نمود تغییرات و تحولات، در ساخته‌های بشری و فناوری‌ها به خوبی مشهود است و با سرعت و گستردگی فراوان در حال انجام است. هر روز شاهد تغییر و تحول در مدل رایانه‌ها، تلفن‌های همراه، ماشین‌های سواری، نحوه ساخت‌وساز و معماری خانه‌ها، شهرها و شهرسازی‌ها، روش درمان بیماری‌ها و... هستیم. ما این تغییرات محسوس و مشهود را به خوبی درک می‌کنیم و در زندگی روزانه خود از آنها استفاده می‌کنیم و همپای این تغییرات، دگرگونی‌هایی را در زندگی فردی و جمعی خویش ایجاد می‌کنیم.

جهان‌های اجتماعی و جهان‌های فرهنگی نیز از قاعده «تغییر و تحول» پیروی می‌کنند و در عین وفاداری به مبانی و جنبه‌های ثابت خود، در حال حرکت و دگرگونی‌اند. تمام جوامع، چه به صورت آرام و نامحسوس و چه به صورت ناگهانی و محسوس، تغییرات را تجربه می‌کنند. در واقع، حیات فردی و اجتماعی آدمی، دستخوش



مجموعه‌ای از دگرگونی‌هاست که پیامدهای مثبت و منفی فراوانی به همراه دارد. این دگرگونی‌های فرهنگی، اجتناب‌ناپذیرند و به‌ویژه در عصر حاضر به‌صورت گسترده و با سرعت زیاد، جریان دارند. درک تغییرات و تحولات فرهنگی و تشخیص دگرگونی‌های مثبت و مفید، از تحولات منفی و آسیب‌زا، نیازمند تیزبینی و دقت نظر فراوان است و با تأمل در پدیده‌های فرهنگی حاصل می‌شود. انسان‌هایی که توانایی درک به موقع و زودهنگام تحولات را دارند، می‌توانند آنها را مدیریت کنند و برای تحقق اهداف خویش از آنها بهره‌گیرند. در مقابل، افرادی که توانایی دیدن و همپایی هوشمندانه و به‌موقع با این تغییرات را ندارند، معمولاً در زندگی روزمره با مشکل روبرو شده و دچار «تجگر» و «عقب‌ماندگی» می‌شوند.



اجتماع مشترک مشروطه‌خواهان مسلح با علما در انقلاب مشروطه



تفاوت «تغییر فرهنگی» با «تحول فرهنگی» چیست؟

قبلاً آموختید که جهان فرهنگی را می‌توان به فرهنگ محسوس و فرهنگ غیر محسوس و ناملموس تقسیم کرد. همچنین آموختید که عناصر و لایه‌های فرهنگ، به چهار سطح: عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوها و نمادها تقسیم می‌شوند. دو سطح عقاید و ارزش‌ها، لایه‌های زیرین و بنیادین فرهنگ را شکل می‌دهند و هنجارها و نمادها، لایه‌های سطحی و بالایی فرهنگ‌اند.

دگرگونی در لایه‌های سطحی با عنوان «تغییر فرهنگی» و دگرگونی در لایه‌های زیرین با عنوان «تحول فرهنگی» نامیده می‌شود.



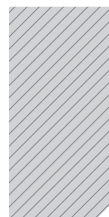
«تغییرات فرهنگی» شامل پدیده‌های مادی و ملموسی است که در کوتاه‌مدت اتفاق افتاده و قابل مشاهده است و هر فرد می‌تواند شاهد آنها باشد.

«تحولات فرهنگی»، دگرگونی در ریشه‌ها و مبانی است که در یک دوره زمانی طولانی، و شاید در فاصله چند نسل، در یک جامعه اتفاق می‌افتد، و آثار و پیامدهای پایدار و ماندگار برجای می‌گذارد. با نگاه

نظام‌مند و سیستمی، تغییر هر جزء از فرهنگ، در کوتاه‌مدت یا درازمدت، می‌تواند تمام عناصر سیستم را تغییر دهد. «تحولات فرهنگی»، علاوه بر دگرگونی در باورها و مفروضات اساسی، نمادها و هنجارها را نیز تغییر داده، و می‌تواند هویت جهان اجتماعی و جهان فرهنگی را دگرگون سازد. ممکن است هر «تغییر فرهنگی»، مفروضات و باورها و ریشه‌های هویتی جامعه را تغییر ندهد، اما هر «تحول فرهنگی»، الگوها و نمادها را دگرگون می‌کند.

«مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن در کلاس گفتگو کنید:

ورود «تلفن همراه» به زندگی، کدام بخش از زندگی ما را تغییر داده است؟ آیا در سطح فرهنگ محسوس و ملموس تأثیر گذاشته است یا فرهنگ غیرمحسوس و ناملموس را هم متأثر کرده است؟ آیا زمینه‌ساز «تغییر فرهنگی» است یا «تحول فرهنگی» را هم به همراه دارد؟





## چگونگی تغییرات و تحولات فرهنگی

فرهنگ‌ها چگونه تغییر می‌کنند؟ عوامل مؤثر بر دگرگونی‌های فرهنگی کدام‌اند؟

فرهنگ‌ها با حرکتی آرام و تدریجی و در چارچوب مبانی ثابت خود، تغییر و تحول می‌پذیرند. فرهنگ‌های پویا و زنده، در پاسخ به نیازهای زمان و مکان خویش، دگرگونی‌های محیط خود را پذیرفته و بر تحولات محیطی تأثیر می‌گذارند. اگر فرهنگی، توانایی همراهی و همپایی با تحولات محیطی را نداشته باشد و به این نیازها پاسخ مناسب ندهد، دچار رکود و افول تدریجی می‌شود و نمی‌تواند به حیات اثربخش خود ادامه دهد.



▲ اولین اتوبوس با لاستیک توپ در خطوط بین شهری ایران

## عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات فرهنگی

عوامل مؤثر بر تغییرات و تحولات فرهنگی عبارت‌اند از:

۱- نوجویی و نوآوری: یکی از ویژگی‌های خدادادی انسان، حس کنجکاوی و تعالی‌جویی است. این ویژگی، موجبات نوجویی، ابداع و نوآوری را در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد و عرصه‌های فرهنگی و جهان فرهنگی نیز براساس این ویژگی، دگرگون می‌شوند. این ویژگی، زمانی موضوع مطالعه

فرهنگی قرار می‌گیرد که عمومیت یابد و تقریباً همه افراد جامعه از این نوآوری متأثر شوند؛ مانند ورود تلفن همراه به زندگی فردی و اجتماعی ما و تأثیر آن بر فرهنگ جامعه.

۲- پذیرش اجتماعی: آن‌گاه که عنصر فرهنگی جدید، به واسطه نوجویی یا در اثر مبادلات فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها، وارد فرهنگ می‌شود و مورد پذیرش عمومی قرار می‌گیرد، زمینه دگرگونی فرهنگی را فراهم می‌آورد. به عنوان مثال: استفاده از روش برگزاری انتخابات برای تغییر در نظام‌های سیاسی کشورها. اما اگر نوآوری‌هایی که به وسیله یک فرد و یا گروهی از افراد جامعه عرضه می‌شود، مورد توجه و تبعیت همگان قرار نگیرد، و به دست فراموشی سپرده شود، این نوآوری، باعث تحول فرهنگی نمی‌شود.

۳- **طرد اجتماعی و فرهنگی:** با ورود عنصر فرهنگی، برخی از عناصر ناکارآمد فرهنگ موجود، به ویژه در دو لایه نمادها و هنجارها، یا تغییر کرده و یا طرد شده و کنار گذاشته می‌شوند. هر یک از عوامل مذکور، می‌توانند در کوتاه مدت یا درازمدت، زمینه دگرگونی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی را فراهم آورند. در این دگرگونی، لایه نمادها و لایه هنجارها سریع‌تر تغییر می‌پذیرند و می‌توانند زمینه تحول فرهنگی را فراهم آورند.



▲ سبک معماری ساختمان‌های قدیم و جدید در تهران

۴- **تلفیق و انطباق:** عنصر فرهنگی تازه وارد برای پذیرفته شدن در یک جامعه، مرحله‌ای را می‌گذراند و بر حسب نقش و اهمیتی که دارد، تأثیرات و تغییراتی را در عناصر هم‌جوار ایجاد می‌کند. ممکن است مدت زمانی طولانی (مثلاً) یک نسل یا بیشتر) لازم باشد تا بین عنصر تازه‌وارد و عناصر قدیم، سازگاری و انطباق مطلوب ایجاد شود.



▲ ورود اتومبیل به ایران در دوره قاجار

**مثال:** اگر ورود اتومبیل به ایران را به عنوان محصول فرهنگی تازه در نظر بگیریم، این نوآوری پس از مخالفت‌ها و طرفداری‌های چندین ساله، به تدریج وسایل نقلیه‌ای چون اسب، قاطر، درشکه، دلیجان و مشاغلی چون درشکه‌چی، نعلبند، علاف و ... را از صحنه نیازمندی‌های عمومی خارج کرد و به جای آن تأسیساتی چون گاراژ، پمپ بنزین، تعمیرگاه، اداره

راهنمایی و رانندگی و مشاغلی چون مکانیکی، پنچرگیری، صاف‌کاری و رانندگی را به وجود آورد. همچنین کلمات و اصطلاحاتی مانند ترافیک، ترمز، شوفر، راننده و ... را رایج ساخت.

### گفتگو کنید

چه نمادها و هنجارهایی را در زندگی ما ایرانیان می‌شناسید که در چند دهه گذشته از جامعه طرد شده و کنار گذاشته شده‌است؟ و چه نمادها و هنجارهایی را می‌شناسید که مجدداً از گذشته‌های دور، به زندگی امروز ما راه پیدا کرده‌اند؟





همان گونه که می‌دانید پیامبران الهی برای تغییر «فرهنگ غیرالهی» و شرک آلود مبعوث شده‌اند تا آن راه فرهنگ توحیدی و خدامحور تبدیل کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این رسالت را به عهده داشت تا «فرهنگ جاهلیت» را به «فرهنگ توحیدی» تغییر دهد. به نظر شما «فرهنگ جاهلیت» در زمان پیامبر عزیز اسلام چه ویژگی‌هایی داشت؟ و کدام یک از این ویژگی‌ها با وجود تلاش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تا پس از رحلت ایشان ادامه یافت؟ چرا؟

### تأخر فرهنگی چیست؟

تأخر فرهنگی<sup>۱</sup> به صورت‌های مختلف چون عقب‌ماندگی فرهنگی، واپس ماندگی فرهنگی یا دیرکرد فرهنگی نیز معنا شده است. تأخر فرهنگی نوعی عدم تعادل فرهنگی به حساب می‌آید و به معنای فاصله اجزای یک فرهنگ، از نظر آهنگ حرکت آنهاست، بعضی از عناصر فرهنگ، نظیر فنون

و ابزارهای مادی، زودتر از اندیشه‌ها و عقاید یا سازمان‌های اجتماعی دگرگون می‌شوند. به این ترتیب، در درون یک فرهنگ، اجزا از یکدیگر جدا و گاه بیگانه می‌شوند. در اثر این تغییر، نابسامانی و ناهماهنگی در مجموعه ترکیب فرهنگی به وجود می‌آید. عدم هماهنگی در تغییر عنصرهای یک ترکیب فرهنگی را، تأخر یا پس‌افتادگی فرهنگی می‌گویند.

چنان که قبلاً آموختید فرهنگ غیر محسوس، ریشه‌دارتر و عمیق‌تر است و نمی‌تواند به سرعت فرهنگ محسوس تغییر کند. ما می‌توانیم لباس و پوشاک، خودرو، لوازم خانگی، محل سکونت و... خود را به سرعت عوض کنیم و آخرین تکنولوژی را از کشورهای دیگر وارد کنیم، اما هرگز نمی‌توانیم با این سرعت، عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی (فرهنگ غیر محسوس) خود را تغییر دهیم؛ زیرا این تحولات، سال‌ها طول می‌کشد و بسیار کند است؛ و براساس اصل «مقاومت فرهنگی»، پذیرفتن تغییر یا مقاومت در برابر آن، در تمام اجزا و عناصر فرهنگی به یک شکل و اندازه نیست. پذیرش تغییر در برخی بخش‌ها، مانند فرهنگ محسوس، زودتر و در فرهنگ غیر محسوس دیرتر صورت می‌گیرد. در نتیجه، در همه جوامع، نوعی ناهماهنگی میان اجزای تشکیل دهنده فرهنگ وجود دارد و بین این دو بخش، فاصله‌ای وجود دارد که اصطلاحاً به آن «تأخر فرهنگی» می‌گویند.

۱. Cultural Lag



تأخر فرهنگی را برای اولین بار، دانشمندی به نام «ویلیام آگبرن» مطرح کرد و آن را نوعی از پس افتادگی یا عقب ماندگی اجزا و عناصر فرهنگ غیر محسوس از فرهنگ محسوس دانست که در همه جوامع وجود دارد. سازش و تطابق اجتماعی و فرهنگی به دو شکل قابل تصور است: یکی سازش و تطابق انسان با فرهنگ، و دیگری هماهنگی و سازش میان قسمت‌های مختلف یک فرهنگ.

تأخر فرهنگی در کشورهای کمتر پیشرفته، بیشتر و در کشورهای پیشرفته و صنعتی، کمتر است. یکی از دلایل بروز این وضعیت، به سرعت و تقدم و تأخر زمانی صنعتی شدن کشورها باز می‌گردد، یعنی چون کشورهای پیشرفته، سال‌هاست صنعتی شده‌اند (انقلاب صنعتی در قرن هجدهم در اروپای غربی صورت گرفته است) و مردم از ابتدا و گام به گام، با انواع ابداعات و اختراعات و فناوری آشنا شده و در جریان توسعه آنها قرار داشته و با آنها رشد کرده‌اند، در نتیجه فرصت بیشتری یافته‌اند تا افکار، شیوه زندگی و الگوهای رفتاری خود را متناسب با تغییرات تکنولوژیکی همراه کنند. در حالی که در کشورهای دیگر، وضعیت بدین گونه نبوده و هر محصول یا کالایی، پس از آنکه تقریباً تکمیل شده، به یکباره وارد و در اختیار مردم قرار گرفته است، بدون اینکه مردم با روند تکاملی آنها رشد کرده باشند؛ از دوچرخه تا چرخ خیاطی، از ماشین سواری تا ماشین لباسشویی و ظرفشویی و... به عبارتی هنوز با وسیله‌ای درست آشنا نشده‌اند که وسیله جدیدتری به بازار آمده است؛ در نتیجه، فرصت نداشته‌اند که افکار و الگوهای رفتاری خود را با این تغییرات هماهنگ کنند؛ مثلاً ممکن است فردی با آنکه دارای آخرین مدل ماشین است، روی خط عابر پیاده بایستد، به علائم راهنمایی توجه نکند و به حقوق دیگران اهمیت ندهد، یعنی کالای جدید را به دست آورده اما فرهنگ راهنمایی و رانندگی را کسب نکرده است.

این پدیده در مورد رفتار مردم شهرهای مختلف یک کشور نیز وجود دارد؛ بدین معنی که مردم یک شهر چون زودتر با تکنولوژی وارداتی آشنا شده‌اند، «تأخر فرهنگی» شان، در مقایسه با

سایر شهرها کمتر است. «تأخر فرهنگی» در همه کشورهای جهان وجود دارد و منحصر به فرهنگ و جامعه‌ای خاص نیست و فقط میزان و نسبت میان آنها متفاوت است.

### تحقیق کنید

با گسترش ساخت آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی، مناسبات انسانی در این مجموعه‌ها، تغییر کرده است. از منظر تأخر فرهنگی، پدیده آپارتمان‌نشینی و فرهنگ آن را، تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.





### ♦ چرا ارتباطات فرهنگی میان جوامع مهم است؟

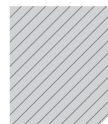
تعدادی از دوستانتان را در نظر بگیرید؛ این افراد از چه گروه‌های سنی هستند و چه ویژگی‌های فرهنگی دارند؟  
باورها، اخلاق و رفتار دوستانه هر یک از شما، چه تأثیر فرهنگی بر دیگران می‌گذارد؟  
اگر روزی، به هر دلیل، با دوستان صمیمی و اقوام نزدیک خود، قطع رابطه کنید، چه تأثیرات فرهنگی خواهد داشت؟



ارتباط، یک کنش اجتماعی و یک رفتار بنیادین انسانی است و بی‌وقفه ادامه دارد. ارتباطات، بین فردی و بین گروهی، ما را به شبکه گسترده انسان‌ها و ساکنان زمین پیوند می‌دهد. این شبکه از خانواده آغاز می‌شود و به شبکه دوستان می‌رسد و روزبه‌روز گسترش می‌یابد و امروزه با استفاده از رسانه‌های جمعی، به کل جامعه و سراسر جهان تسری می‌یابد. انسان، موجودی اجتماعی است و هویت او، در پرتو این ارتباطات شکل می‌گیرد. ما برای برآورده شدن نیازهای روزمره خود، باید ارتباط برقرار کنیم. هیچ‌کس نمی‌تواند بدون برقراری ارتباط با دیگران، زندگی مناسب و خوبی را برای خود تدارک ببیند و همه نیازهای خود را به تنهایی برطرف کند. نحوه تکوین هویت ما، به میزان و چگونگی برقراری ارتباطات ما و ساختن شبکه‌های ارتباطی وابسته است. هرچه ارتباط ما با دیگران، آگاهانه‌تر، دقیق‌تر، صمیمی‌تر و صادقانه‌تر باشد، موفقیت ما فزون‌تر و پایدارتر خواهد بود.

یادگیری و شکل‌گیری آگاهی و شخصیت انسان، در اجتماع و از طریق ارتباط با «دیگران» انجام می‌شود. «دیگران»، شامل پدر و مادر، اعضای خانواده، دوستان، اهالی محله و سایر جوامع است. هرچه دامنه «دیگران» گسترده‌تر و متنوع‌تر و درچارچوب مبانی و اصول باشد، رشد شخصیت و تعالی فرهنگ، فزون‌تر خواهد بود. انسان سالم، انسانی است که توانایی برقراری ارتباط سالم با «دیگران» را دارد. انسان‌های منزوی و فاقد روابط اجتماعی، از آرامش و آسایش لازم در زندگی فردی و اجتماعی برخوردار نیستند و در معرض انواع بیماری‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار دارند. گروه‌های اجتماعی و جهان اجتماعی هم از این قاعده تبعیت می‌کنند. گروه‌های موفق، گروه‌هایی هستند که با رعایت مبانی و اصول فرهنگی خویش، توانایی برقراری ارتباط با «دیگران» را دارند.

مهارت‌های ارتباطی کدام‌اند؟ برای برقراری یک ارتباط مؤثر و موفق، چه مهارتی را باید کسب کرد؟ و چه اصول و ضوابطی را باید رعایت کرد؟ آسیب‌های ارتباطات بی‌قید و شرط کدام‌اند؟



ارتباط اجتماعی، عامل و زمینه‌ساز فرهنگ است. تعالی و تکامل فرهنگ، به ارتباطات اجتماعی وابسته است. ارتباط اجتماعی، شالوده حیات اجتماعی و فرهنگی است و بدون آن هیچ‌یک از عناصر جهان اجتماعی پدید نمی‌آید.

ارتباطات فرهنگی بین افراد و جهان‌های اجتماعی از دیرباز به صورت‌ها و روش‌های مختلف انجام می‌شده است. در گذشته، چادرنشینان کوچ‌رو، فروشندگان دوره‌گرد، مبلغان مذهبی، جنگجویان فاتح، بازرگانان و تاجران، گردشگران و مسافران ... همه و همه، فرهنگ و آداب و رسوم خویش را به «دیگران» عرضه می‌کردند و متقابلاً فرهنگ «دیگران» را به جامعه خویش انتقال می‌دادند. اما امروزه، با پیشرفت و گسترش رسانه‌ها و فناوری‌ها و سهولت ارتباطات و انتقال پیام، و نیز آسان شدن رفت و آمدها بین افراد و ملت‌ها، فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر نزدیک‌تر شده و داد و ستدها و «روابط فرهنگی»، گسترش و عمق بیشتری پیدا کرده است. در سازمان‌ها و مؤسسات (اعم از مؤسسات آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ...) افراد با فرهنگ‌های

مختلف در کنار هم کار و زندگی می‌کنند و به مبادله فرهنگ می‌پردازند. برخلاف گذشته، انسان‌های امروزی، کمتر به زمین و محل سکونت خود وابسته‌اند و به راحتی تغییر مکان می‌دهند. جابه‌جایی جمعیت و مهاجرت در سطوح مختلف، زمینه‌ساز انتقال فرهنگ و مبادلات فرهنگی است. مهاجرت از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچک به کلان شهرها، از یک کشور به سایر کشورها و... از پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی است که در عصر جدید و زندگی مدرن، تشدید شده است و پیامدهای فرهنگی خاص خود را به همراه آورده است.

## بررسی کنید

پدیده «کار فصلی» و مهاجرت از روستا به شهر را از منظر فرهنگی بررسی کرده و آثار مثبت و منفی آن را تجزیه و تحلیل کنید.



## ارتباطات فرهنگی چگونه انجام می‌شود؟

ارتباطات فرهنگی در گذشته، چگونه بوده است؟ آیا می‌توانید نمونه‌هایی از روابط فرهنگی میان کشورمان با سایر کشورها در گذشته را بیان کنید؟ در دنیای امروز شکل ارتباطات فرهنگی میان جوامع چگونه است؟ آیا همه این روابط در یک موازنه برابر و آزادانه صورت می‌گیرد و یا در برخی موارد، به صورت نابرابر و با هدف سلطه‌گری و حذف فرهنگ‌های بومی و ملی کشورها انجام می‌شود؟

روابط و مناسبات بین اقوام، گروه‌ها و ملت‌ها، از دیرباز تاکنون، به شیوه‌های مختلف و در تمام حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برقرار بوده است و اقوام و ملت‌ها به روش‌های گوناگون، گاه مثبت و سازنده و گاه منفی و مخرب، باهم داد و ستد داشته‌اند. تعاملات و ارتباطات فرهنگی را می‌توان در چهار روش به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:



▲ نامه زیگموند سوم شاه لهستان به شاه عباس اول



▲ مراسم بین المللی بزرگداشت ششمین سالگرد تولد جامی در دانشگاه ملی تاجیکستان

## الف) اشاعه فرهنگی

اشاعه فرهنگی به معنای سرایت عناصر فرهنگی از یک جامعه به جامعه دیگر به صورت طبیعی و در گذر زمان است. این روش، یکی از راه‌های انتقال عناصر فرهنگ میان جوامع بوده است. مردم و ملت‌ها، با فرهنگ‌های مختلف، در کنار هم زندگی کرده و با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. از سوی دیگر، فرهنگ و عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی نیز قابلیت انتخاب و الگوپذیری دارند؛ بنابراین، اشاعه فرهنگی نیز در طول تاریخ و به طور مداوم رخ داده و تاکنون ادامه یافته است. آداب و رسوم، سنت‌ها، روش‌ها، قصه‌های عامیانه، ابزار، محصولات و کالاها ممکن است توسط افراد یک جامعه، به صورت طبیعی به سایر جوامع سرایت کرده و در آن شیوع پیدا کند.

اشاعه فرهنگی، همواره تحت تأثیر دو عامل «تمایل» و «ارتباط» بوده است: برقراری ارتباط با «دیگران» و علاقه به پذیرش عناصر فرهنگی آنان. جهان‌های اجتماعی، توانایی «وام» گرفتن عناصر فرهنگی از سایر فرهنگ‌ها را دارند. زمانی که دو خرده فرهنگ، و یا دو قوم و یا دو گروه با مذهب و اعتقادات مختلف، در کنار هم زیست می‌کنند، عناصری از فرهنگ «دیگری» را، که با بنیان‌های فرهنگی و علائق خود سازگار می‌بینند، به صورت طبیعی، در فرهنگ «خودی» پذیرفته و اشاعه می‌دهند.

اشاعه فرهنگی، یکی از عوامل تغییر و تحول نظام فرهنگی است. در اشاعه، قوت و جذابیت یک فرهنگ یا مؤلفه فرهنگی سبب می‌شود که دیگران با آزادی و انتخاب خود، به سوی آن فرهنگ یا مؤلفه برتر گرایش پیدا کنند و آن را بپذیرند. اشاعه فرهنگ هم می‌تواند مثبت و باعث رشد فرهنگی شود و هم می‌تواند منفی و آسیب‌زا باشد؛ برای مثال: وجود واژگانی چون شیمی، الکل، جبر و الگوریتم (که اشکال فرنگی شده اصطلاحات سیمیا، الکحول، الجبرا و الخوریزم یا الگوریتم هستند) در مجموعه اصطلاحات علوم طبیعی، از نشانه‌های اشاعه فرهنگ مسلمانان در اروپاست که به صورت طبیعی به آنجا منتقل شده است.

### بررسی و گفتگو کنید



▲ شهردار مجبهدر اروپا

گسترش «حجاب و پوشش اسلامی» در کشورهای اروپایی چرا اتفاق می‌افتد؟ علت استقبال زنان و دانشجویان غربی از این نوع پوشش چیست؟ چرا برخی از حکومت‌ها و دولت‌های اروپایی از ورود دانشجویان محجبه به دانشگاه‌ها جلوگیری می‌کنند؟

## ♦ (ب) تبادل فرهنگی

زمانی که دو نفر با هم گفتگو و معاشرت می کنند، از کلمات و واژگان، تفکر و اندیشه، سبک زندگی و روش گفتگوی یکدیگر اثر می پذیرند و برهم اثر می گذارند. همچنین، زمانی که دو گروه یا دو قوم باهم ارتباط برقرار می کنند، به صورت آزادانه و در یک فرایند عادی، از اندیشه، فکر و رفتار یکدیگر اثر می پذیرند و جهان فرهنگی آنها نیز بر یکدیگر اثر می گذارد. بدین ترتیب

در این ارتباط آزاد و دوسویه، عناصری از یک فرهنگ، بدون هیچ اجبار و الزامی به فرهنگ دیگر منتقل می شود. اگر این تأثیرات در یک فرایند دوسویه انجام شود و فرهنگ‌ها، با شناسایی عناصر مثبت و منفی فرهنگ مقابل، عناصر مطلوب خود را اخذ و وارد فرهنگ کنند، تبادل فرهنگی اتفاق می افتد. در تبادل فرهنگی، هیچ گونه نابرابری اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، بین دو گروه و بین دو فرهنگ وجود ندارد و معمولاً مفروضات اساسی، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی حفظ می شوند و فرهنگ محسوس و نمادها و هنجارها، در چارچوب همین عقاید و باورها، مبادله شده و باعث رشد فرهنگی می شوند.

تبادل فرهنگی، امری مثبت است و باعث پالایش و زایش فرهنگی و ادامه حیات فرهنگ می شود و از رکود و واپس ماندگی فرهنگی جلوگیری می کند. جهان‌های فرهنگی که توانایی برقراری ارتباط با «دیگران» را ندارند و یا از برقراری مبادلات فرهنگی نگران‌اند، رویش فرهنگی نخواهند داشت و زوال و نابودی فرهنگی، آنان را تهدید خواهد کرد. به ویژه در عصر حاضر که «عصر ارتباطات و اطلاعات» است، تعاملات و تبادلات فرهنگی، بیش از پیش، ضروری است و تمام جوامع می توانند از یافته‌های بشری که متعلق به «همگان» است، بهره‌مند شوند. کشورها نمی توانند مرزهای فرهنگی و فکری خود را بر روی دیگران ببندند.

برای مثال در دوره‌ای که تمدن اسلامی در اوج شکوفایی خود بود، دانشجویان اروپایی به کشورهای اسلامی سفر می کردند تا از حکمت، فلسفه و دانش کشورهای مسلمان بهره ببرند. بدین ترتیب، علوم طبیعی و اجتماعی از جهان اسلام به اروپا انتقال یافت. بعد از شکل‌گیری دوره جدید در غرب و قدرت یافتن فرهنگ اروپایی، جریان مبادله فرهنگی برعکس شد و این بار دانشجویان کشورهای اسلامی، برای فراگیری علوم، توسط دولت‌های کشورهای اسلامی به اروپا اعزام شدند.

### تجزیه و تحلیل کنید

حدیث پیامبر اکرم ﷺ در زمینه علم‌آموزی از دیگران را که فرمودند: «أُطْلَبُ الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»، از منظر تبادل فرهنگی تجزیه و تحلیل کنید.





محل زندگی شما مهاجرپذیر است یا مهاجر فرست؟ در محل سکونت شما چه اقوامی زندگی می کنند و چه خرده فرهنگ‌هایی دارند؟ مهاجران و اقوام مختلف چه عناصری را اشاعه می دهند؟ تبادل فرهنگی بین آنها چگونه اتفاق می افتد؟

## پ) سلطه فرهنگی

سلطه فرهنگی عبارت است از: «هجوم و سرایت یک‌جانبه عناصر و پدیده‌های فرهنگی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر». گروه سلطه‌گر، با استفاده از توانمندی‌ها و برتری‌های خود و با تکیه بر قدرت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی خویش، در صدد است باورها و ارزش‌های خود را در بین فرهنگ دیگران اشاعه دهد و آنان را به پذیرش فرهنگ خود، متقاعد یا وادار سازد و در نهایت، هویت فرهنگی گروه مقابل خود را تضعیف، تحریف و نابود کند.

سلطه‌گران فرهنگی، برای گسترش نفوذ فرهنگ خویش، از «هجوم فرهنگی» استفاده می کنند. هجوم فرهنگی عبارت است از: «تلاش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته یک گروه یا یک جهان فرهنگی برای تحمیل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خویش بر سایر گروه‌ها و جهان‌های فرهنگی».

مهاجم فرهنگی، در صدد سلطه فرهنگی است. که از انواع دیگر سلطه‌ها، یعنی سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی، پیچیده‌تر و خطرناک‌تر است؛ زیرا سلطه فرهنگی، هویت یک ملت را نشانه می گیرد. او با زیبارایی و جذاب‌سازی فرهنگ خویش، سعی بر جلب نظر و اندیشه نیروهای رقیب می نماید تا آنان، با اختیار و انتخاب خود و یا با اجبار و اکراه، فرهنگ محسوس و فرهنگ غیر محسوس سلطه‌گر را بپذیرند.

در تهاجم فرهنگی، نظام سلطه در صدد است تا عناصری از فرهنگ خویش را، که در نگاه «دیگران»، ضدازش و غیرمقبول است، در بین آنان مقبول جلوه داده و ترویج کند تا بتواند در مسیر پیشرفت و توسعه آنان اختلال ایجاد کند؛ برای مثال، کشورهای اروپایی و آمریکایی، در ارتباطات خود با دیگران، کمتر تلاش کرده‌اند تا با برنامه‌ریزی و به صورت هدفمند، به ترویج روحیه «وقت‌شناسی»، «وجدان کاری» یا «کنجکاوی علمی» خویش در بین اقوام دیگر بپردازند، بلکه، با ابزارها و رسانه‌های خود، به ترویج «لابالی‌گری فرهنگی و جنسی» پرداخته‌اند. در حالی که در طول هزاران سال گذشته، پدیده لابالی‌گری، در بین اهالی مشرق زمین، ناپسند و ناهنجار بوده و آنان خود را ملزم به رعایت آداب و هنجارهای خاص می کرده‌اند و یا از انتقال دانش فنی و فناوری‌های برتر خود به سایر کشورها، جلوگیری به عمل می‌آوردند که نمونه آن در جلوگیری از فناوری‌های انرژی هسته‌ای و زیست‌فناوری و نانو، به کشورمان را شاهد هستیم.

فرهنگ غرب به ویژه در دوران جدید، نسبت به فرهنگ جوامع دیگر، موضعی سلطه‌گرانه داشته و کوشیده است تا با تخریب فرهنگ‌های دیگر، به بسط و گسترش عقاید فرهنگی خود بپردازد. پس از فروپاشی شوروی و شکست نظام کمونیسم در برابر نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم، باور به صحت و اعتبار اندیشه مدرنیسم، در بین

برخی از نظریه‌پردازان این مکتب و سیاستمداران آن تقویت شد. در نتیجه، از هر فرصت و ابزاری برای گسترش و حاکمیت اندیشه «لیبرال دمکراسی» در جهان استفاده کرده و می‌کنند.



### امپریالیسم فرهنگی

مجموعه اقداماتی که موجب ایجاد و تقویت رابطه سلطه بین «سلطه‌گر» و «سلطه‌پذیر» می‌شود، «امپریالیسم» نامیده می‌شود. بر اساس این نظریه، ارزش‌ها و باورهای جوامع قدرتمند به گونه‌ای استعمارگرانه و فریبده و پنهان، بر جوامع ضعیف تحمیل می‌شود. امپریالیسم، اشکال مختلفی دارد و به شیوه‌های گوناگون، برای تأمین و حفظ منافع سلطه‌گران، عملیاتی می‌شود؛ مانند امپریالیسم سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی. امروزه، «امپریالیسم فرهنگی» در صدد سلطه انحصاری بر سایر کشورهاست تا از ظرفیت سلطه فرهنگی، برای سلطه سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی استفاده کند و با تأمین منافع خویش، «استعمار جدید» را در سرزمین «سلطه‌پذیر» حاکم سازد. ترویج و گسترش مفاهیم «حقوق بشر»، «حقوق زنان» و نظایر آن، بر اساس بنیان‌های فکری و نظری غرب در جهان، و اجبار سایر کشورها به پذیرش این مفاهیم و تعاریف، نمونه‌هایی از امپریالیسم فرهنگی است.

انتقال فرهنگ کشور سلطه‌گر به کشور سلطه‌پذیر، علاوه بر اینکه مانع شکوفایی و توسعه و پیشرفت می‌شود، و زمینه وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را تقویت می‌کند، برای کشور سلطه‌پذیر، مشکلات به وجود می‌آورد.

#### بیندیشید

با توجه به راهبرد اسلام هراسی و ایران هراسی، که توسط امپریالیسم فرهنگی علیه کشور ما به کار گرفته شده است، برای خنثی سازی آن و اثربخش کردن ارتباطات و تعاملات فرهنگی، از کدام ویژگی‌های فرهنگی ایران و کدام روش‌ها می‌توان استفاده کرد؟





نظام سلطه در گذشته، از «قدرت سخت» برای گسترش نفوذ و کسب منافع خود استفاده می کرده است. اما در قرن اخیر از راهبرد «قدرت نرم» بهره می گیرد. قدرت نرم عبارت است از توانایی شکل دهی به باورها، گرایش‌ها و ترجیحات دیگران. قدرت نرم از نوع اقتناع و قدرت سخت از مقوله وادار و اجبار کردن است. قدرت نرم، به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های یک جامعه گفته می‌شود که با ترویج ارزش‌های خود و القای غیرمستقیم آن، ارزش‌های جوامع دیگر را در راستای منافع خود تغییر می‌دهد. «قدرت یک رابطه روانی است بین کسانی که آن را به کار می‌برند و آنهایی که در معرض آن قرار می‌گیرند».

### بررسی و تحقیق کنید



- ۱- دو نمونه از هجوم فرهنگی نظام سلطه علیه انقلاب اسلامی ایران در دهه‌های گذشته را بررسی و تجزیه و تحلیل کنید. باتوجه به سطوح و لایه‌های فرهنگ، این هجوم بیشتر معطوف به کدام لایه است؟ چرا؟
  - ۲- به چند گروه تقسیم شوید و هر گروه با انتخاب یکی از موضوعات زیر، در مورد تهاجم فرهنگی کشورهای سلطه‌گر علیه کشورهای اسلامی، تحقیق کند. سپس نتایج را در کلاس ارائه کنید.
- (انتشار کتاب آیات شیطانی اثر سلمان رشدی، جنگ نرم از طریق بازی‌های رایانه‌ای، ترویج عروسک باربی، تبلیغات ماهواره در مورد ترویج الگوهای خانواده و تشکیل خانواده‌های باز به سبک غربی، مک‌دونالدی شدن رستوران‌ها و فروشگاه‌های توزیع غذا، تولیدفیلم‌های هالیوودی و جذب استعدادهای برتر).



## ت) دیپلماسی فرهنگی

اگر کشوری بخواهد با سایر کشورها ارتباط مفید و اثربخش داشته باشد چه باید بکند؟ از چه روش‌ها و امکاناتی می‌تواند استفاده کند؟



به اعتقاد صاحب‌نظران حوزه فرهنگ، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از: مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی و سنت‌ها و

اعتقادات، به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها.

دیپلماسی فرهنگی، به عنوان ابزار سیاست خارجی، فرایند مؤثری است که دولت‌ها، با مشارکت مردم خود، آن را برای عرضه فرهنگ خویش به سایر ملت‌ها و کشورها به کار می‌گیرند و در میان انواع دیپلماسی‌های نوین، (دیپلماسی عمومی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی آموزشی، دیپلماسی اقتصادی و...) از اهمیت و جایگاه ویژه برخوردار است و از آن به عنوان «قدرت نرم» در سیاست خارجی یاد می‌کنند. با توجه به پدیده جهانی‌شدن و ضرورت ارتباط جهان‌های فرهنگی با یکدیگر، دولت‌ها برای مدیریت تعامل با سایر کشورها، از «دیپلماسی فرهنگی» استفاده می‌کنند. نظام سلطه، با طراحی و اجرای «پروژه جهانی سازی»، در صدد است تا فرهنگ و اندیشه خود را بر جهان حاکم کند، بنابراین، اساس دیپلماسی فرهنگی و گسترش آن در عصر جدید، بر نفی جهانی‌سازی و حاکمیت فرهنگ نظام سلطه بر جهان استوار است و با به رسمیت شناختن و احترام به فرهنگ‌های دیگر، زمینه تعاملات و تبادلات فرهنگی را بین کشورها فراهم می‌آورد.

دولت‌ها در دیپلماسی فرهنگی، به منظور تأمین منافع ملی و با استفاده از ابزارهای فرهنگی و با بهره‌مندی از ظرفیت بخش غیردولتی، به معرفی و انتقال فرهنگ و تمدن سرزمین خود به مردم سایر کشورها می‌پردازند. این امر موجب گسترش ارتباطات میان مردم کشورهای مختلف می‌شود و زمینه برقراری روابط مستحکم و دوستانه میان آنها را فراهم می‌آورد. دیپلماسی فرهنگی، برخلاف دیپلماسی سیاسی، الزاماً متکی و وابسته به دولت‌ها نیست و توسط دولت‌ها انجام نمی‌شود، بلکه بیشتر، ملت‌ها با استفاده از ابزارها و روش‌هایی مانند مؤسسات و تشکل‌های غیردولتی و نهادهای مدنی، میراث فرهنگی، جشنواره‌های بین‌المللی ورزشی، فرهنگی، هنری و... به ارتباطات فرهنگی باهم می‌پردازند. در تحقق دیپلماسی فرهنگی، دولت‌ها بیشتر نقش هدایت‌کننده و حامی را ایفا می‌کنند و از مزایای آن برای تأمین منافع ملی بهره می‌برند.

### بیندیشید

کدام‌یک از محصولات و مؤلفه‌های فرهنگی استان شما، قابلیت انتشار در سایر کشورها را دارد و چگونه می‌توان از ظرفیت آنها برای حفظ و ارتقای منافع ملی استفاده کرد؟



## دیپلماسی فرهنگی فطرت خواه

در پی حوادث فرانسه و انتشار تصاویر توهین آمیز به مقدسات اسلامی در یک نشریه فرانسوی و تشدید جریان ضد اسلامی و اسلام هراسی از سوی مقامات و رسانه های غربی، حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب

اسلامی، پیام مهمی خطاب به جوانان در اروپا و آمریکای شمالی ارسال نمودند. این پیام به زبان انگلیسی و سپس زبان های دیگر، منتشر شد. متن آن، به شرح زیر است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی

من شما جوانان را مخاطب خود قرار می دهم؛ نه به این علت که پدران و مادران شما را ندیده می انگارم، بلکه به این سبب که آینده ملت و سرزمینتان را در دستان شما می بینم و نیز حس حقیقت جویی را در قلب های شما زنده تر و هوشیارتر می یابم. همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده اند. سخن من با شما درباره اسلام است و به طور خاص، درباره تصویر و چهره ای که از اسلام به شما ارائه می شود. از دو دهه پیش به این سو - یعنی تقریباً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - تلاش های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره گیری از آن، متأسفانه سابقه ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی خواهم به «هراس های» گوناگونی که تاکنون به ملت های غربی القا شده است، پردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می بینید که در تاریخ نگاری های جدید، رفتارهای غیر صادقانه و مزورانه دولت های غربی با دیگر ملت ها و فرهنگ های جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و آمریکا از برده داری شرمسار است؛ از دوره استعمار سرافکننده است؛ از ستم بر رنگین پوستان و غیرمسیحیان خجل است. محققین و مورخین شما از خونریزی هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می کنند.

این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز بازگو کردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می خواهم از روشنفکران خود پیرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟ چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف به گذشته های دور باشد نه مسائل روز؟ چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ و اندیشه اسلامی، از شکل گیری آگاهی عمومی جلوگیری می شود؟

شما به خوبی می‌دانید که تحقیر و ایجاد نفرت و ترس موهوم از «دیگری»، زمینه مشترک تمام آن سودجویی‌های ستمگرانه بوده است. اکنون من می‌خواهم از خود بپرسید که چرا سیاست قدیمی هراس‌افکنی و نفرت‌پراکنی، این بار با شدتی بی‌سابقه، اسلام و مسلمانان را هدف گرفته است؟ چرا ساختار قدرت در جهان امروز مایل است تفکر اسلامی در حاشیه و انفعال قرار گیرد؟ مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرت‌های بزرگ است و چه منافعی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام، تأمین می‌گردد؟ پس خواسته اول من این است که درباره انگیزه‌های این سیاه‌نمایی گسترده علیه اسلام پرسش و کاوش کنید.

خواسته دوم من این است که در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضا می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزانند و می‌ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد. اجازه ندهید ریاکارانه، تروریست‌های تحت‌استخدام خود را به‌عنوان نمایندگان اسلام به شما معرفی کنند. اسلام را از طریق منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید. با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن ﷺ آشنا شوید. من در اینجا مایلم بپرسم آیا تاکنون خود مستقیماً به قرآن مسلمانان مراجعه کرده‌اید؟ آیا تعالیم پیامبر اسلام ﷺ و آموزه‌های انسانی و اخلاقی او را مطالعه کرده‌اید؟ آیا تاکنون به جز رسانه‌ها، پیام اسلام را از منبع دیگری دریافت کرده‌اید؟ آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که همین اسلام، چگونه و بر مبنای چه ارزش‌هایی طی قرون متمادی، بزرگ‌ترین تمدن علمی و فکری جهان را پرورش داد و برترین دانشمندان و متفکران را تربیت کرد؟

من از شما می‌خواهم اجازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت، سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند. امروز که ابزارهای ارتباطی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند. اگرچه هیچ‌کس به‌صورت فردی نمی‌تواند شکاف‌های ایجاد شده را پر کند، اما هریک از شما می‌تواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش، پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد. این چالش از پیش طراحی شده بین اسلام و شما جوانان، اگرچه ناگوار است اما می‌تواند پرسش‌های جدیدی را در ذهن کنجکاو و جستجوگر شما ایجاد کند. تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نو پیش روی شما قرار می‌دهد. بنابراین، این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیش‌داوری از اسلام از دست ندهید تا شاید به یمن مسئولیت‌پذیری شما در قبال حقیقت، آیندگان این برهه از تاریخ تعامل غرب با اسلام را با آزرده‌گی کمتر و وجدانی آسوده‌تر به‌نگارش درآورند.

سیدعلی خامنه‌ای

۱/ بهمن ۱۳۹۳



## کارکرد فرهنگی رسانه‌ها

رسانه‌ها چگونه در تولید و انتقال فرهنگ، ایفای نقش می‌کنند؟

نقش رسانه‌ها در تحولات فرهنگی چیست؟ آیا تاکنون درباره واژگان، «عصر ارتباطات»، «انفجار اطلاعات»، «عصر رسانه‌ها» اندیشیده‌اید؟ این مفاهیم چه معنایی دارند و کارکرد فرهنگی و اجتماعی‌شان چیست؟ چه تأثیری بر دگرگونی‌های فرهنگی دارند؟



در درس گذشته، با دگرگونی‌های فرهنگی و عوامل مؤثر بر آنها آشنا شده‌اید. در عصر حاضر، انسان در دنیای رسانه‌ها زندگی می‌کند و دنیا را از دریچه رسانه‌ها ادراک می‌کند. ایجاد و گسترش رسانه‌ها (مانند روزنامه، پوستر، موبایل و...) و افزایش روزافزون دسترسی آسان به آنها، زمینه دستیابی به «جامعه جهانی» را فراهم آورده است. عنصر «رسانه»، بیش

از سایر عوامل، در دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی نقش آفرینی می‌کند و عملکرد سایر عناصر را تحت الشعاع قرار داده است.

رسانه‌های جمعی، از پدیده‌های دوران مدرن و عصر جدید هستند که در تغییر و تحولات فرهنگی نقش تعیین‌کننده دارند؛ به گونه‌ای که عصر حاضر را «عصر ارتباطات» نام نهاده‌اند. در این دوره، میزان و چگونگی ارتباط انسان‌ها با هم و نیز ارتباط جهان‌های فرهنگی با یکدیگر نسبت به گذشته، کاملاً متفاوت شده است.

در ابتدا، اختراع ماشین چاپ و گسترش کمی و کیفی انتشار کتاب و روزنامه‌ها و نیز اختراع رادیو و تلویزیون، مناسبات انسانی و فرهنگ حاصل از آن را دگرگون ساخته است. اما با انقلاب صنعتی و پیدایش رسانه‌های جدید، به‌ویژه با گسترش سریع شبکه‌های بین‌المللی اطلاعاتی - ارتباطی و فراهم آمدن قابلیت ذخیره، انتقال و انتشار حجم وسیعی از اطلاعات، وارد «عصر اطلاعات» شدیم؛ به گونه‌ای که در آن امکان هر نوع ارتباط، به‌ویژه گسترش فرهنگ‌ها و پیام‌های فرهنگی، بسیار بیش از پیش فراهم آمده است. با فروریختن مرزها و کوچک شدن جهان و گسترش ارتباطات، انسان معاصر در دهکده جهانی (اصطلاح «مک لوهان») زندگی می‌کند و جهان‌های اجتماعی و جهان‌های فرهنگی، بسیار به هم نزدیک و درهم تنیده شده‌اند.

رسانه‌ها، در فرایند ارتباطات و جابه‌جایی اطلاعات در درون و برون جامعه سهیم هستند، علاوه بر این می‌توانند در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، به موازات تحولات عمیق در نهادهای مختلف، در دگرگونی باورها و ارزش‌های مسلم جامعه نیز کارساز باشند و به عنوان یک دانشگاه عمومی، در راستای تعالی و یا تخریب فرهنگ جامعه به فعالیت بپردازند.

امروزه با پیشرفت سریع و گسترده فناوری‌ها، رسانه‌ها، تعریف و کارکرد بسیار گسترده‌ای پیدا کرده‌اند و دیگر فقط به تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و کتاب، منحصر و محدود نمی‌شوند. «رسانه‌های گروهی به‌ویژه رسانه‌های الکترونیکی» به دلیل سهولت دسترسی و بهبود کارکردهایشان، متأثر از روح حاکم بر فرهنگ غرب، به «رسانه‌های فردی» تبدیل شده‌اند و هر فرد به تنهایی می‌تواند از ظرفیت آنها استفاده کند. امروز، دامنه نفوذ رسانه‌ها گسترش یافته و به گسترده‌گی همه کشورها، شهرها، محله‌ها، کوچه‌ها و خانه‌هاست و همه جا حضور دارند.



## ◆ رسانه‌ها و خلق جهان‌های فرهنگی

رسانه‌ها تجلی بخش حضور فرهنگی، معنی‌آفرینی و محصول فناوری و خلاقیت انسان در عصر جدید و نیروی محرک و رکن اساسی جامعه پیشرفته هستند و خود به عنوان عامل اساسی فرهنگ نوین شناخته می‌شوند. گسترش و جهانی شدن رسانه‌ها، زمینه‌ساز گسترش و جهانی شدن فرهنگ است. رسانه‌ها با ارائه اطلاعات، در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی و خلق جهان اجتماعی و جهان فرهنگی تأثیر فراوان دارند و قادر به ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای جدید هستند. به همین دلیل، فعالیت رسانه‌ای، خود یک کنش فرهنگی محسوب می‌شود که زمینه تعامل و تبادل افکار و اندیشه‌ها را فراهم می‌آورد.

همچنین رسانه‌ها، نیروهای محرک در روند توسعه یک جامعه هستند که می‌توانند شرایط و زیرساخت‌های فکری - فرهنگی مناسب برای پیشرفت و توسعه، از قبیل ایجاد روحیه و مهارت کار گروهی، فرهنگ تفکر، فرهنگ کارآفرینی، قانون‌محوری، آینده‌نگری، انسجام ملی، فرهنگ صادرات، فرهنگ نظم و حسابگری را در جوامع رواج دهند. در واقع، رسانه‌ها ابزار اصلی انتقال اطلاعات و ایده‌ها در جوامع هستند و می‌توانند هر روز با خلق ایده و تفکری جدید و ترویج آن، به روند توسعه جامعه کمک کنند.

رسانه‌ها به دلیل جذابیت‌های صوتی - تصویری، از ظرفیت بالایی برای انتقال میراث فرهنگی و فراهم آوردن زمینه فرهنگ‌پذیری و اشاعه فرهنگی برخوردارند و امکان «رسانه‌ای کردن فرهنگ» را به وجود آورده‌اند. آشنایی با کارکرد رسانه‌ها و فهم پیام‌های آشکار و پنهان آنها، نیازمند برخورداری از «سواد رسانه‌ای» است. این سواد، به معنای توانایی و مهارت استفاده درست از رسانه‌هاست و آنان که از این سواد، بی‌بهره هستند، مقهور جاذبه‌های ظاهری و فریبنده رسانه‌ها شده و تسلیم پیام‌ها و فرهنگ حاکم بر آنها می‌شوند.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، گسترش شهرنشینی، افزایش سوادآموزی، مشارکت سیاسی و پذیرش مسئولیت اجتماعی، با میزان دسترسی به رسانه‌ها، ارتباط مستقیم دارد و هرچه مبادله اطلاعات صحیح و معتبر، سریع‌تر انجام شود، دستیابی به توسعه و پیشرفت، امکان‌پذیرتر است. رسانه‌های جدید، تحولات گسترده و عمیقی را در زندگی فردی و اجتماعی ایجاد کرده و دگرگونی‌های فرهنگی را دامن زده‌اند. برخی از این تحولات عبارت‌اند از:

- ۱- امکان دسترسی گسترده به اطلاعات را برای عموم مردم به وجود آورده‌اند.
  - ۲- جمع‌آوری، انباشت و توزیع اطلاعات را سرعت بخشیده و محدودیت‌های زمانی و مکانی را از بین برده‌اند.
  - ۳- امکان بازتولید، پالایش و گسترش اطلاعات برای همگان را فراهم آورده و آنها را در تولید اطلاعات سهیم کرده‌اند.
  - ۴- دانش عمومی را در حوزه‌های مختلف معرفتی و علمی افزایش داده و آگاهی و توانایی مردم برای دستیابی به زندگی مناسب و دانش‌بنیان را فزونی بخشیده‌اند.
- این تحولات فرهنگی، زمینه‌پیدایش «جامعه اطلاعاتی» را تسهیل کرده است؛ جامعه‌ای که اساس آن بر تولید، توزیع و گردش اطلاعات بنا نهاده شده است و «اطلاعات» به مثابه یک سرمایه ارزشمند محسوب می‌شود.

حدیث الهام‌بخش حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه را از نظر فرهنگی تجزیه و تحلیل نمایید.  
 «الرَّاضِي بِفِعْلٍ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَ عَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ اِثْمَانٍ، اِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ اِثْمُ الرِّضَا بِهِ»

نهج البلاغه، حکمت ۱۵۴

آن که به کار کسانی خشنود است، چنان است که در میان کار آنان بوده است و هر که در باطلی پا نهاد دو گناه بر گردن دارد: گناه کردار و گناه خشنودی بدان کار.



درباره واکنش رسانه‌های خارجی درخصوص «فتح خرمشهر» در دوران دفاع مقدس، گزارشی تهیه کنید و در کلاس ارائه دهید. به نظر شما گزارش‌ها و روایت‌های رسانه‌های خارجی از این واقعه، چه تأثیری بر اذهان عمومی داشته است؟

### ◆ فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی

باپیدایش و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، زندگی انسان وارد عصر جدیدی شده است که تمام عناصر پیدا و پنهان آن، از جمله فرهنگ، را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. همان‌گونه که تلگراف، تلفن و راه‌آهن در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم باعث تحول چشمگیر در زندگی فردی و اجتماعی بشر شده است، فناوری‌های جدید نیز چشم‌انداز نوینی را فرا روی انسان گشوده است. اینترنت و سرویس‌های اصلی آن، مانند ایمیل، وب‌سایت، وبلاگ، فروم، چت‌روم، ماهواره، موبایل، شبکه‌های مجازی، نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، فضای سایبری و دیجیتالی و... شرایط جدیدی را برای انسان معاصر فراهم آورده است که جهان اجتماعی و ارتباطات اجتماعی، فرهنگ و جهان فرهنگی او را با گذشته متفاوت کرده است. این فناوری‌ها، فرصت‌های زیادی را برای تولید و توزیع دانش و آگاهی مشترک، گرایش‌ها و عواطف مشترک، کنش‌ها و رفتارهای مشترک بین انسان‌ها به وجود آورده و زمینه تشکیل «جامعه شبکه‌ای» را فراهم کرده است.



در فضای مجازی، ارتباطات، عمدتاً به صورت غیر مستقیم صورت می گیرد و ارتباط رودررو، مشارکت گروهی و ارتباطات خانوادگی کمتر به چشم می خورد. در این فضا، افراد، در کنار هم، دست به کنش هایی می زنند که به تنهایی صورت می گیرد، اما ضمناً به همراه دیگران و به صورت دسته جمعی انجام می شود، بدون آنکه تنهایی هیچ کس خدشه دار شود. افراد، زمان فزون تری را به تنهایی می گذرانند و با دیگران صحبت کرده و

ارتباط سطحی برقرار می کنند و معمولاً این ارتباطات، به قیمت از دست دادن گفتگوهای چهره به چهره و ارتباطات فAMILI و دوستانه انجام می شود. در نتیجه، « فضای واقعی » به پس زمینه رانده می شود و « مجاز »، اهمیت و الویت می یابد. حال آنکه تعاملات انسانی، همدردی ها، خیر خواهی ها و گفتگوی مستقیم نیاز اصیل انسان است که در دنیای واقعی حاصل می شود. شبکه های اجتماعی، هویت یابی آحاد جامعه، به ویژه نسل جوان را در ابعاد فکری و اخلاقی، تحت تأثیر قرار داده و موجب « اعتیاد اینترنتی » و آسیب پذیری اجتماعی می شود.

### بررسی و گفتگو کنید

به نظر شما، دانش آموزان دوره دبیرستان، چند ساعت از وقت خود را در فضای مجازی (تلفن همراه، اینترنت و...) سپری می کنند؟ این حضور، چه تأثیری بر فعالیت های آموزشی و پژوهشی کاربران دارد؟ چه تأثیری بر مناسبات فرد با خانواده و دوستانش بر جای می گذارد؟ با رویکرد فرهنگی، حضور در فضای مجازی را تجزیه و تحلیل کرده و فرصت ها و تهدیدهای آن را مشخص کنید.

یکی از مهم ترین محورهای جامعه اطلاعاتی، «شاهراه های اطلاعاتی» است که به دلیل قابلیت یکپارچه سازی متن، تصویر و صدا، در یک سیستم و شبکه جهانی، ماهیت ارتباطات را دستخوش دگرگونی های بنیادین ساخته است و از آنجا که ارتباطات، نقش تعیین کننده ای در شکل دهی فرهنگ دارد، فرهنگ نیز به تبع دگرگونی های فناورانه جدید، دگرگونی بنیادی دیگری را از سر گذرانده و فرهنگ نوینی در حال ظهور است. در چنین جامعه ای، استاندارد زندگی، الگوهای کار و فراغت، نظام آموزشی، بازار کار و... به گونه ای کاملاً محسوس، تحت الشعاع پیشرفت های فناورانه قرار می گیرد.

زندگی در «اتاق شیشه‌ای» در عصر رسانه‌ها به چه معناست؟ «حریم خصوصی» در فضای مجازی، چه معنا و مفهومی دارد؟ و چگونه می‌توان از حریم خصوصی خود مراقبت کرد و وارد حریم خصوصی دیگران نشد؟

### سواد رسانه‌ای<sup>۱</sup> و تحولات فرهنگی

«سواد رسانه‌ای» به چه معناست؟ ضرورت کسب سواد رسانه‌ای، در دنیای امروز چیست؟ این دانش، شامل چه مهارت‌ها و کارکردهایی است؟ آیا می‌توان با استفاده از این مهارت، به تحلیل فرهنگی و حل مسائل فرهنگی پرداخت؟ در سال دهم در کتاب سواد رسانه‌ای، با مفهوم «سواد رسانه‌ای» و کارکردهای آن آشنا شدید. همچنان که آموختید، سواد رسانه‌ای، مجموعه‌ای از مهارت‌های قابل یادگیری است که به توانایی دسترسی، تجزیه و تحلیل و ایجاد انواع پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و یک مهارت ضروری در دنیای امروزی به شمار می‌رود. برای حرکت در محیط رسانه‌ای پیچیده امروز، باید قادر به درک بهتر پیام‌های رسانه‌ای، تجزیه و تحلیل، ارزشیابی و پردازش اطلاعات باشیم.



بازی کامپیوتری اساسین کرید



افراد، با کسب سواد رسانه‌ای، قادر به رمزگشایی از اهداف رسانه‌ها و کشف پیام‌های پیچیده موجود در محتوای تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، بیلبوردهای تبلیغاتی، اینترنت و سایر رسانه‌های مستقل خواهند شد. آنها همچنین می‌توانند رسانه‌های خود را ایجاد کرده و در شکل‌گیری فرهنگ رسانه‌ای، مشارکت فعالانه داشته باشند، این امر سبب می‌شود مردم از حالت مصرف‌کننده منفعل خارج شده، و از رسانه‌ها به صورت هوشمندانه بهره‌مند شوند. سواد رسانه‌ای می‌تواند به افراد جامعه کمک کند تا:

- ۱- مهارت استفاده از فناوری‌های ارتباطی را به دست آورده و چگونگی ایجاد پیام‌های رسانه‌ای را درک کنند.
- ۲- آنچه را که رسانه‌ها می‌خواهند ما را به باور آن برسانند، تشخیص بدهند.
- ۳- تعصبات، اطلاعات غلط و دروغ‌های رسانه‌ای را تشخیص بدهند.
- ۴- مسائل فرهنگی را تشخیص داده و مهارت لازم برای حل آن‌ها را به دست آورند.
- ۵- پیام‌های رسانه‌ای را براساس تجربیات خود، باورها و ارزش‌هایشان ارزیابی و تجزیه و تحلیل کنند.
- ۶- پیام‌های رسانه‌ای خود را طراحی، ایجاد و پخش کنند.

سواد رسانه‌ای یکی از مهارت‌های مهم زندگی در عصر حاضر است. کسب این سواد، ما را در مقابله با امپریالیسم رسانه‌ای و برنامه‌های تهاجم فرهنگی نظام سلطه یاری می‌کند.

### بررسی و گفتگو کنید

- ◆ در تبلیغات دینی، بیشتر از چه رسانه‌هایی استفاده می‌شود؟ نقاط قوت و ضعف این رسانه‌ها کدام است؟
- ◆ آیا می‌توانید نمونه‌هایی از بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، انیمیشن‌ها و کارتون‌هایی که توسط جهان غرب و صهیونیست‌ها علیه جوامع اسلامی ساخته می‌شود را نام ببرید و ابعاد ضد اسلامی و ضدایرانی و روش به کار رفته در آنها را بررسی کنید؟ در صورت تمایل، با چند نفر از کاربران این بازی‌ها مصاحبه کنید و تأثیرات بازی‌ها را بر روحیه و اخلاق آنها بررسی کنید.
- ◆ جشنواره‌های مردمی بازی‌های رایانه‌ای با چه هدفی برگزار می‌شود؟ نقش سواد رسانه‌ای در تولید این بازی‌ها چیست؟



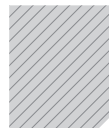
### ◆ امپریالیسم رسانه‌ای

در عصر حاضر، که عصر جهانی‌شدن اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ارتباطات است، رسانه‌ها به اصلی‌ترین و کارآمدترین ابزار در دست سرمایه‌داری تبدیل شده‌اند و آنان با «امپریالیسم رسانه‌ای» درصدد حاکمیت بخشی از لایه‌های سطحی فرهنگ غربی در سایر کشورها و ملت‌ها هستند.

سرمایه‌داری غربی با استفاده از ابزار تأثیرگذار رسانه و عنصر کلیدی آن، یعنی تبلیغات، سعی در یکسان‌سازی فرهنگی در همه ابعاد مادی و معنوی فرهنگ سایر ملل دارد.

تعدادی از رسانه‌های بزرگ و جهانی، که وابسته به نظام سلطه هستند، به روش‌های مختلف، سعی در ایجاد و ترویج یک فرهنگ خاص دارند و در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها، برای گسترش و ارتقای فرهنگ غرب و نفی فرهنگ غیرغربی تلاش می‌کنند. به بیان دیگر، رسانه‌ها در رویارویی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، بی‌طرف نیستند و برای گسترش و اشاعه فرهنگ و پیام خاص ایجاد شده فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، غرب، برای نیل به اهداف و مقاصد خویش، از میان گزینه‌های ممکن، تسلط بر شبکه ارتباطی را به‌عنوان برترین و مؤثرترین گزینه استراتژیک خود برگزیده است.

مارشال مک لوهان: «جنگ‌هایی که در آینده رخ می‌دهد به وسیله تسلیحات جنگی و در میدان‌های نبرد نخواهد بود، بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصویری رخ خواهد داد که رسانه‌های جمعی به مردم القا می‌کنند».



برخی حکومت‌ها و دولت‌های قدرتمند، با سوء استفاده از ظرفیت‌های بالای رسانه‌ها، درصدی به انحصار در آوردن تولید و توزیع اطلاعات هستند. آنان تلاش می‌کنند با بهره‌گیری از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی، و با برخورداری از آخرین دستاوردهای تکنولوژیک، باورها، اندیشه‌ها، گرایش‌ها و فرهنگ «دیگران» را تغییر داده و با ارزش‌ها

و فرهنگ خویش همراه و هماهنگ کنند و با «مهندسی ذهن» دیگران، ایشان را به راهی بخوانند که خود می‌خواهند. این عملکرد نظام سلطه، می‌تواند منجر به بروز پدیده‌ای در سطح ملی یا بین‌المللی شود که از آن به «استبداد اطلاعاتی» تعبیر می‌شود. استبداد اطلاعاتی، در واقع، شکل تازه‌ای از استبدادهای سنتی است که در گذشته در قالب‌های نظامی و سیاسی وجود داشته است. امروزه تراست‌های بزرگ اطلاعاتی و کارتل‌های عظیم رسانه‌ای شکل گرفته است که با اتکا به قدرت تکنولوژیکی، به ارائه تصویری مخدوش از حکومت‌ها، فرهنگ‌ها، اقوام و ادیان رقیب می‌پردازند و به صورت نظام‌مند و هماهنگ، در جهت‌دهی افکار عمومی جهانی و شکل‌گیری عقاید و گرایش‌ها و واکنش‌های موردنظر خود، تلاش می‌کنند.

#### تحقیق کنید

- ◆ درباره «مرداک» غول رسانه‌ای جهان چه می‌دانید؟
- ◆ نقش مخرب وی در تهاجم به فرهنگ‌های مستقل و آزادی‌خواه و گسترش امپریالیسم فرهنگی چیست؟

امپریالیسم رسانه‌ای، درصدی است با تشکیل امپراطوری فرهنگی - رسانه‌ای، هویت‌های فرهنگی، ملی و دینی سایر ملت‌ها را تغییر داده و بخش‌هایی از فرهنگ خود را جایگزین آن‌ها نماید. به همین دلیل، «جنگ رسانه‌ای» به عنوان برجسته‌ترین جنبه جنگ نرم، مورد توجه امپریالیسم رسانه‌ای قرار گرفته است. جنگ رسانه‌ای، تنها جنگی است که حتی در زمان صلح نیز بین کشورها به صورت غیر رسمی ادامه دارد و هر کشوری با استفاده از ظرفیت رسانه‌ای خویش، برای پیشبرد اهداف سیاسی و فرهنگی خود از آن بهره می‌گیرد. سربازان جنگ رسانه‌ای، متخصصان تبلیغات، کارشناسان جنگ روانی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. استراتژی طراحی شده



توسط آمریکا، پیش از حمله نظامی به عراق، نمونه برجسته‌ای از جنگ رسانه‌ای به موازات جنگ نظامی به شمار می‌رود. خبرنگارانی که در اردوگاه نیروهای آمریکایی و انگلیسی حضور داشتند و اخبار جنگ را از دریچه دوربین خود، و البته از منظر منافع مهاجمان، به جهان مخابره می‌کردند، سربازان «جنگ رسانه‌ای» جدید بودند. مردمی که زیر بمباران جنگ رسانه‌ای قرار می‌گیرند، ممکن است خود، از وجود جنگ سنگینی که در فضای فرهنگی آنان جریان دارد بی‌اطلاع باشند، اما کارگزاران این جنگ، فرهنگ و باورها، گرایش‌ها و رفتارهای ایشان را نشانه گرفته‌اند. هدف جنگ رسانه‌ای، اگر چه در نهایت تغییر کارکرد و عملکرد دولت‌هاست، اما به طرز ملموسی به جای هدف قراردادن مستقیم دولت‌ها، ملت‌ها را هدف بمباران خود قرار می‌دهد و به تغییر و تحولات فرهنگی در جوامع می‌اندیشد تا بتوانند حکومت‌های دست‌نشانده خود را به قدرت برسانند.

### تحقیق کنید

دو فیلم زیر را مشاهده و بررسی کنید و با مراجعه به نقدهایی که درباره آنها در شبکه‌های مجازی و مجلات تخصصی وجود دارد، میزگرد فرهنگی تشکیل داده و درباره آنها گفتگو کنید:

- ◆ فیلم «تولد یک پروانه» به کارگردانی مجتبی راعی. ساخت سال ۱۳۷۶. ایران
- ◆ فیلم «رهایی از شاوشنگ» به کارگردانی فرانک دارابونت. ساخت ۱۹۹۴ میلادی





یکی از جلوه‌های امپریالیسم رسانه‌ای در جهان، امپریالیسم خبری است که از شکل‌های سلطه دنیای غرب بر جهان است. امپریالیسم خبری به معنی سلطه‌جویی انحصاری در نظام خبررسانی جهان است. امپریالیسم به‌طور تخصصی بر روی حجم، نوع، محتوا، کیفیت، کمیت، زمان و مکان یک خبر کار می‌کند. برای نخستین مرتبه واژه «امپریالیسم خبری» را رئیس‌جمهور فنلاند در گردهمایی کارشناسان ارتباطی یونسکو در دانشگاه تامپر فنلاند در سال ۱۹۷۱ به زبان آورد. امپریالیسم خبری کارکردهایی دارد؛ از جمله اینکه وابستگی فرهنگی ایجاد می‌کند و خبرها را متناسب با منافع خود نشر می‌دهد و با بکارگیری شگردهای هنری و روانشناسانه گاه سیاه را سفید و سفید را سیاه جلوه می‌دهد تا نظام سلطه به حیات خود ادامه دهد. پیامد مباران خبری امپریالیسم خبری، از خودبیبگانگی فرهنگی، تمدن وارداتی و بی هویتی است که با آخرین دستاوردهای تکنولوژی عرضه می‌شود.

امپریالیسم خبری همچنین به ارزش‌های خبری مطابق میل دست‌اندرکاران می‌پردازد و عمدتاً با طرح مسائل نمایشی و در حقیقت کم‌اهمیت، اذهان مخاطبان بین‌المللی خود را از پرداختن به حقایق موجود در جوامع تحت سلطه باز می‌دارد. پنج غول مطبوعاتی و خبری جهان یعنی خبرگزاری‌های آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر، فرانسوپرس و ایتارتاس همگی زاینده رقابت‌های دوران استعماری دو قرن گذشته‌اند. امپریالیسم خبری، در عصر استعماری قرن گذشته، به کمک قدرت‌های بزرگ در تلاش بوده است تا در مناطق تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی خویش، شبکه‌های خبری خود را بسط و گسترش دهند. هم‌اکنون در جهان بیش از ۱۲۰ خبرگزاری بزرگ و بین‌المللی، فعالیت دارند و هیچ‌یک از آنها به عنوان رقیبی برای این ۵ خبرگزاری و غول خبری نیستند.

### بررسی و گفتگو کنید

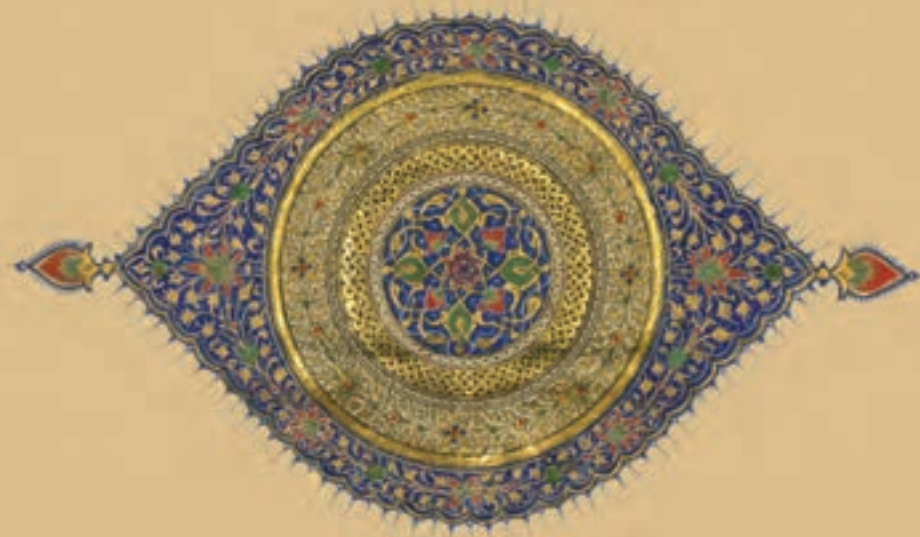
- ◆ دو مورد از شایعاتی را که در سال‌های اخیر توسط امپریالیسم خبری در جامعه منتشر شده‌است نام ببرید و چگونگی القای آن را تجزیه و تحلیل نمایید.
- ◆ چگونه می‌توان جامعه را در برابر تهاجم امپریالیسم رسانه‌ای مصون ساخت؟



# هویت فرهنگی ما ایرانیان

فصل سوم





## اهداف فصل سوم

- در پایان این فصل، انتظار می‌رود دانش آموز:
- ۱- آشنایی لازم با سابقه فرهنگی ما ایرانیان را به دست آورده باشد.
  - ۲- توانایی تبیین مناسبات فرهنگ اسلام و ایران را داشته باشد.
  - ۳- با پیوستگی فرهنگی ایرانیان آشنا باشد و توانایی تداوم آن را به دست آورده باشد.
  - ۴- با اهمیت و ضرورت انسجام فرهنگی آشنا باشد و مهارت تقویت وحدت ملی را کسب کرده باشد.
  - ۵- روحیه «خودباوری فرهنگی» را در خود تقویت کرده باشد.
  - ۶- به ویژگی‌های مثبت فرهنگ ایرانیان باور داشته باشد و توانایی اصلاح خلیات منفی را به دست آورده باشد.



## درس اول

# تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان



### ◆ فرهنگ ایران از گذشته‌های دور تا کنون

«تداوم فرهنگی» یا «پیوستگی فرهنگی» در یک کشور، به چه معناست؟ وجود تداوم فرهنگی، چه دستاوردها و پیامدهایی دارد؟

سرزمین ما ایران، یکی از کهن‌ترین تمدن‌ها و از جوامع دیرپا و کهن جهان است که سابقه تمدنی آن به بیش از هفت هزار سال قبل می‌رسد. اجداد ما، در قالب اقوام مختلف، از هزاران سال قبل، در این سرزمین زیسته‌اند و فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود را داشته‌اند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان، که در بین ملل دیگر به ندرت هم‌تا و هم‌سنگی دارد، استمرار فرهنگی یا «تداوم و پیوستگی فرهنگی» آن در طول تاریخ است.



«تداوم و پیوستگی» در فرهنگ ایرانی به این معناست که برخی از ویژگی‌ها و عناصر فرهنگ ایرانی در طول زمان حفظ شده و استمرار یافته و کمتر دچار تحولات بنیادی شده است.



فرهنگ ایرانی، در طول چند هزار سال گذشته، پایدار و منسجم باقی مانده و عناصر کلیدی و اصلی خود را در فراز و نشیب‌های فراوان، حفظ کرده است. این فرهنگ از نسلی به نسل بعد منتقل شده و تا امروز، تداوم یافته است. به همین دلیل، میان قدیمی‌ترین نشانه‌ها و آثار فرهنگی که در کاوش‌های باستان‌شناسانه و مطالعات تاریخی به دست آمده، و میان آیین‌ها و مراسم باقی مانده از گذشته‌های دور، با عناصر فرهنگ کنونی ایرانیان، یک «پیوستگی» بارز و قابل اثبات، مشاهده می‌شود. این پیوستگی، نشان می‌دهد که به رغم گسست‌های سیاسی و تحولات عمیق در تاریخ این سرزمین، «فرهنگ ایرانی» دچار گسست نشده و به سیر پیوسته و تکاملی خود ادامه داده است. البته این تداوم و پیوستگی، به معنای عدم تغییر و تحول در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران نیست. جامعه ایران، مانند همه جوامع دیگر، تحت تأثیر شرایط محیطی، تهاجمات خارجی، تغییرات آب و هوایی، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی جمعیت، پدید آمدن و از بین رفتن شهرها و زیستگاه‌های انسانی و ... همواره دچار تغییراتی بوده است. به ویژه، آمد و رفت دولت‌ها و حکومت‌ها با گرایش‌ها و باورهای متفاوت و منافع خاص خود، باعث تحولات مهم در جامعه ایران شده است، اما آنچه در این میان ثابت مانده، عناصر فرهنگی و «روح جمعی» حاکم بر ایران است که نظریه «تداوم فرهنگی» را به اثبات می‌رساند. به بیان دیگر ما، در تاریخ طولانی خود، گسست سیاسی داشته‌ایم، اما گسست فرهنگی نداشته‌ایم. سلسله‌های پادشاهی پرشماری بر ایران حکومت کرده‌اند که نحوه حکومت‌داری آنها با هم متفاوت بوده است، اما ما ایرانیان، از هزاران سال پیش تا به امروز، فرهنگ یکپارچه و پیوسته‌ای داشته‌ایم که مشابه آن در میان کشورهای دیگر، بسیار کم و نادر است.

یکی از عناصر مهم فرهنگ، زبان و ادبیات است که آرمان‌ها، اهداف، باورها و رفتار مردم را متجلی و پایدار می‌سازد. پیوستگی فرهنگی سبب شده است تا زبان و ادبیات فارسی طی صدها سال، حفظ شده و اندک تغییراتی را به خود ببیند. به همین دلیل ما زبان و مفاهیم اشعار و ادبیات شاعران قرن‌های قبل مانند رودکی یا فردوسی را به خوبی و راحتی درک کرده و با آن ارتباط برقرار می‌کنیم. در حالی که زبان و ادبیات کهن بسیاری از کشورهای دیگر، برای جوانان امروز آنها غریبه و ناآشناست و گاه برای درک یک سروده و یا متن متعلق به چند صد سال پیش خود، نیاز به مترجم دارند.

ابعاد تداوم و پیوستگی فرهنگی ما ایرانیان، محدود به مرزهای داخل کشور نمانده است بلکه حوزه‌های دیگر، مانند آسیای مرکزی و منطقه قفقاز و افغانستان و شبه جزیره هند هم در بر گرفته است.

از دیگر ویژگی‌های نسبتاً ثابت فرهنگ ایرانی، باورها، اعتقادات، سبک زندگی و نحوه پوشش است که در آثار مکتوب، سنگ نبشته‌ها، سنگ نگاره‌ها، تصاویر و نقاشی‌های باقی مانده از گذشته، قابل مشاهده است و تداوم فرهنگی را به خوبی نشان می‌دهد.

پیوستگی فرهنگی، باعث ثبات هویت ملی، تقویت خودباوری، انباشت و نگهداشت تجربیات فرهنگی و افزایش توانایی، برای بهره‌بردن از سرمایه‌های ملی و انسانی شده است. بسیاری از آداب و رسوم امروز



▲ زبان فارسی، نماد تداوم فرهنگی ایرانیان



ماه، ریشه در تاریخ چند هزار ساله ایران دارد و نیاکان ما هم، همانند آن عمل می کردند. این فرهنگ و تمدن افتخارآمیز می تواند زمینه تقویت و تدوام هویت ایرانی اسلامی نسل ما شده و «خودباوری فرهنگی» مان را افزایش دهد.

## جشن نوروز

شواهدی از هزاره سوم پیش از میلاد به بعد، از برپایی دو جشن مهم ملی حکایت می کند: یکی در آغاز فصل گرما (جشن نوروز) و دیگری در آغاز فصل سرما (جشن مهرگان). این دو جشن در سراسر منطقه وسیع فلات ایران تا بین النهرین گسترده بوده و مراسم آن برگزار می شده است. ایرانیان در دوران هخامنشی به خوبی با «جشن نوروز» آشنا بوده اند. هر سال، مردمان و حاکمان ملل تابع هخامنشیان، با پوشاک قومی خود در تخت جمشید (پارسه) که کاخ و نیایشگاه هخامنشیان بوده، گرد می آمدند و «نوروز» را در حضور شاه و بزرگان کشور جشن می گرفتند. در دوران تشریف ایرانیان به دین اسلام، جشن نوروز همچنان حفظ و بزرگ داشته شد و مورد تأیید رهبران مذهبی قرار گرفت. در زمان سلطان ملک شاه سلجوقی (۴۹۵-۴۸۵ ق)، اول فروردین ماه به عنوان آغاز سال خورشیدی تثبیت شد و مراسم جشن، به مناسبت حلول سال جدید برگزار می شده است. از آیین ها و مراسم مرتبط با نوروز، می توان از «حاجی فیروز»، «خوان نوروز» (هفت سین)، «نوروزانه» (عیدی دادن) و «عید دیدنی» یاد کرد.

در قدیم، صبح عید نوروز، ظرف خوراکی کودکانی که با کنجد، گندم، شاهدانه، نخودچی و کشمش پر شده بود و با یک بشقاب نان شیرینی به همراه تخم مرغ رنگی، به کوچک ترها عیدی داده می شد.



پیشتر بدانیم



▲ آیین نوروز در دوره قاجار



▲ آیین نوروز در سال های اخیر

## بررسی و گفتگو کنید

به نظر شما، تدوام فرهنگی در آداب و رسوم عید نوروز، چگونه است؟ و این آیین، چه نقشی در پیوستگی فرهنگی اقوام ایرانی دارد؟ از این مراسم، چگونه می توان برای تقویت پیوستگی با مردم سایر کشورهای حوزه تمدنی ایران، استفاده کرد؟





۱- ابیات زیر از رودکی را کامل کنید و شباهت و تفاوت زبانی و معنایی آنها را با ادبیات رایج مشخص کنید:

- بوی جوی مولیان آید همی .....

- زمانه، چون نگری سر به سر همه پند است .....

۲- آیا مراسم و آیین‌های دیگری را می‌شناسید که از گذشته‌های دور تاکنون، در فرهنگ ایرانی، ادامه داشته باشد؟

## مراحل مهم تاریخ فرهنگی ایران

در درس تاریخ، با سیر تحولات تاریخی و «تاریخ سیاسی» ایران آشنا شده‌اید. «تاریخ فرهنگی» ایران نیز دارای سیر تحول و ویژگی‌های خاص خود است. با وجود یکپارچگی و پیوستگی فرهنگی ایران در طول تاریخ، چند دوران خاص در مسیر تحولات فرهنگی در این سرزمین، جایگاه برجسته و تعیین کننده دارند که شامل موارد زیر می‌باشند:

### ۱- دوران پیش از اسلام

ویژگی‌های فرهنگی ایران باستان، کدام است؟ همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام و گروه‌ها و مذاهب، در سرزمین پهناور ایران، چگونه بوده است؟ آیا پوشیدگی زنان و مردان ایرانی، از آن زمان تاکنون استمرار یافته است؟ سرزمین کنونی ما بخش بزرگی از یک واحد جغرافیایی به نام فلات ایران است. این سرزمین، با تنوع اقلیمی و زیستی خود، دارای وحدت و پیوستگی فرهنگی بوده است. مردمان ساکن در این منطقه، از دوران باستان، با بهره‌مندی از نبوغ و خلاقیت خود، توانستند تمدن بزرگی را بیافرینند و خدمات فراوانی به تاریخ بشریت عرضه کنند. به گواهی بسیاری از مورخان، نویسندگان و مستشرقان منصف، فرهنگ ایرانی در این دوران از برجستگی‌های ویژه‌ای برخوردار بوده است و مردم ایران به لحاظ فرهنگی، انسانی‌هایی فرهیخته، اهل دانش، صلح دوست، اهل مدارا و تعامل، اهل هنر، راستگو و دارای صدق و صفا بوده‌اند؛ به گونه‌ای که حتی مهاجمان و مهاجران به این

سرزمین، پس از مدتی، تحت تأثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفته و از پیروان فرهنگ حاکم شده‌اند. طراحی و احداث بنای عظیم تخت جمشید، برپایی تمدن شهر سوخته در سیستان، تمدن جیرفت در کرمان و بنای اعجاب‌انگیز بم، گاهشماری و ... نشان از هوش و ذکاوت و رشد فرهنگی، دانش فنی و شایستگی‌های ایرانیان دارد.



مناسبات احترام‌آمیز با سایر اقوام و گروه‌ها، رفتار انسان‌دوستانه با ساکنان سایر کشورها در جنگ‌ها، رعایت حقوق کارگران، زبردستان و افراد ضعیف و مستمند جامعه، نشانگر ارزش‌های فرهنگی نیاکان ما ایرانیان است.

## تحقیق کنید



▲ محوطه باستانی جندی شاپور

درباره «جندی شاپور» به عنوان یکی از مراکز علمی و پزشکی ایران قدیم، تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید.

## ۲- دوران اسلامی

اسلام چگونه وارد ایران شد؟ دلیل پذیرش اسلام، توسط اکثریت ایرانیان چه بود؟ کدام مناطق و نواحی کشور در پذیرش اسلام، پیشگام بوده‌اند؟ پس از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و ابلاغ آخرین پیام الهی به جهانیان، ایرانیان نیز، مانند بسیاری از اقوام و گروه‌ها، مشتاقانه و آزادانه اسلام را پذیرفتند. معارف اسلام و جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی آن، از جمله توحیدمحوری، جهان‌شمولی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، صلح‌دوستی، رأفت و اخوت و تکریم شخصیت انسانی، با هویت ملی ایرانیان و تفکرات و باورهای فرهنگی آنان، نزدیکی و همخوانی داشت. تعالیم انسان‌دوستانه و مترقی اسلام از یک سو، و تبعیض‌طبقاتی و ظلم و بی‌عدالتی حاکم بر کشور از سوی دیگر، سبب شد تا اسلام با اشتیاق کامل، در دل و جان ایرانیان رسوخ کند. آنان به تدریج و گام به گام، به اسلام ایمان آوردند و در طول تاریخ از آن حفاظت و صیانت کردند.

استقبال از اسلام و پذیرش آیین جدید براساس روحیه حقیقت‌جویی، پیوندی عمیق و همیشگی بین عناصر فرهنگی اسلام با عناصر فرهنگی ایرانیان، برقرار کرد و باعث تداوم فرهنگی ایرانیان شد. توحیدگرایی ایرانیان و تجارب کشورداری و تمدن‌سازی ایشان، پیوند این دو فرهنگ را تقویت کرد، به گونه‌ای که در این تعامل و ارتباط دوسویه، هم آموزه‌های متعالی اسلامی، فرهنگ و تمدن ایران را غنی ساخت و ارتقا بخشید و هم مسلمانان، با بهره‌گیری از تجربیات و دستاوردهای عظیم فرهنگی و تمدنی ایران پیش از اسلام، تمدن اسلامی را شکوفا نمودند.



▲ مسجد نصیرالملک در شیراز نمادی از معماری اسلامی

گسترش اسلام در ایران، موجب تحول شگرف و عمیق در زندگی و فرهنگ مردم این سرزمین شد. ایرانیان، به سبب داشتن پیشینه و تجربه تمدنی در دوران باستان، در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش اساسی و مهمی ایفا کردند. ایران در قرون طلایی تمدن اسلامی، کانون شکوفایی و رشد تمدن اسلام بوده است و در همه رشته‌ها و حوزه‌های علمی، دانشمندان بزرگی در ایران ظهور کردند که بسیاری از آنان از جمله ابونصر فارابی، محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی، ابن سینا، مولوی، حافظ، سعدی و بسیاری دیگر، شهرت جهانی دارند. ایرانیان، با پذیرش ارادی و آگاهانه آموزه‌های وحیانی اسلام، تلاش بسیاری در حفظ زبان فارسی به‌عنوان عامل هویت‌بخش ایرانی داشته‌اند و با استفاده از ظرفیت زبان عربی، برای غنی‌سازی و ارتقای آن کوشیدند و آن را به زبان دوم جهان اسلام تبدیل کردند. افزون بر این، مسلمانان برای اداره و حفظ قلمرو خود، آیین مملکت‌داری و سازمان‌های دیوانی را از ممالک متمدن، و بیش از همه از ایرانیان، آموختند و برای کسب مهارت و فنون، به انتقال میراث تمدن کهن ایران پرداختند. این رویکرد، باعث تقویت بنیان‌های تمدن نوپای اسلامی و احیای تمدن کهن ایران شد.

انتقال فرهنگ ایران از دوران ساسانی به دوران اسلامی، به یک باره روی نداد، بلکه طی مدتی طولانی و آرام‌آرام صورت گرفت. همین انتقال مرحله به مرحله، باعث شد شناخت ایرانیان از اسلام، از طریق رفتار خشونت‌آمیز و رفتار غیردینی برخی از مدعیان دین و یا در خلال تعصبات ناروای حاکمان اموی و عباسی، انجام نشود، بلکه ایرانیان، با تفکر و تحقیق و بررسی، تعالیم اسلام را از سرچشمه زلال آن، یعنی آیات قرآنی و معارف نبوی و اهل بیت (علیهم‌السلام) به دست آوردند. به همین سبب، فرهیختگان ایرانی، افق دید و باورشان از اسلام، بسیار ژرف‌تر از دایره تنگ نظری‌های خلفای اموی و عباسی بوده و از این‌رو توانستند خدمات بسیار ارزنده‌ای به جامعه اسلامی و جامعه جهانی عرضه کنند.

با پذیرش اسلام پیوستگی فرهنگی ایرانیان، نه تنها تضعیف نشد، بلکه فرهنگ ایرانی بالنده و متعالی شد. این پیوستگی فرهنگی و نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده آن، به حدی است که امروزه سخن گفتن از تمدن اسلامی بدون نام ایران، امکان‌پذیر نیست، همچنان که فرهنگ ایرانی از تعالیم اسلامی و آموزه‌های وحیانی،

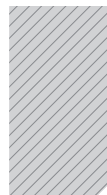
جدایی ناپذیر است. در نتیجه، باید از خدمات متقابل ایران و اسلام سخن گفت. عناصر این دو فرهنگ، چنان در هم تنیده و آمیخته شده‌اند که تفکیک آنها از هم و دو پاره کردن آنها، امکان‌پذیر نیست. ترکیب آنها با هم، یک کل واحد و منسجم را ساخته است، به طوری که امروزه ما با یک فرهنگ در هم تنیده و یکپارچه روبه‌رو هستیم.



▲ آمیختگی نمادهای تمدن اسلامی و ایرانی

## بررسی و تحقیق کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفت‌وگو کنید

مرکز آموزشی «ربع رشیدی»، در چه زمانی و توسط چه کسی و در کجا ساخته شد؟ ویژگی‌های علمی و فرهنگی آن چیست؟ تأکید اسلام بر علم‌آموزی و عمومی کردن دانش، چه تأثیری بر گسترش مراکز آموزشی داشته است؟



### مسجد امام اصفهان؛ نمونه‌ای از ترکیب فرهنگ اسلام و ایران با هنر و صنعت روز

سنت‌های ملی و آرمان‌ها و شعائر و مفاهیم دینی، همه در «مسجد امام اصفهان»، با عظمت و شکوهی تحسین‌برانگیز، تجلی یافته و آن را



در شمار یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای معماری جهان قرار داده است. جلوخان مسجد، حالتی دعوت‌کننده دارد و جمعیت بیرون را به پناه و امنیت و تجدید قوا در مسجد فرا می‌خواند. و ایمان و معنویت او را افزایش می‌دهد. نمای حیاط، به دالان‌ها و طاقچه‌ها و توده‌های مُفرَس‌های روشن و نوارهای بلندی از کتیبه‌های سفید درخشان آراسته است و سراسر آن را کاشی‌های معرّق الوان پوشانده که مایه‌های آبی بر بالای پوشش زیرین مرمر آن با مایه‌های طلایی آمیخته است. دو قاب که در دو طرف مدخل قرار گرفته، طرح سجاده دارد که نمازگزار بر روی آن نماز می‌خواند. جلوخان رو به شمال است؛ همچنان که ضرورت میدان بوده، ولی از آنجا که محراب می‌باید رو به قبله باشد، یعنی شمال شرقی به جنوب غرب، برای جلوگیری از قناس شدن، سلیقه و دقت بسیار به کار رفته است. شخص از جلوخان وارد دهلیزی عالی می‌شود که از ویژگی‌های فرهنگی بناهای تاریخی ایران از زمان‌های قدیم بوده و هدف از آن، دور داشتن محارم منزل، از نگاه نامحرم بوده است. این دهلیز، مدور است و از این رو هیچ وجهی ندارد و می‌توان آن را پاشنه‌ای در نظر گرفت که محور بنا به روی آن می‌چرخد. دهلیز، رو به طاق بلند ایوان شمالی باز می‌شود و از عمق تاریک آن، انسان ناگهان حیاط روشن از آفتاب را می‌بیند. اگر در بناهای دیگر، شکوه رنگ و عظمت سردر و گنبد خیره‌کننده است، در این بنا، تکرار خوش‌آهنگ عناصر ساختمانی و طاق‌نماهای متقارن و ایوان‌های متعادل و آرامش حوض بزرگ وضو و اثر یک‌دست‌کننده رنگی فراگیر، که در همه‌جا گسترده، چشم بیننده را خیره می‌کند.

نقشه‌پی و ساختمان بنا، هر دو نشان‌دهنده اعتقاد به سادگی اسلامی است و مفهومی بنیادی را نمایان و بیان می‌کند که همانا برادری و برابری مؤمنانی است که همگی از دسترسی بی‌واسطه به رحمت خداوندی برخوردار شده‌اند.



پیشتر بدانیم

تزیینات، همگی سنتی است و تکرار نقش‌های نمادی ایران باستان در زمینه نعمت و برکت. تقریباً سراسر سطح بنا، با کاشی‌های لعاب‌دار پوشیده شده که پر از نقش و نگار گل و بوته به صورت مجرد و تخیلی است. از آفتاب بزرگ زرین نوک گنبد، که زندگی بخشی‌اش از طریق توده عظیم گل و بوته‌ها منتشر می‌شود، تا طاق‌های بلند و قاب‌های آراسته به هزاران شکوفه و گل ستاره مانند تا پیچک‌های سیال شبکه‌های پنجره‌ها و در کل همه این آرایش‌ها، تأکیدی است بر علاقه ایرانی‌ها به رویش و عشق شاعرانه‌شان به گل.

این مسجد، با نقشه و ساختارش، شیوه زندگی اسلامی را آشکار و با هزاران کتیبه‌اش، آیات قرآنی را باز می‌گوید.

### ۳- دوران جدید

ارتباطات و تعاملات فرهنگی ایرانیان با تمدن جدید غرب، از چه زمانی و چگونه آغاز شده است؟ این ارتباطات، چه پیامدهای فرهنگی، به همراه داشته است؟ اعزام دانشجو به غرب، در چه دوره‌ای انجام شد؟ پس از رنسانس در اروپا، فرهنگ «مدرن»، با نفی فرهنگ سنتی رایج و براساس اندیشه «انسان محوری»، به وجود آمد و دوران «مدرنیته» و تمدن «مدرنیسم» شکل گرفت. در گذر زمان، این فرهنگ و مبانی فلسفی و نظری آن، به همراه دستاوردهای عینی و مادی مدرن، به سایر کشورها از جمله ایران، منتقل شد و مبادلات فرهنگی غرب با دیگران، براساس اندیشه و فرهنگ جدید، آغاز شد.

پیشینه تعامل ایرانیان با «غرب جدید»، به دوره صفویه، در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی می‌رسد، اما اوج مبادلات فرهنگی، در دوره قاجار و پهلوی بوده است که در خلال آن، حکومت و برخی از روشنفکران، با خودباختگی کامل، و برتر دانستن فرهنگ غرب، سعی در پذیرش و الگوپذیری بی‌چون و چراز آنان را داشته‌اند و با وارد کردن صنایع و کالاهای غربی، در تلاش بوده‌اند تا فرهنگ و مبانی نظری و فکری غرب را نیز به کشور وارد کرده و حاکم نمایند. ضعف و انحطاط حکومت‌های سیاسی در این دوره، ضعف فکری و فرهنگی را به همراه داشت و با تضعیف «خودباوری ملی»، فرهنگ «غرب‌گرایی» در کشور ترویج می‌شد. تمدن جدید غرب، برای گسترش حوزه فرهنگی و تأمین منابع اقتصادی خویش، با هجوم به سایر فرهنگ‌ها، سعی در تضعیف و تخریب فرهنگ «دیگران» و در نتیجه حاکمیت بلامنازع فرهنگ «خود» داشته است. ایرانیان نیز مانند سایر کشورهای اسلامی، در معرض هجوم‌های فرهنگی غرب قرار گرفتند و نشانه‌ها و نمودهایی از «خودبیگانگی فرهنگی» در کشور، آشکار شد. این خودباختگی در برابر فرهنگ مهاجم، گسست فرهنگی و از بین رفتن سرمایه‌ها و میراث ارزشمند فرهنگی را به همراه داشت. اما متفکران و اندیشمندی مانند جلال آل‌احمد، شهید مرتضی مطهری، دکتر علی شریعتی، و امام خمینی علیه‌السلام بر این خودباختگی شوریدند و موجبات بیداری و هوشیاری جامعه را فراهم آوردند. در این رویارویی فرهنگی، ایرانیان توانستند برخلاف بسیاری دیگر از ملت‌ها و فرهنگ‌ها، جوهره و اصالت فرهنگی خویش را حفظ کنند و واکنش سازنده‌ای با





▲ کلیسای سن پیترو در ایتالیا

فرهنگ غرب داشته باشند. آنان با تکیه بر پیشینه تمدنی و فرهنگی خود، سعی کردند هوشمندانه و آگاهانه با تمدن جدید روبه‌رو شوند، به نحوی که مقهور و مرعوب آنان نشده، و برخی از عناصر فرهنگ غرب را که با فرهنگ بومی همخوانی و همسویی داشته است به تدریج پذیرفتند و برخی دیگر را آگاهانه رد کردند. در نتیجه تداوم و پیوستگی فرهنگی خود را حفظ کردند.

### بررسی و تحقیق کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفت‌وگو کنید

«از خود بیگانگی فرهنگی» به چه معناست؟ آثار و نشانه‌های آن کدام است؟ برای جلوگیری از آن، و تقویت «خودباوری فرهنگی» چه باید کرد؟

### تحریر تاریخ:

برخی از نویسندگان ایرانی، مانند جلال‌الدین میرزا پسر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۸۹-۱۲۳۴ ق)، میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۹۵-۱۲۲۸ ق)، میرزا ملکم خان (۱۳۲۶-۱۲۴۹ ق)، آقاخان کرمانی (۱۳۱۴-۱۲۷۰ ق)، که مروج آرای نویسندگان قرن هجدهم فرانسه، از جمله منتسکیو، ولتر و روسو در ایران بودند، سخنان بی‌اساس و کینه‌توزانه‌ای در مورد ورود اسلام به ایران بیان کرده‌اند که فاقد ژرفاندیشی علمی و سند تاریخی است. این گروه با ترویج غربگرایی و گسترش ارزش‌های غربی، بزرگداشت افراطی اساطیر ایران باستان، تلاش برای تغییر خط ایران به خط پهلوی، برتری دادن ملیت ایرانی بر سایر ملل، بیزاری از فتح ایران به دست سپاه اسلام و حمله مغولان به ایران، در صدد بودند تصویری منفی و سیاه، از اسلام ارائه کنند و دین آسمانی و وحیانی اسلام را، دین اعراب جاهلی معرفی نمایند. این رویکرد نادرست در دوران پهلوی، مورد حمایت قرار گرفت و به تعارض میان پیشینه هویتی ایرانیان منجر شد. در این دوره، وابستگان به رژیم شاهنشاهی و دلدادگان فرهنگ غرب، با برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله کوشیدند تا میان مؤلفه‌های فرهنگی ایران و اسلام اختلاف و فاصله ایجاد کنند.



## ۴- دوران انقلاب اسلامی

عناصر اصلی شکل‌گیری انقلاب اسلامی کدام است؟ اعتقادات و باورهای فرهنگی مردم، چه نقشی در پیدایش و پیروزی انقلاب داشته است؟ ارزش‌های انقلاب اسلامی چگونه می‌تواند پیوستگی فرهنگی و پویایی آن را تداوم بخشد؟

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از انقلاب‌های برجسته قرن بیستم، یک انقلاب فرهنگی است که ریشه در اعتقادات، باورها و ارزش‌های مردم ایران دارد



و از تعالیم آسمانی اسلام، سرچشمه گرفته است. پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام و حضور گسترده و ایثارگرانه مردم، سرآغاز دوران جدیدی برای تقویت «خودباوری»، و بازگشت به ارزش‌ها و باورهای فرهنگ توحیدی و در نهایت «استمرار فرهنگی» به حساب می‌آید. از آنجا که در دوره پهلوی، اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی مردم، مورد هجوم حکومت و غرب‌گرایان قرار می‌گرفت، در دوره انقلاب اسلامی، با بازگشت به خویش، تلاش می‌شود تا معارف و ارزش‌های اسلامی در جامعه حاکم و هویت اسلامی و ایرانی مردم تقویت شود.

دشمنان انقلاب و مردم، با درک اهداف و پیام‌های خداپاورانه آن، از آغازین روزهای پیروزی، درصدد مخالفت با آن برآمدند و از تمام امکانات و ظرفیت‌های خود، برای شکست و نابودی انقلاب استفاده کرده‌اند. اوج این تهاجم‌ها، در جنگ تحمیلی هشت ساله قابل مشاهده و مطالعه است که رژیم متجاوز صدام، به نمایندگی از امپریالیسم جهانی و با مشارکت و حمایت بسیاری از کشورها، با ارتشی مجهز و تجهیزات نظامی فراوان، به



ایران حمله کرد. حمله صدام و حامیانش، صرفاً حمله به خاک ایران نبود، بلکه علاوه بر آن، به باورها، ارزش‌ها و فرهنگ دینی و انقلابی مردم ایران حمله کردند. حضور آگاهانه و داوطلبانه مردم از تمام اقوام و گروه‌ها در جبهه‌های نبرد و هوشیاری و حسن تدبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مجاهدت‌ها و از جان گذشتگی به یادماندنی رزمندگان، ایثارگران و شهدای گران قدر و برخوردارانی آنان از روحیه خداپاوری و دین‌مداری، سلحشوری، ظلم‌ستیزی، وطن‌دوستی، فتوت و غیرتمندی، باعث پیروزی لشکریان اسلام و حفظ هویت و پیوستگی فرهنگی شد. در این جنگ نابرابر، نه تنها یک وجب از خاک ایران عزیز در اشغال آنان باقی نماند، بلکه ارزش‌های فرهنگی، تداوم یافت و «پیوستگی فرهنگی» تقویت شد.

## صیانت از میراث فرهنگی

همان گونه که خواندیم، فرهنگ امروز ما، از گذشته‌های بسیار دور، نسل به نسل، منتقل شده و به عنوان «میراث فرهنگی» به ما رسیده است. در این مسیر طولانی و پرفراز و نشیب، نیاکان و اجداد ما، تلاش‌ها، مجاهدت‌ها و جان‌فشانی‌های فراوانی کرده‌اند تا بتوانند از هویت ملی و فرهنگ اسلامی-ایرانی خویش پاسداری کنند.

بسی رنج بردم در این سال سی      عجم زنده کردم بدین پارسی

بی افکندم از نظم کاخی بلند      که از باد و باران نیابد گزند

«فردوسی»

گاهی مفهوم «میراث فرهنگی» تنها به بناها و آثار مشهود باقی مانده از گذشته گفته می‌شود. در صورتی که با توجه به تعاریف فرهنگ که قبلاً آموخته‌اید، «میراث فرهنگی» شامل تمام آثار باقی مانده از گذشتگان است که دارای ارزش فرهنگی هستند. این آثار می‌تواند در برگیرنده آثار محسوس و ملموس (مانند بناهای باستانی، ظروف، مجسمه‌ها و...) یا آثار نامحسوس و ناملموس (مانند آداب و رسوم، اعتقادات، سبک زندگی و...) باشد که امروزه در زندگی ما جریان دارد. آنچه امروز، از آثار فرهنگ محسوس می‌بینیم، مانند قطعه یخی در اقیانوس است که تنها بخشی از آن از آب، سر برآورده است، در حالی که ریشه‌های ناپیدای فراوان دارد. میراث فرهنگی، هویت و شخصیت جمعی یک ملت است؛ بنابراین، همگان در پاسداری و نگهداشت آن مسئولیت دارند. امروزه که فرهنگ خدا محور اسلام و فرهنگ انسان محور غرب، رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند، و نظام سلطه با بهره‌گیری از تمام امکانات و ظرفیت خویش، در صدد گسترش و حاکمیت فرهنگ غرب در جهان بوده و با هجوم فرهنگی به جوامع دیگر، به تضعیف و نابودی سایر فرهنگ‌ها می‌اندیشد، لازم است با هوشیاری، از فرهنگ خودی (اعم از فرهنگ محسوس و غیرمحسوس) صیانت کنیم، و امانت‌دار میراث گران‌بهای فرهنگ مان باشیم و آن را به آیندگان تحویل دهیم. تداوم «استمرار فرهنگی» و انتقال آن به آیندگان، نیازمند «خودباوری فرهنگی» و مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرد فرد ماست. حفظ سرزمین ما، در گروی حفظ فرهنگ است، و حفظ فرهنگ غنی ملی ما، نیازمند آگاهی و هوشمندی و خودباوری جوانان این مرز و بوم است.



## تعزیه خوانی

از زمان تشریف ایرانیان به دین اسلام، مردم ایران به ائمه معصومین علیهم السلام، عشق و ارادتی خالصانه می‌ورزیدند. پس از شهادت جانشوز حضرت امام حسین علیه السلام و یاران



ایشان در صحرای کربلا، رفته‌رفته رسم تعزیت‌داری و سوگواری و گریستن بر شهادت شهیدان دین در ایران رایج شد تا اینکه در قرن‌های اول و دوم هجری، وجهی اجتماعی و نمود گسترده در سطح جامعه یافت؛ به طوری که در دوران حکومت آل بویه بر بغداد، این خاندان که شیعه و دوستدار اهل بیت علیهم السلام بودند، مردم را به عزاداری در نخستین دهه محرم، فرا می‌خواندند و آیین‌هایی را که تا آن زمان، برای برگزاری باشکوه این مراسم رایج شده بود، پاس می‌داشتند. به موازات برگزاری این مراسم، گونه‌ای از تاریخ‌نگاری حادثه عاشورا رشد کرد که امروزه «مقتل‌نگاری» خوانده می‌شود. نویسنده مقتل، برای تهییج خواننده یا شنونده رویداد مورد نظر جنبه‌های تصویری ماجرا را بسیار پررنگ و پرشور و حرارت روایت می‌کرد.

در کنار دو سنت عزاداری دسته‌جمعی و روضه‌خوانی، شیوه دیگری نیز برای هرچه بهتر نمایش دادن آنچه بر ائمه و پیشوایان گذشته بود، به کار گرفته شد که به آن، «شبییه‌خوانی» می‌گویند. شبیه‌خوانی در دوره صفویه در ایران رواج یافت و در دوره قاجاریه، به اوج کامل خود رسید و به نوعی، به تأثیر بومی و ملی ایران تبدیل شد؛ با این تفاوت که در شبیه‌خوانی، رویدادها چنان واقعی به نظر می‌رسید که گاه، «اشقیاء خوانان»، یعنی کسانی که نقش منفی را برعهده داشتند، در حین نمایش، بر مصائب حضرت امام حسین علیه السلام و یاران ایشان می‌گریستند. با ظهور سلسله پهلوی و فرمان رضاشاه مبنی بر غدن کردن برگزاری مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی در سال ۱۳۱۱ش، و همچنین، گسترش جنگ جهانی دوم که مردم ایران را درگیر خود کرد، با وجود کوشش‌هایی که از سوی بازمانده تعزیه‌خوانان انجام گرفت، دیگر تعزیه و شبیه‌خوانی جایگاه پیشین خود را به دست نیاورد. در سال‌های اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاقه‌مندان به سنت‌ها و رسوم ریشه‌دار ایرانی، می‌کوشند متون، شیوه‌های قرائت و ایفای نقش و حتی محل‌ها و جایگاه‌های برگزاری تعزیه را احیا کنند.

**یادآوری:** جشن نوروز و سنت تعزیه‌خوانی، به عنوان میراث فرهنگی و جهان‌شمول، در سازمان فرهنگی یونسکو به ثبت رسیده است.



## ◆ اقوام ایرانی، با هم و در کنار هم

در مدرسه شما، دوستان دانش آموزتان، متعلق به چه گروه‌های قومی هستند و با چه زبان‌هایی سخن می‌گویند؟ این تنوع و تکثر فرهنگی، چه فرصت‌هایی دارد و با چه تهدیدهایی روبه‌روست؟ همان‌گونه که در درس‌های قبل آموختید سرزمین ما ایران، کشوری وسیع و کهن و با تاریخ بیش از هفت هزار ساله است که اقوام مختلف با اعتقادات، آیین‌ها و عادت‌های گوناگون در آن زندگی می‌کنند. «ملت ایران» واقعیتی است مرکب از همه این تنوع‌ها و تکثرها که تاریخ مشترک، منافع مشترک، رنج‌ها و شادی‌های مشترک و اعتقادات و آرمان‌های مشترک، آنان را به هم پیوند زده و موزائیک فرهنگی اقوام را در ایران تشکیل داده است.



ایران ما، به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی، شرایط آب و هوایی و زیستی، در طول تاریخ، همواره محل عبور و زندگی اقوام و ایلات مختلف با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم متفاوت و متنوع بوده است. به همین دلیل، ایران را خاستگاه تنوع و چندگانگی فرهنگی دانسته‌اند و به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب از آن یاد می‌کنند. بدین جهت کشور ما در زمره کشورهای «چند فرهنگی» قلمداد می‌شود.

اگر به آشنایان و خانواده‌های اطراف خود توجه کنیم و یا اگر وضعیت فرهنگی دوستان و هم‌کلاسی‌های خود را بررسی کنیم، می‌بینیم که در بین آنها افرادی از اقوام مختلف و شهرهای گوناگون وجود دارند که با وجود تفاوت‌ها، شباهت‌ها و اشتراکات فراوانی با یکدیگر دارند؛ همچنین ما اگر به سایر نقاط و استان‌های کشور سفر کنیم، مشاهده می‌کنیم با هم‌وطنان ساکن در این مناطق و نواحی، وجه مشترک فراوانی داریم و در بین آنها احساس غربت و تنهایی نمی‌کنیم. زبان رسمی کشور ما، فارسی است و همگان با آن صحبت می‌کنند، هر چند زبان و گویش قومی و محلی نیز وجود دارد. دین اکثریت ملت ما، اسلام است، در حالی که مذاهب مختلف دیگری نیز وجود دارد و آنها را به رسمیت شناخته‌ایم، و حتی در ارتباط با پیروان سایر ادیان، احساس قربت و نزدیکی می‌کنیم. هم‌وطنان ما در استان‌های دیگر، از نظر لباس و پوشش، شباهت‌های زیادی با ما دارند، هر چند امکان دارد مدل و رنگ لباس آنها با ما متفاوت باشد. در برگزاری مراسم دینی و ملی مانند بزرگداشت ماه محرم، به ویژه عزاداری روزهای تاسوعا و عاشورا، و یا برپایی جشن عید نوروز، بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی، بزرگداشت مفاخر و مشاهیر، وجوه مشترک فراوان داریم. علاوه بر آن، همه ما ایرانیان عشق و علاقه عمیقی به کشورمان داریم و با الهام از حدیث آموزنده «حب الوطن من الایمان»، دوست داشتن ایران را عزیز و مهم می‌دانیم. تمام ما مردم ایران، به حفظ مرزهای ملی، تمامیت ارضی، استقلال کشور و سربلندی آن اهتمام و جدیت فراوان داریم. به بیان دیگر، ما ایرانیان، علی‌رغم تفاوت‌ها، دارای باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای مشترک فراوان، و نیز تاریخ و سرنوشت مشترک هستیم و احساس عاطفی قوی برای به هم پیوستگی و «انسجام فرهنگی» بین ما وجود دارد. ما احساس تعلق، دلبستگی و همبستگی شدید با هم داریم و به «وحدت ملی» و «انسجام اجتماعی» وفاداریم و صیانت از تمامیت ارضی را وظیفه خود می‌دانیم. این «هویت ملی» و وحدت و انسجام، راز بقا و پایداری ایران و نجات کشور در برابر هجوم و اشغال بیگانگان است. حضور مفاخر و قهرمانانی مانند یعقوب لیث، کریم‌خان، شاه‌عباس، ستارخان، باقرخان، رئیس‌علی دلواری، امیر کبیر، شهید محمد جهان‌آرا، شهید حسین خرازی، شهید مصطفی چمران و... از اقوام و گروه‌های مختلف و همراهی عموم مردم با آنان برای دفاع از ایران و فرهنگ ایرانی، در لحظات سخت تاریخ، نشان از پیوستگی فرهنگی بین ما ایرانیان دارد.



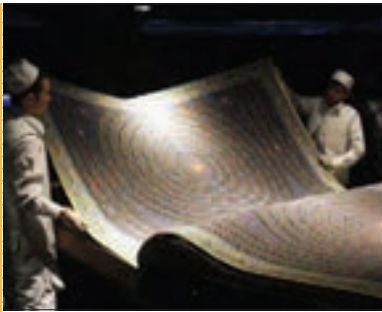




آزادسازی «خرمشهر»، به عنوان یک نقطه درخشان در پیروزی‌های دوران دفاع مقدس، چگونه انجام شد؟ چه گروه‌ها و اقوامی در آزادسازی خرمشهر مشارکت داشتند؟ آیا در این رخداد بزرگ، تنها اهالی خرمشهر و یک گروه و قوم خاص، ابراز خوشحالی کردند، و یا اینکه تمام ملت و همه گروه‌ها و اقوام ایرانی، یکپارچه و هماهنگ به جشن و خوشحالی پرداختند؟

### عوامل انسجام بخش فرهنگی ماکدام اند؟

چه عواملی انسجام فرهنگی بین اقوام و گروه‌ها را تقویت می‌کنند؟ موانع گسترش وحدت و همدلی در بین اقوام مختلف ایران کدام اند؟  
عناصر و عواملی که باعث تقویت انسجام فرهنگی و احساس یگانگی ملی می‌شوند و تمام اقوام و گروه‌ها، با وحدت و همبسته با هم، به آنها اعتقاد داشته و به آنها اهتمام می‌ورزند، عبارت‌اند از:



▲ نسخه نفیس قرآن کریم



▲ مقبره ابوعلی سینا در همدان

- ۱- زبان مشترک، زبان و ادبیات فارسی
- ۲- دین اسلام و ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی مشترک
- ۳- تاریخ و سرنوشت مشترک (حافظه جمعی)
- ۴- سرزمین مشترک و احساس تعلق و وابستگی به مرزهای مشخص جغرافیایی
- ۵- هنرهای ایرانی (معماری، نقاشی، خط، موسیقی، صنایع دستی و...)
- ۶- نوع پوشش و الگوی حجاب و عفاف
- ۷- مشاهیر، دانشمندان، مفاخر فرهنگی و دینی مشترک
- ۸- احساس وابستگی به نظام سیاسی واحد
- ۹- اسطوره‌ها و قهرمانان ملی مشترک
- ۱۰- ارزش و نمادهای ملی، آداب و رسوم مشترک
- ۱۱- دشمن مشترک و تهدیدات خارجی
- ۱۲- احساس تعلق به هویت ایرانی

این عناصر و وجوه مشترک، باعث شکل‌گیری انسجام ملی و فرهنگی در میان مردم ایران شده است و «پیوستگی فرهنگی» را استمرار بخشیده است. براین اساس، جامعه ایران، جامعه‌ای منسجم، یکپارچه و یکدل است و با تأکید بر این انسجام، توانسته است پیوستگی فرهنگی خود را در طول تاریخ حفظ کند. نمود انسجام و یکپارچگی جامعه ایران را در برخی از حوادث تاریخ معاصر مانند: انقلاب مشروطه، ملی

کردن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد، انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، شرکت در انتخابات، حمایت از هم‌وطنان آسیب‌دیده در حوادث طبیعی، مشارکت در امور خیرخواهانه و پشتیبانی از گروه‌های آسیب‌پذیر، به خوبی می‌توان مشاهده کرد. در واقع مردم ایران، علی‌رغم مشکلات و فشارهای اقتصادی، سیاسی و حتی جنگ خارجی، به شدت به همدیگر وابسته و پیوسته هستند و این همبستگی را در طول تاریخ، به‌ویژه در شرایط سخت و دشوار، حفظ کرده و ادامه داده‌اند.

### بررسی و گفتگو کنید

- ۱- از میدان‌ها، خیابان‌ها، ساختمان‌ها، مغازه‌ها، مدارس، مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی که در محل سکونت شما، به نام شخصیت‌ها و مشاهیر ملی یا استانی، نام‌گذاری شده‌اند، گزارش تصویری و مکتوب تهیه کرده و درباره آنها در کلاس، گفتگو کنید.
- ۲- «منافع ملی» به چه معناست و شامل چه مصادیق و مواردی می‌شود؟ موانع گسترش و تقویت «منافع ملی» کدام است و برای حفظ آن، چه باید کرد؟



### تنوع و گوناگونی فرهنگ در ایران

به کدام‌یک از استان‌های ایران سفر کرده‌اید؟ مردم آنجا دارای چه ویژگی‌های فرهنگی هستند؟ درباره کدام‌یک از اقوام ایرانی و آداب و رسوم آنها مطالعه دارید؟ «چند فرهنگی» بودن جامعه ایرانی به چه معناست؟ در همه جوامع، گروه‌هایی با ویژگی‌های فرهنگی مختص به خود دارند که آنها را از فرهنگ اصلی و مسلط جامعه مجزا و متمایز می‌کند. این گروه‌ها، گرچه دارای ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ محسوس ویژه خود هستند، اما میانی و وجوه مشترک فراوانی با فرهنگ کلی و حاکم بر جامعه دارند. این گروه‌های درون جامعه ملی را «خرده فرهنگ» می‌نامند.



جامعه ایران، علاوه بر دارا بودن «خرده فرهنگ‌های» متعدد و مختلف، به دلیل حضور اقوام، مذاهب و اقلیت‌ها، جامعه «چند فرهنگی» و دارای «تنوع و تکثر فرهنگی» است. هریک از این اقوام بایشینه تاریخی خود، باورها و آداب و رسوم خاص خود را دارند، روش زندگی آنان باهم متفاوت است و از «هویت فرهنگی» گوناگون برخوردارند.

تنوع فرهنگی در جامعه ایران، عبارت است از:

- ۱- تفاوت‌های زبانی و لهجه‌ای: بخش فراوانی از جمعیت ایران ما، به زبان‌های قومی، محلی و یا لهجه‌های خاص فارسی صحبت می‌کنند. ما ایرانیان دارای ذخایر و گنجینه‌های زبانی و گویشی پرازش هستیم.

۲- تفاوت در اعتقادات دینی و مذهبی: در جامعه ما، علاوه بر مسلمانان، پیروان سایر ادیان و مذاهب و فرقه‌ها حضور دارند که قرن‌ها در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته‌اند.

۳- تفاوت در سبک زندگی: به دلیل گستردگی و وسعت جغرافیای ایران و تفاوت شرایط آب و هوایی، مردم سبک‌های زندگی متفاوتی را انتخاب کرده‌اند. این تفاوت‌ها در برخی از فعالیت‌های فرهنگی، مانند برگزاری جشن‌ها، مراسم عبادی، معماری و شهرسازی، صنایع دستی و هنرها، به خوبی مشهود است.

## بررسی کنید



آیا تاکنون در مرحله کشوری جشنواره‌های فرهنگی و هنری و یا مسابقات ورزشی دانش‌آموزی شرکت کرده‌اید؟ یکی از برنامه‌های این مراسم، خیرمقدم گفتن نمایندگان

استان‌ها، به زبان و گویش محلی و با لباس و پوشش سنتی است که مورد استقبال و تشویق شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد. آیا می‌توانید جمله زیر را با کمک سایر دانش‌آموزان به زبان‌ها و گویش‌های مختلف، در کلاس اجرا کنید؟

«دوستان عزیز سلام، از دیدن شما و آشنایی با شما خوشحال هستم. موفقیت شما را تبریک می‌گویم. ما «همه با هم» باید کشورمان را بسازیم و آن را توسعه دهیم.»

آیا تفاوت لغات و واژگان در این زبان‌ها و گویش‌ها، تفاوت معنا و مفهوم را به همراه دارد؟ آیا این تفاوت‌ها می‌تواند باعث برتری یک زبان یا یک فرد بر دیگری باشد؟

## دلایل تفاوت‌های فرهنگی

چرا مردمان سرزمین ما ایران، دارای آداب، رسوم و هنجارهای متفاوت هستند؟ علل تنوع فرهنگی کشور ما چیست؟ آیا تنوع و تکثر فرهنگی در سایر کشورها هم وجود دارد؟ این تنوع چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را به وجود می‌آورد؟

اقوام و گروه‌های مختلف ایرانی، ضمن وفاداری به فرهنگ ملی، با فرهنگ‌های متفاوت، در کنار هم و با هم، در سرزمین مان زندگی می‌کنند.

دلایل تنوع و تکثر فرهنگی موجود در جامعه ایران، عبارت‌اند از:

۱- تحولات تاریخی: گروه‌ها و اقوام مختلف، در طول هزاران سال به سرزمین ایران وارد شده و در این سرزمین سکنی گزیده‌اند. این اقوام پایه‌های جامعه ایرانی را شکل داده و جزئی از فرهنگ ایرانی شده‌اند. هر قوم، فرهنگ خاص خود را داشته است که در طول زمان، اصالت‌ها و ویژگی‌های بنیادین خود را حفظ و از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده است.

۲- تفاوت‌های جغرافیایی: سرزمین پهناور و گسترده ایران ما، دارای اقلیم‌های متنوع است. شرایط متفاوت آب و هوایی، زندگی در مناطق کوهستانی، جلگه‌ای، جنگلی، مناطق خشک، معتدل، سرد، سواحل دریا، حاشیه کویر، باعث تفاوت در سبک زندگی و تنوع فرهنگی شده است و مردمان ساکن در این مناطق و نواحی، برای انطباق با شرایط محیطی، نوع خاص از لباس، غذا، ساخت خانه و معماری، مشاغل، مراسم و آیین‌ها و... را برای خود برگزیده‌اند.

۳- تفاوت‌های اقتصادی و معیشتی: شکل‌های مختلف زندگی شهری، روستایی، عشایری و نیز اشتغال در بخش صنعت، کشاورزی و خدمات، تفاوت در شرایط اقتصادی را به وجود آورده است. براساس تفاوت سطح درآمدها و شرایط مادی، به‌طور طبیعی، طبقات اقتصادی و اجتماعی متفاوت شکل گرفت و نمادها، الگوها و ارزش‌های گوناگون و سبک‌های زندگی و فرهنگ‌های متنوع، پدیدار شده است.

## بررسی کنید



مشاغل و حرفه‌هایی مانند شالی کاری در گیلان، ماهیگیری و بندرداری اهالی خلیج فارس، زعفران کاری در خراسان، کشت پنبه در مازندران، دامپروری در مناطق عشایری و نظایر آنها چه ویژگی‌های فرهنگی را در منطقه خود به وجود آورده است؟ چه نمادها و رفتارهایی را به همراه داشته است؟



به چند گروه دانش‌آموزی تقسیم شوید و درباره یکی از موضوعات زیر تحقیق کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید: ویژگی‌ها و شاخص‌های فرهنگی هر یک از اقوام یا گروه‌های ایرانی، مانند: ترکمن‌ها، آذری‌ها و ترک زبان‌ها، بلوچ‌ها، کردها، تات‌ها، تالش‌ها،

لرها، فارس‌ها، عرب‌ها، قشقایی‌ها، شاهسون‌ها، و... کدام است؟ هر یک دارای چه آداب و رسومی هستند؟ فصل مشترک فرهنگی آنها که هویت ملی ما ایرانیان را می‌سازد کدام‌اند؟

## ♦ ضرورت تقویت انسجام فرهنگی

جامعه ما ایران، جامعه‌ای است چندفرهنگی که در عین تکثر و تنوع فراوان، دارای وحدت و انسجام ملی و فرهنگی است و برخلاف برخی از جوامع چند فرهنگی امروز، که تاریخ تنوع فرهنگی آنها از یک قرن فراتر نمی‌رود، تنوع فرهنگی در ایران، سابقه‌ای به قدمت تاریخ آن دارد.

قرار گرفتن کشور ما در منطقه استراتژیک خاورمیانه، وجود منابع عظیم انرژی در آن، مرزهای آبی وسیع در خلیج فارس و دریای عمان و دسترسی آسان به آب‌های بین‌المللی، معادن و ذخایر گران‌بهای طبیعی، وجود سرمایه انسانی خلاق و با استعداد و به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی با آرمان‌های بلند ملی و جهانی و قدرت الهام‌بخشی آن، همه و همه از ایران، کشوری با جایگاه ویژه و مقتدر ساخته است. این موقعیت، گاه مورد خشم نظام سلطه جهانی و دشمنان و بدخواهان ملت ایران قرار گرفته و سعی کرده‌اند با ایجاد اختلافات قومی، دینی، مذهبی، دامن زدن به نارضایتی‌های عمومی، ایجاد رقابت‌های کاذب و گسترش بدبینی همگانی، زمینه تضعیف انسجام ملی و تخریب جایگاه ایران را فراهم آورند.

دستیابی به رشد و توسعه و بالندگی ملی، تأمین رفاه و آسایش عمومی برای مردم، حضور فعال در صحنه ملی و بین‌المللی و دفاع از منافع ملی، نیازمند وحدت ملی و انسجام فرهنگی است. هم‌گرایی و انسجام، زمینه‌ساز تقویت «هویت ملی» است تا در پرتو آن، مردم ایران همچون گذشته، با تأکید بر منافع مشترک، تاریخ مشترک، سرنوشت مشترک، به مثابه «ید واحد»، به ارزش‌های اسلامی - ایرانی وفادار بمانند.



▲ دفاع مقدس، نماد انسجام فرهنگی ما ایرانیان

هندوستان، بزرگ‌ترین کشور فدرال دنیاست که با تنوع نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی، چشم‌انداز شگرفی از مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز را میان اقوام و باورهای گوناگون محقق کرده است. اکنون بیش از ۸۰ درصد هندو مذهب، در کنار بیش از میلیون‌ها مسلمان (حدود ۱۳/۵ درصد) و اقوام دیگر با ۱۸ زبان و ۱۶۵۲ گویش گوناگون، در سراسر هند وجود دارند.

ویژگی‌های فرهنگی مردم این کشور بزرگ، مانند: تواضع و فروتنی، خودباوری و باور عملی به توان بومی، تلاش برای گسترش شادی و نشاط و آرامش عمومی، به‌پا دادن به نقاط مشترک و حفظ وحدت ملی، سبب شده است تا حاکمان بتوانند از تنش‌های قومی، مذهبی و زبانی موجود بکاهد و این کشور وسیع را، با تنوع بسیار حفظ کنند و در زمره چند کشور پیشرفته و توسعه‌یافته جهان قرار دهند. آنان با سیاست‌گذاری صحیح، موفق شدند «واگرایی فرهنگی» را به «هم‌گرایی فرهنگی» تبدیل کنند.



بیشتر بدانید

## تنوع فرهنگی، فرصت یا تهدید؟

هویت ملی ما ایرانیان، ترکیبی از مجموع هویت‌های دینی، ملی و قومی است که به عنوان یک هویت واحد و منسجم و یک «فرصت»، فراروی جامعه قرار دارد و بقای فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی را در برابر جریان جهانی‌سازی تضمین می‌کند. این تنوع فرهنگی، ظرفیت‌های بالای انسانی و سرمایه‌ها و ثروت‌های فراوان فکری و معنوی را برای کشور به وجود آورده است که در صورت هوشیاری و مدیریت صحیح، می‌تواند زمینه رشد و تعالی کشور را فراهم آورد.



▲ اقوام، زنان و پیروان مذاهب مختلف در صحنه دفاع مقدس

«یکسان‌سازی» فرهنگی و نادیده گرفتن تفاوت‌ها، باعث نارضایتی فرهنگ‌های محلی و قومی می‌شود و انسجام ملی را آسیب‌پذیر می‌سازد. نگاه فرصتی به تنوع فرهنگی در کشور، و تأکید بر وجوه مشترک ملی، در عین توجه به تفاوت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی (الگوی وحدت در کثرت)، راهبردی است که در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات و سیاست‌های کلی مورد توجه بوده است. این رویکرد، باعث تقویت انسجام فرهنگی و استمرار پیوستگی فرهنگی است.

بی‌توجهی به اقتضائات حفظ وحدت و انسجام ملی و تأکید بر تفاوت‌ها و تنوع‌ها، می‌تواند تنوع فرهنگی را به تهدید تبدیل کند، چنان‌که برخی از دولت‌های ملی در سایر کشورهای چند فرهنگی، در دو قرن گذشته، هر چند به شکلی محدود، با چالش‌های قومی، مذهبی، منطقه‌ای روبه‌رو بوده‌اند و سرمایه‌ها و امکانات مادی و معنوی آنها، در اثر جنگ‌ها و اختلافات درونی، از بین رفته است.

### بررسی و گفتگو کنید



به نظر شما، چگونه وحدت ملی و انسجام فرهنگی را حفظ و تقویت کرده و با عوامل تفرقه‌انگیز داخلی و خارجی مبارزه کنیم؟





## برای تقویت انسجام فرهنگی، چه باید بکنیم؟

هرچند تفاوت و تمایز بین انسان‌ها و اقوام، جزء جدایی‌ناپذیر حیات فردی و اجتماعی نوع انسان است، اما برای کاهش نسبی تفاوت‌ها و تقویت نقاط مشترک برای تحقق وحدت و یکپارچگی، با استفاده از الگوی «وحدت در کثرت» باید به تقویت ارزش‌های مشترک، احساسات مشترک و دل‌بستگی به نمادهای ملی پرداخت. رعایت موارد زیر توسط هر یک از ما می‌تواند به تقویت وحدت ملی و انسجام فرهنگی کمک کند:

- ۱- التزام به قانون اساسی به عنوان میثاق ملی و تلاش برای گسترش، ترویج و عملیاتی شدن آن
- ۲- آشنایی با زبان، ادبیات و خط فارسی و صیانت از آنها، به‌ویژه در فضای مجازی
- ۳- شناخت دقیق و عمیق معارف اسلامی به‌عنوان محور وحدت‌آفرین با تأکید بر نقش قرآن کریم و جایگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در جهان اسلام و پرهیز از فرقه‌گرایی مذهبی
- ۴- پاسداری مشاهیر و مفاخر فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، ادبی، علمی، مذهبی و ملی
- ۵- تکریم شخصیت‌ها و مفاخر قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها
- ۶- احترام و بزرگداشت پرچم و سرود جمهوری اسلامی ایران و افتخار به سایر نمادهای وحدت‌آفرین ملی (مانند کوه دماوند، برج میلاد)
- ۷- تقویت احساس میهن‌دوستی و هوشیاری نسبت به برنامه‌ها و طرح‌های تفرقه‌انگیز دشمنان
- ۸- احترام به آداب و رسوم اقوام و گروه‌ها و جلوگیری از تضعیف و تمسخر آنها به‌ویژه در فضای مجازی

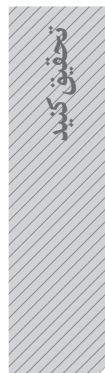


▲ کوه دماوند، نماد سربلندی و شکوه

- ۹- گسترش عدالت اقتصادی و اجتماعی و جلوگیری از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی
- ۱۰- بزرگداشت و تکریم مراسم و آداب و رسوم ملی مانند عید نوروز، ۲۲ بهمن
- ۱۱- تقویت و پاسداشت مراسم دینی و مذهبی به ویژه عزاداری عاشورای حسینی به همراه آداب و رسوم مذهبی اقوام و گروه‌ها و حفظ اصالت آنها و جلوگیری از رسوم خرافی و تفرقه‌انگیز
- ۱۲- انتشار ویژگی‌های مثبت هویت ملی ما ایرانیان و جلوگیری از نشر خلیقات منفی درباره ایرانیان به ویژه در فضای مجازی
- ۱۳- سفر به استان‌های مختلف کشور و گسترش ایرانگردی و آشنایی با جغرافیای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و طبیعی استان‌ها

### بررسی کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید:

- ۱- به اعتقاد کارشناسان، یکی از روش‌های تقویت وحدت ملی و انسجام فرهنگی و رفع اختلاف بین افراد، گروه‌ها و اقوام، مهارت «گفت‌وگو» کردن است که در آن، احساسات، افکار و اعمال به هم نزدیک شده و همدلی و هم‌گرایی ایجاد می‌شود. به نظر شما، «مهارت‌های گفتگو» کدام‌اند؟ گفتگوهای موفق از چه اصول و ضوابطی تبعیت می‌کنند؟
- ۲- آیه شریفه «فَيُبَشِّرُ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ - سوره زمر. آیه ۱۷» حاوی چه پیام‌ها و اصولی برای تقویت انسجام و پیوستگی فرهنگی است؟





## ◆ هویت فرهنگی

ویژگی‌های فرهنگ ایرانی کدام‌اند؟ چه ویژگی‌هایی، فرهنگ ایرانی را از فرهنگ سایر کشورها و ملت‌ها جدا می‌سازد؟ کدام بخش از این ویژگی‌ها، در زمره خصلت‌های اخلاقی و منش‌های روحی ما ایرانیان است؟

هر فرهنگ، ویژگی‌ها و خصوصیت‌هایی دارد که آن را از دیگر فرهنگ‌ها متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها در همه حوزه‌ها و بخش‌های زندگی مردم یک جامعه حضور دارد و سبک زندگی آنان و کنش‌های فردی و اجتماعی ایشان را متأثر می‌سازد. از این ویژگی‌ها تحت عنوان «هویت فرهنگی» یاد می‌شود.



«هویت فرهنگی» یک جامعه، مجموعه‌ای از ویژگی‌های اساسی و بنیادی است که در طول تاریخ شکل گرفته و به واسطه آنها، مردم یک جامعه، «خود» را شناخته، معرفی کرده و از «دیگران» متمایز می‌کنند. «هویت فرهنگی» تمام سطوح و لایه‌های فرهنگ را در برمی‌گیرد و شامل فرهنگ محسوس و فرهنگ غیر محسوس می‌شود. ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه، در طول زمان شکل گرفته و استمرار می‌یابند. هویت فرهنگی دارای دو بعد اصلی است:

الف) وجوه مشترک فرهنگی افراد جامعه: روح جمعی حاکم بر یک جامعه که افراد آنها را پذیرفته و در زندگی فردی و اجتماعی خویش، متجلی می‌سازند.

ب) وجوه متفاوت و متمایز فرهنگ جامعه از سایر جوامع: ویژگی‌های فرهنگی که باعث تشخص و جدایی یک جامعه از جوامع دیگر می‌شود.

### «مسئله» زیر را تجزیه و تحلیل کرده و درباره نتیجه آن در کلاس گفتگو کنید:

چرا برخی از مستشرقان غربی و نویسندگان داخلی، اکثر ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان را «سیاه» و «منفی» معرفی می‌کنند؟ آثار و پیامدهای این «سیاه‌نمایی» چیست؟ آیا ملتی که سابقه فرهنگی چند هزار ساله دارد، می‌تواند فاقد ویژگی‌های مثبت و ارزشمند فرهنگی باشد؟

### ♦ ویژگی‌های فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی، همانند فرهنگ سایر ملت‌ها، در طول زمان، تغییرات و تحولاتی را تجربه کرده است و ارزش‌ها و هنجارهای آن، فرازها و فرودهایی داشته است، اما توانسته است «هویت فرهنگی» خویش را حفظ کند و با تکیه بر این هویت و ویژگی‌ها، از «تداوم و پیوستگی فرهنگی» و «انسجام فرهنگی» برخوردار باشد. همین ویژگی‌ها، «فرهنگ ایرانی» را از فرهنگ اروپایی، آفریقایی، یونانی و... متمایز ساخته و بیانگر هویت و شخصیت ملت ایران در طول تاریخ است. برخی از ویژگی‌ها و عناصر محوری فرهنگی، که نشانگر «هویت فرهنگی ما ایرانیان» است و نسل به نسل منتقل شده و امروز به دست «ما» رسیده است، عبارت‌اند از:

## ۱- توحید و معنویت گرایی:

فرهنگ ایرانی از دیرباز (قبل و بعد از ورود اسلام به ایران)، گرایش قوی به امور معنوی، الهی و دینی داشته است. ایرانیان از گذشته‌های بسیار دور، بر اساس فطرت و سرشت الهی خویش، به خداوند اعتقاد داشته و آن را می‌پرستیدند. آنها با وجود داشتن برخی باورهای خرافی و اساطیری (مانند پرستش الهه‌های آب، آتش، باران و...) در پاره‌ای محدود از تاریخ فرهنگی، مشرک یا کافر نبوده‌اند و نوعی وحدانیت در اندیشه و آیین‌شان وجود داشته است. در ایران همواره دین، نقش اساسی در جامعه داشته و ایرانیان زندگی و امور جاری خود را با اصول دینی و معنوی هماهنگ می‌کردند. این در حالی است که در بین سایر اقوام و بسیاری از فرهنگ‌ها، خدایان متعدد پرستش می‌شده است و یا آنکه خدایان آنها، فاقد معنویت توحیدی بوده‌اند. با پذیرش آزادانه و داوطلبانه اسلام توسط نیاکان ما، این ویژگی فطری و الهی تقویت شد و اعتقاد به خدای واحد، معاد و جهان آخرت با گسترده‌گی و عمق بیشتری ادامه یافت و در تمام زوایای فرهنگ ایران، و مجموعه باورها، آداب و رسوم ایرانیان جریان پیدا کرد.

## ۲- محبت و احترام به پیامبر و اهل بیت ایشان:

اکثر نیاکان ما ایرانیان، پس از پذیرش اسلام و آشنایی با اولیای این دین الهی، با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خویش و روحیاتی مانند عدالت خواهی، عقلانیت و ظلم ستیزی، به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان بزرگوار ایشان ارادت خاص داشته و خود را از دوستداران و پیروان معصومین علیهم السلام می‌دانستند. آنان به روش و سیره ائمه اطهار علیهم السلام علاقه‌مند بوده و روح فرهنگ خود را در پیوندی ناگسستنی با ایشان می‌دیدند. تمام اقوام و گروه‌های ایرانی، اعم از آذری، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب، و...، احترام ویژه‌ای برای امام علی علیه السلام قائل هستند. همچنین به امام حسین علیه السلام، (سیدالشهدا) و حادثه کربلا به عنوان یک واقعه مهم و عبرت‌آموز می‌نگرند. تمام ایرانیان از هر دین و مذهب، همه ساله در ایام محرم به سوگ می‌نشینند. گویی فرهنگ ایرانی با فرهنگ نبوی و علوی و فرهنگ عاشورا گره خورده است. مفهوم شهادت و جهاد در راه عقیده با الهام از حادثه کربلا، به یکی از عناصر اصیل فرهنگ ایرانی تبدیل شده و در طول تاریخ، باعث پایداری و ماندگاری ایران بوده است. علاوه بر آن، زیارت مرقد مطهر حضرت امام رضا علیه السلام و سایر امامزادگان، یک امر رایج در میان مردم ایران و نشانگر محبت و احترام آنان به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

### بررسی کنید



برگزاری مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در کشور با شرکت نمایندگان کدام کشورها برگزار می‌شود و این حرکت فرهنگی، چه تأثیری در همگرایی و وحدت جهان اسلام دارد؟





### ۳- نوع دوستی و زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران:

نیاکان ما ایرانیان، ملتی نوع دوست بوده‌اند و زندگی مهربانانه و مسالمت‌آمیز با دیگر اقوام و جوامع را برای خود ارزش می‌دانستند. به جز چند مورد محدود، حکومت‌ها در ایران، کمتر به فکر خشونت و تعدی به همسایگان بوده‌اند و در جنگ با دیگران نیز ارزش‌های انسانی را رعایت می‌کرده‌اند.

نمونه‌های بارز این نوع دوستی را در جنگ‌های کوروش و داریوش، از پادشاهان هخامنشی، و روش برخورد با اسیران

و کشورهای مغلوب و نیز با همسایگان می‌توان مشاهده کرد. حتی زمانی که مردم ایران، تحت هجوم کشورهای دیگر قرار می‌گرفتند، با روحیه بالای جهاد، ایثار و وطن دوستی خویش، و با رعایت اصول و ارزش‌های انسانی، سعی در دفع هجوم دشمنان داشته‌اند و مهاجمان را تحت تأثیر فرهنگ قوی خود قرار می‌داده‌اند.



منشور کوروش

### ۴- سازگاری و وحدت‌گرایی:

جامعه و فرهنگ ایران، جامعه‌ای متنوع و متکثر است و در هر نقطه از این کشور بزرگ، گروهی با فرهنگ و آداب و رسوم مخصوص خود زندگی می‌کنند. علی‌رغم این تفاوت‌ها و تمایزها، اقوام ایرانی، در طول سالیان دراز، زندگی مسالمت‌آمیز و وحدت‌گرا با هم داشته‌اند.

هریک از اقوام ایرانی، در طول تاریخ، چند بار اداره حکومت و دولت را برعهده گرفته‌اند و برای حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی و اعتلای کشور جان‌فشانی کرده‌اند. آنان، تلاش برخی از گروه‌ها را که سعی در واگرایی و از بین بردن وحدت ملی و انسجام فرهنگی داشته‌اند، خنثی نمودند. این وحدت و هم‌گرایی در دهه‌های اخیر، با حضور رزمندگان افتخارآمیز از اقوام و مذاهب مختلف در کنار هم و در دوران دفاع مقدس، باعث سربلندی و پایداری ایران شده است.

#### کارگروهی

زندگی چند نفر از سرداران نام‌آور دفاع مقدس از اقوام و مذاهب مختلف را مطالعه و نقش آنان را در وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور بررسی کنید و نتیجه یافته‌های خود را در کلاس درس ارائه کنید.



## ۵- برخورداری از ذوق بالای ادبی و هنری:

وجه باطنی فرهنگ، در هنر و ادبیات متجلی می‌شود و ایرانیان، همانند برخی از ملت‌ها، ملتی ادب‌پرور و هنردوست هستند و فرصت بروز استعداد های هنری و ادبی خویش را داشته‌اند. ویژگی ذاتی هنر و ادب، بهره جستن از نیروی خلاق خیال و عقل است که در قالب محسوس ارائه می‌شود. زبان شیرین فارسی، یکی از ویژگی‌ها و عناصر هویتی فرهنگ ایرانی به شمار می‌آید. این زبان طی بیش از هزار سال، دستخوش تغییر اندکی شده است، به نحوی که ما هم‌اکنون پیام‌ها و محتوای اشعار شاعران قدیم، مانند رودکی، حافظ، مولوی، نظامی، سعدی و فردوسی را به سهولت و راحتی درک می‌کنیم. ادبیات و اشعار فارسی تنها وسیله ارتباط نیستند، بلکه شعر فارسی، وسیله بروز تفکرات پیچیده فلسفی و



▲ مقبره حافظ - شیراز



▲ مقبره سعدی - شیراز

عرفانی است و شاعران ایرانی در زمره حکیمان و اندیشه‌ورزان بزرگ زمان خود بوده‌اند. این زبان، وسیله اتصال و ارتباط همه خرده فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی و عنصر وحدت آفرین و انسجام بخش ملی بوده است. هنر ایرانی، همچون هنر برخی از اقوام و ملت‌های هنردوست و هنرپرور دیگر، در رشته‌های مختلف (نظیر معماری، هنرهای دستی، موسیقی، هنرهای تجسمی و...) چون ستاره‌ای درخشان در آسمان فرهنگ بشری می‌درخشد و علاقه‌مندان بسیاری را در طول تاریخ و از سرزمین‌های مختلف، به خود جلب کرده و به تحسین واداشته است. اعجاب معماری ایرانی در طراحی و ساخت تخت جمشید، بادگیرها، مسجد امام اصفهان، بازار وکیل، مسجد ارگ تبریز، چغازنبیل، حرم امام رضا (ع) و... زیانزد عام و خاص است.

### نمونه بیاورد

آیا در شهر و استان شما، موزه، ابنیه تاریخی، صنایع دستی و... وجود دارد؟ در صورت وجود داشتن، ضمن بازدید از آنها، با تهیه عکس و فیلم و گزارش، اهمیت و ارزش آن را در کلاس بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

ایران از نظر صنایع دستی، کشوری ریشه‌دار و کهن است. کاوش‌های باستان‌شناسی، حکایت از به هم پیوستگی صنایع دستی در ایران دارد. سفالینه‌های لعاب‌دار و ساخت چرخ سفالگری، در هزاره‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد، ثبت شده است. روح هنرمندی و پیوستگی تاریخی در این صنایع، به گونه‌ای است که هر ناظر داخلی و گردشگر خارجی را در نقوش و ظرافت خود غرق می‌کند. «گیرشمن» ساخت ارابه‌های چهار چرخ، پرورش اسب، معماری طاق‌های هلالی



گنبدی شکل را از اختراعات ایرانیان می‌داند که توسط ایلامی‌ها به سومر و از آنجا به دیگر نقاط جهان رفته و رواج یافته است. کشف فلز و ذوب آن و مراحل فلز کاری به هزاره چهارم پیش از میلاد در تپه چایونو در فلات مرکزی و تپه قبرستان در قزوین و همچنین در تل ابلیس استان کرمان و سیلک کاشان و اختراع مفرغ توسط ایرانیان در مناطقی از زاگرس می‌رسد. صنعتگران، با ذوب مس و ریختن آن در قالب‌ها، ابزارها و ادوات متعدد، مانند تبر، چکش، تیغ خنجر، سوزن، سنجاق و قلم تولید می‌کردند و آنها را جایگزین انواع مشابه سنگی یا استخوانی می‌کردند.<sup>۱</sup>

## ۶- خانواده‌گرایی:

در فرهنگ ایرانی، خانواده دوستی، یک ارزش و فضیلت محسوب می‌شده است. ایرانیان، مانند برخی از اقوام دیگر، به خانواده و اصول اخلاقی حاکم در آن، توجه داشته و به مسئله تعلیم و تربیت فرزندان اهتمام داشته‌اند. در طول تاریخ، در پی تهاجم دشمنان، حکومت و دولت در ایران، بارها از بین رفته است، اما هیچ‌گاه ارزش و جایگاه خانواده در ایران تضعیف نشده است و رمز ماندگاری فرهنگ و هویت ایرانی، ماندگاری خانواده ایرانی، به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماع بوده است.

زن ایرانی، همواره مظهر عفت و پاکدامنی و شایسته نقش مادری بوده و محور و اساس خانواده ایرانی به شمار می‌آمده است. آنان از هزاران سال پیش، مقید به پوشش مناسب بوده و مردان ایرانی نیز غیرتمند بوده‌اند. در فرهنگ ایرانی، زن، مظهر عفاف و پوشیدگی است، به همین دلیل در آثار باستانی، از جمله تخت جمشید، زن ایرانی، پوشیده و با عفاف به تصویر کشیده شده است. مراسم خواستگاری، نامزدی، ازدواج، از آداب و سنت‌های ایرانی بوده و دختران و پسران ایرانی، زندگی خود را با ازدواج تکمیل شده می‌دانند. امروزه نیز، ما ایرانیان، با الهام از تعالیم اسلام، به خانواده، پاکدامنی و عفت و رعایت دقیق آداب و رسوم ازدواج، علاقه‌مند و وفاداریم و در برابر امواج سهمگین مدرنیته و فرهنگ غربی، مقاومت می‌کنیم. همچنین در مجموعه خانوادگی، احترام به والدین، بزرگسالان و بزرگان فامیل و جامعه، مهمان‌نوازی و سفره‌آرایی در میان ما ایرانیان رایج بوده و مورد توجه است.

## ۷- سازگاری با محیط زیست:

نیاکان ما، به خوبی قدر طبیعت و مواهب آن را می‌دانسته‌اند. به آب، خاک، خورشید، هوا، درخت و حیوانات احترام می‌گذاشتند. آنها چون در سرزمین کم‌آب زندگی می‌کردند، راه‌های مختلف به دست آوردن آب و انتقال آن را پیدا کرده بودند. قنات، سدسازی، بندهای انحرافی و نهرها از مهم‌ترین روش‌های استفاده بهینه از نعمت آب بوده است. ایرانیان به درستی راه و روش زندگی از



۱- کتاب «ایران میناتور جهان» تألیف: دکتر سیداحمد طباطبایی

مناطق کوبری، کوهستانی، جنگلی و ساحلی را فرا گرفته و طی صدها سال، خود را در مقابل حوادث طبیعی ایمن کرده بودند. این هوشمندی در ساخت و ساز ساختمان‌ها، نوع پوشش و سبک زندگی آنان و متناسب بودن آنها با شرایط محیطی، به خوبی در جای جای کشور مشهود است. در فرهنگ اسلامی، طبیعت به عنوان آیت و نشانه الهی و نعمت خداوندی می‌باشد و نمی‌توان به هر شکل و به هر میزان از آن استفاده کرده و یا آن را تخریب نمود.

### «مسئله» زیربررسی و تجزیه و تحلیل کنید:

چرا علی‌رغم پیشینه فرهنگی مثبت در حوزه محیط زیست، امروزه، اخلاق زیست‌محیطی و فرهنگ حفاظت از محیط زیست و تمیز نگهداشتن محیط زندگی (مانند کوچه‌ها، خیابان‌ها، مسیر کوه پیمایی، ساحل دریا و...)، در جامعه ما ضعیف شده است؟ برای حل این «مسئله فرهنگی و اجتماعی» چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌کنید؟ همان گونه که دانش‌آموزان زاپنی، مسئولیت نظافت کلاس، حیاط مدرسه و محیط اطراف مدرسه را، خود بر عهده دارند، آیا شما هم می‌توانید با برنامه‌ریزی از نظافت کلاس و مدرسه خودتان آغاز کنید؟

## ۸- فتوت:



فتوت، به معنای جوانمردی و ترجیح دادن دیگران بر خود، میراث گران‌بهایی از فرهنگ اسلامی-ایرانی ماست که در روزگار بحرانی جامعه ایران، به قوام و انسجام ملت ما کمک رسانده و آن را تداوم بخشیده است. روحیه فتوت و جوانمردی، به عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگی ایران باستان، در دوران اسلامی، با الهام از معارف قرآنی و تأسی به روش زندگانی امام علی (علیه السلام)، در بین ایرانیان نهادینه شد و تا قرن‌ها، جوانان و پهلوانان ایرانی در اصناف و پیشینه‌های مختلف، روحیه جوانمردی و مردانگی را در دفاع از مظلومان و محرومان بروز می‌داده‌اند.

فتوت و عزت نفس، از ویژگی‌های فرهنگ ما ایرانیان است که تجلی آن را در آداب و رسوم پهلوانی و ورزش باستانی می‌توان مشاهده کرد. صفاتی مانند: دلاوری، شجاعت، بخشش، زبان کسی را به سود خود نخواستن، بدی نکردن، امانت‌دار بودن، مهمان نواز بودن، فدا شدن در راه وطن و گذشتن از خویش برای دفاع از میهن، از ویژگی‌های «فتیان»، «عیاران»، «پهلوانان» و «جوانمردان» است که این صفات را در خود پرورش می‌دادند. داستان زندگانی قهرمانانی مانند «آرش کمانگیر»، «سیاوش در شاهنامه»، پوریای ولی، شهید همت، شهید حججی و از گذشته‌های دور تا کنون، بیانگر روحیات جوانمردی در بین ما ایرانیان است که سرگذشت آنان در «فتوت نامه‌ها» و کتاب‌های تاریخی ثبت شده است.

«تاریخ تمدن» خود، پارسیان را، در درستی استوار می‌بیند و آنان را افرادی مهمان نواز و بخشنده معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

جوانمردی و راستی پیشه کن همه نیکویی اندر اندیشه کن

روحیه فتوت در عیاران و نیز روحیه جوانمردی در زندگی جهان پهلوان تختی به‌ویژه مسابقه او با الکساندر مدودی در فینال مسابقات کشتی ۱۹۶۲ تولیدور بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.



## ۹- آرمان خواهی واقع‌نگر:



ایرانیان طی قرن‌ها زندگی و تشکیل انواع حکومت، به دنبال آرمان‌های بلند همچون برقراری عدالت، آزادی، ظلم‌ستیزی و حرکت به سوی تشکیل جامعه به دور از ظلم، فساد و تبعیض بوده‌اند. ایده تأسیس یک نظام جهانی، عادل، سالم و انسانی که تحت تأثیر اندیشه مهدویت و تشکیل حکومت جهانی امام زمان علیه السلام بوده، همواره در روح و روان ایرانیان حضور داشته و دارد. البته این آرمان‌گرایی، هیچگاه با روش‌های خشونت‌آمیز غیرعقلانه و تجاوز به دیگران دنبال نشده، بلکه با میانه‌روی و صلح‌دوستی توأم و آمیخته بوده است.



من وقتی در باب گذشته ایران تأمل می‌کنم، از اینکه ایرانی‌ها دنیا را به نام دین یا به نام آزادی به آتش و خون نکشیده‌اند، از اینکه مردم سرزمین‌های فتح شده را قتل عام نکرده‌اند و دشمنان خود را گروه‌گروه به اسارت نبرده‌اند، از اینکه در روزگار قدیم یونانی‌های مطرود را پناه داده‌اند؛ آرامنه را در داخل خانه خویش پذیرفته‌اند؛ جهودان و پیغمبرانشان را از

اسارت بابل نجات داده‌اند؛ از اینکه در قرن‌های گذشته جنگ صلیبی بر ضد دنیا راه نینداخته‌اند و محکمه تفتیش عقاید درست نکرده‌اند؛ از اینکه ماجرای سن بار تلمی نداشته‌اند و با گیوتین سر مخالفان را درو نکرده‌اند؛ از اینکه جنگ گلاادیاتورها و بازی‌های خونین با گاو خشم‌آگین را وسیله تفریح نشمرده‌اند؛ از اینکه سرخ‌پوست‌ها را ریشه‌کن نکرده‌اند و بوئر‌ها را به مرز نابودی نکشانیده‌اند؛ از اینکه برای آزار مخالفان ماشین‌های شیطانی شکنجه اختراع نکرده‌اند و اگر هم بعضی عقوبت‌های هولناک در بین مجازات‌ها و... بوده، آن را همواره به چشم یک پدیده اهریمنی نگرسته‌اند، و از اینکه روی هم رفته ایرانی‌ها به اندازه سایر اقوام کهنسال دنیا، نقطه ضعف اخلاقی نشان نداده‌اند، احساس آرامش و غرور می‌کنم.

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، ایران‌شناس و تاریخ‌شناس برجسته معاصر



برخی از محققان، جهانگردان و ایران شناسان، در کنار ویژگی‌ها و صفات مثبت فرهنگ ما ایرانیان، به بعضی از صفات منفی و ناپسند ما هم اشاره کرده و سعی در بزرگ‌نمایی آنها داشته‌اند؛ صفاتی مانند: ضعف فرهنگ کارگروهی، عدم انتقادپذیری، احساساتی بودن، بیگانه هراسی، تملق و دورویی، دروغ‌گویی، مصرف‌گرایی، خودخواهی و خودمداری و فردگرایی. هرچند تعدادی از این خلق و خواه، عادات و روحیات، در برخی از ما ایرانیان وجود دارد، اما اصالت فرهنگ ایرانی، نباید به این صفات فرو کاسته شود و به روحیه منفی‌گرایی - که خواسته دشمنان ایران است - دامن زده شود، بلکه باید به‌عنوان یک فرد ایرانی، برای پالایش و اصلاح خلق و خویهای منفی مذکور اقدام کنیم.

اگر آن چنان که تعدادی از مستشرقان ادعا کرده‌اند، ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان، اکثراً منفی و غیراخلاقی است، این قوم و ملت نمی‌توانست چند هزار سال در تاریخ این سرزمین، دوام آورده و تمدن‌ساز و فرهنگ‌آفرین باشد. استمرار فرهنگی ما ایرانیان در طول هزاران سال، علی‌رغم حملات شدید سایر اقوام و تندبادهای فراوان سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، نشانگر صفات و ویژگی‌های مثبت، امیدبخش و افتخارآفرین است که این ملت را در برابر حوادث مقاوم و پابدار کرده است. این ویژگی‌ها را باید شناخت و از آنها صیانت کرد. رمز «تداوم و پیوستگی فرهنگی»، اصالت ارزش‌های فرهنگی و «خودباوری فرهنگی» است.

شعر «سفر به خاطر وطن» را حفظ کرده و  
به صورت سرود دسته جمعی اجرا کنید:  
ما برای آنکه ایران، خانه خوبان شود، رنج  
دوران برده‌ایم



## خودباوری فرهنگی

یکی از پیام‌های بنیادین حضرت امام خمینی علیه السلام و از دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در حوزه فکر و اندیشه، طرح شعارهایی نظیر «همه با هم» و «ما می‌توانیم» و از بین بردن روحیه «خودباختگی» و ایجاد «خودباوری» فرهنگی در جامعه ایران بوده است.

خودباوری فرهنگی به معنای شناخت فرهنگ خودی و ارزشمند دانستن عناصر و مؤلفه‌های آن، به دور از خودبزرگ‌بینی، تعصب و غرور گمراه‌کننده است. این باور، موجب اعتمادبه‌نفس شده و زمینه بهره‌مندی از شایستگی‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خودی را فراهم می‌آورد.

برخی از مبلغان و مروجان فرهنگ غرب در ایران در سده گذشته، با الگوگیری از تجربه غربیان، درصدد بوده‌اند تا با تخریب و نابودی «میراث فرهنگی» ما ایرانیان و تضعیف روحیه «خودباوری» و گسترش منفی‌گرایی، زمینه مناسب برای پذیرش بی‌چون و چرای فرهنگ غرب را فراهم آورند و در نتیجه، فرهنگ

جدید و اندیشه انسان مدارانه آن را در جامعه خداباور ایران، حاکم نمایند. ملتی که بی هویت شد، گذشته خود فرهنگ بومی خویش را تحقیر می کند و از ارزش ها، هنجارها و نمادهای آن دوری می گزیند؛ فرهنگ بیگانه را بزرگ می پندارد و خود را محتاج آن احساس می کند و موفقیت خود و جامعه خویش را در پناه بردن به فرهنگ بیگانه و تشبه و تمسک به آن جستجو می کند.

ما ایرانیان، از یک سو، دارای پیشینه فرهنگی چند هزار ساله ایم و در برپایی و استمرار تمدن بشری و ساختن تمدن اسلامی، نقش آفرینی کرده ایم و هم اکنون، با انقلاب اسلامی، در صدد انتشار پیام عدالت، معنویت، عبودیت و انسانیت در جهان هستیم، و از سوی دیگر، در مواجهه نابرابر با نظام سلطه و امپریالیسم فرهنگی و رسانه ای قرار داریم، به همین دلیل، حفظ وحدت ملی و انسجام فرهنگی، خودباوری فرهنگی و باور به توانمندی ها و ویژگی های مثبت فرهنگی، در جامعه امروز ما، یک ضرورت اجتناب ناپذیر و یک رسالت ملی است.

### گفتگو کنید

«خود باوری فرهنگی»، چه نقشی در تداوم و پیوستگی فرهنگی دارد؟ دستاوردهای «خودباوری» جوانان ایرانی در عرصه فناوری های نوین (مانند فناوری اطلاعات، نانو تکنولوژی، زیست فناوری، انرژی هسته ای، سلول های بنیادین و...) را از منظر فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.

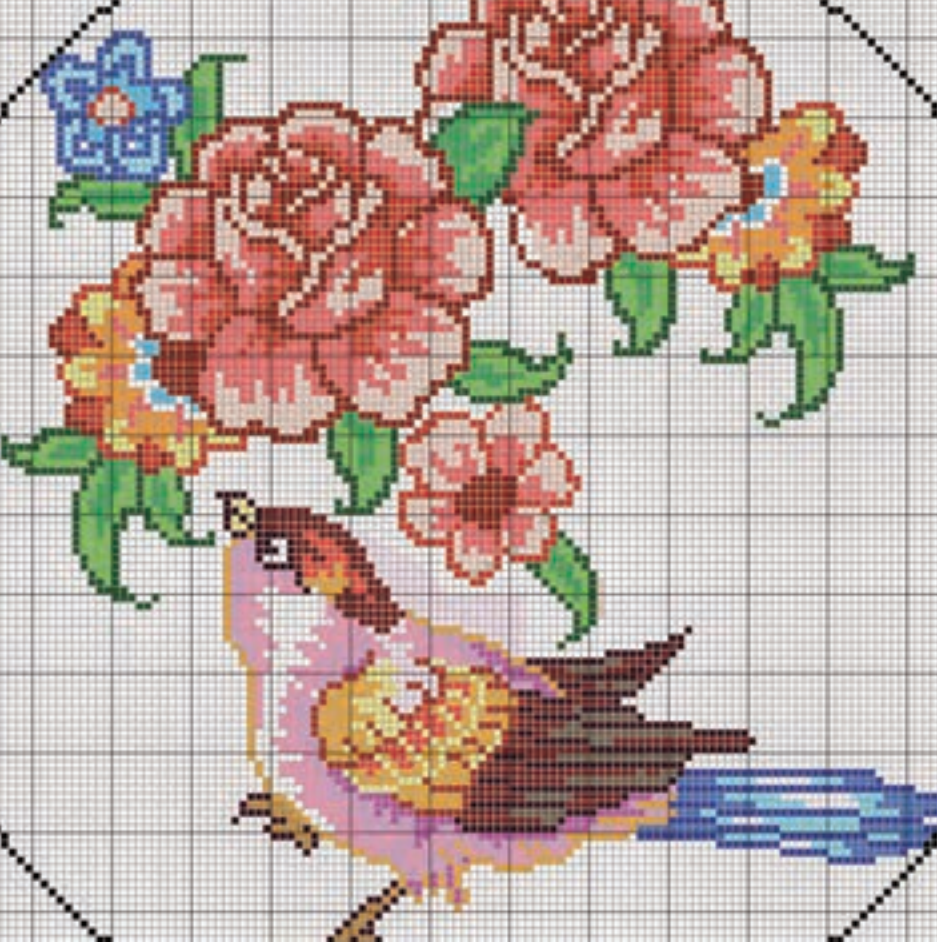




# مسائل فرهنگی ایران

فصل چهارم





## اهداف فصل چهارم

در پایان فصل، انتظار می‌رود دانش‌آموز:

- ۱- نقش فرهنگ را در دستیابی به پیشرفت اقتصادی تشریح نماید.
- ۲- با مشکلات فرهنگی در مسیر پیشرفت اقتصادی آشنا بوده و برای حل آنها راه‌حل ارائه دهد.
- ۳- ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی و فرهنگ مناسب آن را تبیین نماید.
- ۴- توانایی تشخیص مسائل اخلاقی جامعه را داشته باشد و در ارائه راه‌حل‌های فرهنگی برای حل آنها تلاش کند.
- ۵- مهارت تجزیه و تحلیل مسائل فرهنگی جامعه را کسب کند.
- ۶- خود را نسبت به فرهنگ جامعه مسئول دانسته و واکنش مناسب نسبت به تغییر و تحولات فرهنگی بروز دهد.





فرهنگ جامعه ما، به رغم ویژگی‌های مثبت و ظرفیت‌های فراوانی که دارد، با برخی کاستی‌ها و چالش‌ها روبه‌روست و از آنها رنج می‌برد. این ضعف‌ها و آسیب‌ها، در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بروز و ظهور دارند و توسط پژوهشگران و کارشناسان، مطالعه و احصا می‌شوند. امروزه، این موضوعات، به صورت «مسئله» خودنمایی می‌کنند و در صورت حل نشدن، به «آسیب»، «معضل» و «بحران» تبدیل خواهند شد.

## ♦ تأثیر توسعه اقتصادی بر فرهنگ

از نظر شما فرهنگ و اقتصاد چه رابطه‌ای با هم دارند؟ آیا در هر شرایط فرهنگی، پیشرفت اقتصادی اتفاق می‌افتد؟ فرهنگ اقتصادی ما ایرانیان، با چه مشکلات و آسیب‌هایی روبه‌رو است؟

در عصر حاضر برخی از کشورهای جهان پیشرفت اقتصادی چشمگیری داشته و توانسته‌اند سرمایه‌ها و درآمد کشور خود را به میزان زیادی افزایش دهند و از قدرت اقتصادی بالایی برخوردار باشند. به موازات این توسعه مادی و پیشرفت فناوریانه، دو مشکل بزرگ در صحنه جهانی به وجود آمده است: اولاً تخریب محیط‌زیست و



منابع طبیعی اتفاق افتاده است که روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود و زندگی بشر در این کره خاکی را تهدید می‌کند. ثانیاً شکاف طبقاتی بزرگی میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه نیافته پدید آمده و جهان را به دو قطب غنی و فقیر تبدیل کرده است.

علت پیدایش این دو بحران چیست؟ چرا توسعه اقتصادی چنین سرانجامی داشته است؟ آیا عوامل فرهنگی در پدید آمدن این وضع دخالت دارند؟ آن عوامل کدام‌اند؟

## ♦ وابستگی پیشرفت اقتصادی به فرهنگ

به نظر شما، پیشرفت و توسعه کشور به چه عواملی وابسته است؟ نقش «فرهنگ» در دستیابی به پیشرفت همه جانبه کدام است؟ باورها و نگرش‌های مردم، چه تأثیری می‌تواند بر فرایند پیشرفت مادی و معنوی کشور داشته باشد؟

انسان‌ها برای «خوب زیستن»، نیازمند برخورداری از شایستگی‌ها و مهارت‌ها و بهره‌مندی از منابع اقتصادی و مادی مناسب می‌باشند، فرد یا جامعه‌ای که دارای شرایط و رشد اقتصادی مناسب است، امکان بیشتر و بهتری برای تحقق اهداف و برنامه‌های خویش دارد، و بالعکس، فرد یا جامعه‌ای که فاقد حداقل‌های لازم برای تأمین نیازهای مادی و زیستی است، در تحقق اهداف خود در تمام حوزه‌ها و عرصه‌ها، با مشکل روبه‌رو می‌شود. در جامعه اسلامی که هدف اصلی آن، فراهم آوردن زمینه رشد اخلاق و معنویت و تعالی انسان و امت اسلامی است، اقتصاد به منزله ابزاری مهم باید در خدمت «خوب زیستن» افراد، آبادانی دنیا و ایجاد رفاه عادلانه قرار گیرد. از این رو، هنگامی که خداوند در قرآن کریم از خلقت انسان و زمین سخن می‌گوید، می‌فرماید: «او (خداوند) شما را از زمین آفرید و از شما می‌خواهد که به آبادانی آن بپردازید.»



بنابراین، آبادانی زمین (و نه تخریب آن) در زمره اهداف و اجزای فرهنگ دینی است. همچنین فرهنگ دینی، مردم را به مبارزه با فقر دعوت می کند و فقر را زمینه ساز دوری از دین معرفی می نماید. به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» فقر مادی می تواند زمینه ساز کفر و بی دینی باشد.

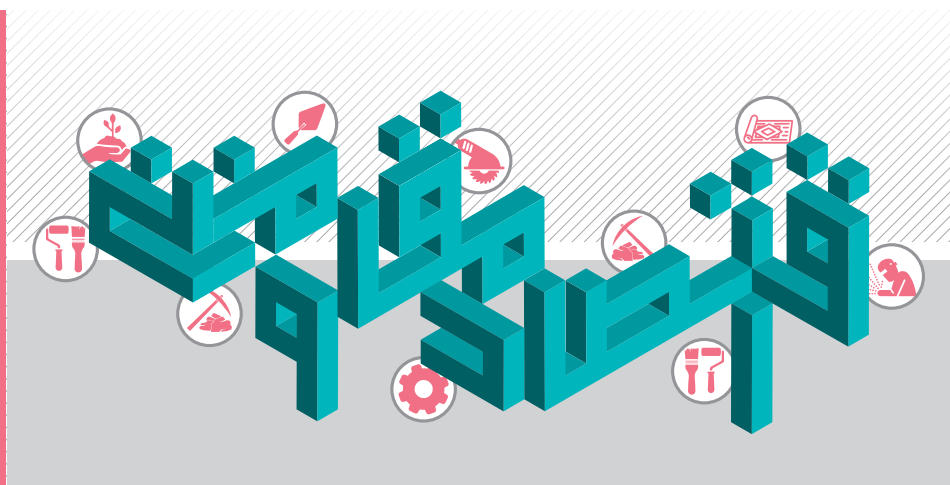
بررسی رابطه «فرهنگ» و «اقتصاد» و فراهم آوردن بسترهای فرهنگی مناسب برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی از اهمیت و ضرورت برخوردار است. تمام عناصر و عوامل اقتصادی، از جمله: افزایش تولید، ایجاد اشتغال، افزایش نرخ باسوادی، بهره مندی از نیروی کار توانمند و ماهر، کاهش مصرف، افزایش پس انداز، افزایش سرمایه گذاری، افزایش کیفیت تولیدات، مدیریت صادرات و واردات و ... به باورها، نگرش ها، شایستگی ها و کنش های افراد جامعه، و به تعبیر کلی تر، به «فرهنگ» وابسته می باشند و مردم براساس فرهنگ خود، رفتار اقتصادی نشان می دهند. اگر «فرهنگ اقتصادی» جامعه و باورها، نگرش ها و رفتارهای مردم، ارتقا پیدا کند، زمینه پیشرفت اقتصادی فراهم می آید و اگر فرهنگ مردم، پذیرای برنامه ها و تحولات اقتصادی نباشد، کسب موفقیت، امکان پذیر نخواهد بود.

### ♦ اقتصاد مقاومتی، نیازمند فرهنگ مقاومتی

دانش آموزان عزیز، حتماً عنوان «اقتصاد مقاومتی» را شنیده اید، به نظر شما فرهنگ چه نقشی در اقتصاد

مقاومتی دارد؟ اجرای این برنامه اقتصادی، به چه ویژگی های فرهنگی نیاز دارد؟

انقلاب اسلامی ایران در مسیر تحقق اهداف خود، با موانع درونی و بیرونی روبه رو است. یکی از موانعی که از سوی کشورهای سلطه گر برای بازدارندگی جامعه اسلامی به کار گرفته شده، طرح ها، برنامه ها و تحریم های اقتصادی است. متقابلاً از سوی سیاست گذاران و برنامه ریزان، برای حل مسائل و مشکلات اقتصادی و تأمین نیازهای مادی و معیشتی مردم و آبادانی کشور، سیاست های مختلفی اتخاذ شده است. یکی از این سیاست ها که برای دستیابی به پیشرفت و توسعه پایدار و همه جانبه و خنثی نمودن تحریم های اقتصادی، تدوین شده، سیاست



«اقتصاد مقاومتی» می‌باشد. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، با توجه به استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخایر و منابع غنی و متنوع کشور، بر خورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ، تدوین و توسط مقام معظم رهبری برای اجرا ابلاغ شده است. این مجموعه در ۲۴ بند، شامل راهبردها و تدابیر اقتصادی است.

به نظر شما منظور از اقتصاد مقاومتی چیست؟  
چه ضرورتی دارد که اقتصاد جامعه ما، مقاومتی شود؟



پیشرفت اقتصادی، بدون اتکا به قدرت‌های سلطه‌گر و متناسب با آرمان‌های ملی، آن هم در شرایط کنونی جهان، که اقتصاد کشورها به یکدیگر پیوسته است، اقدامی شجاعانه و در عین حال دشوار است و نیازمند تدبیر و برنامه‌ریزی دقیق و فرهنگ مناسب است، زیرا نظام سلطه، با هدف افزایش رشد اقتصادی خود و استفاده از منابع و بازار سایر کشورها، سعی در وابسته کردن اقتصاد کشورها را دارد. در چنین شرایطی، جامعه نیازمند باور به منابع و امکانات خود، و پایداری و مقاومت در برابر فشارها و تحریم‌های امپریالیسم اقتصادی است.

#### بررسی کنید



از مفاهیم اصلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، می‌توان به «اقتصاد دانش بنیان»، «کارآفرینی و مهارت‌آموزی»، «مردمی کردن اقتصاد»، «مشارکت‌پذیر کردن فرایند تولید و توزیع کالاها و خدمات»، «مصرف تولیدات داخلی توسط مردم و دولت»، و «افزایش بهره‌وری» اشاره کرد. مفاهیم فوق را بررسی کنید و ضمن بیان معنای هر کدام، توضیح دهید که این مفاهیم، چگونه می‌توانند اقتصاد ایران را مقاوم کنند و مانع آسیب‌پذیری آن باشند.





اجرای اثربخش «اقتصاد مقاومتی»، علاوه بر برنامه‌ریزی و اقدام دستگاه‌ها و نهادهای دولتی، نیازمند فرهنگ مناسب خود نیز می‌باشد تا در زمان کوتاه و با هزینه اندک، عملیاتی شود. فرهنگی که بتواند زمینه‌ها و شرایط تحقق اقتصاد مقاومتی را در جامعه فراهم آورد، به «فرهنگ مقاومتی» معروف است. فرهنگ مقاومتی که در باورها، ارزش‌ها و رفتارهای مردم متجلی می‌شود، دارای ویژگی‌های زیر است:

خودباوری و اعتماد به نیروها و منابع ملی، شجاعت در تصمیم‌گیری و اجراء سخت‌کوشی و پرکاری، مسئولیت‌پذیری در فرایند تولید و توزیع کالاها و خدمات، کارآفرینی و مخاطره‌پذیری، مبارزه با فساد و رانت‌خواری، رعایت نظم و قانون، خودباوری و تقویت علاقه‌مندی به وطن و مصرف کالاهای داخلی و مدیریت مصرف، تولید دانش و آینده‌اندیشی.

## ارزیابی



برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی، باید باورها و رفتارهای فردی و جمعی خاصی در مردم شکل بگیرد تا بستر فرهنگی مناسب آن فراهم آید. در جدول زیر برخی از ویژگی‌های فرهنگی پیشرفت اقتصادی نام برده شده است. با بررسی هر مورد، درجه اهمیت آنها را تعیین کنید.

درجه سوم	درجه دوم	درجه اول	باورها و رفتارها
			۱- روحیه کار، تلاش و سخت‌کوشی در جامعه و تکریم کار و کارگر
			۲- روحیه کارگروهی و خردجمعی
			۳- حمایت از خلاقیت و نوآوری در تولید خدمات و کالاها
			۴- نظم‌پذیری، انضباط و روحیه قانون‌گرایی در جامعه
			۵- فرهنگ کسب حلال و احترام گذاشتن به انباشت سرمایه مشروع و مولد
			۶- گسترش مهارت‌آموزی و حمایت از کارآفرینان
			۷- مهارت بازاریابی، فروش و مددور کالاها و خدمات
			۸- مدیریت بهینه مصرف و تقویت روحیه قناعت و پرهیز از اسراف و تبذیر
			۹- احساس امنیت اقتصادی و مبارزه با مفاسد اقتصادی
			۱۰- درس گرفتن از شکست‌ها و استفاده از تجربه دیگران
			۱۱- مقدم دانستن منافع جامعه بر منافع شخصی

## ♦ ضرورت اصلاح فرهنگ اقتصادی کشور

بررسی ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان نشان می‌دهد، برخی از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و خلیات ما، مناسب رشد و پیشرفت اقتصادی نیست. برای اینکه طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی، از جمله اقتصاد مقاومتی، صحیح و درست اجرا شوند، لازم است باورها و رفتارهای انسانی ما اصلاح شوند و فرهنگ مناسب پیشرفت در کشور شکل بگیرد. برخی از این اصلاحات، عبارت‌اند از:

### ۱- اصلاح الگوی مصرف

چرا میزان مصرف بسیاری از اقلام و کالاها در ایران بالاست؟ ریشه این «مسئله» فرهنگی چیست و برای درمان آن چه می‌توان کرد؟ جدول زیر نشان دهنده میزان مصرف برخی از اقلام و کالاها در ایران و برخی از کشورهای جهان است.

#### سرانه مصرف در ایران و جهان

نسبت	جهان	ایران	
ایران ۳ برابر جهان	۸۰۰	۲۵۰۰	<b>برق</b> سرانه مصرف سالیانه (کیلووات)
ایران ۲ برابر میانگین جهان	۱۵۰	۳۰۰	<b>آب</b> سرانه مصرف روزانه (لیتر)
ایران ۶ برابر میانگین جهان	۱۵	۹۰	<b>بنزین</b> سرانه مصرف روزانه (لیتر)
ایران ۳ برابر میانگین جهان	۶۰۰	۱۷۰۰	<b>گاز</b> سرانه مصرف سالیانه (مترمکعب)
ایران ۶ برابر میانگین جهان	۲۵	۱۶۰	<b>نان</b> سرانه مصرف سالیانه (کیلوگرم)
ایران یک سوم اروپا	۳۰۰	۹۰	<b>شیر</b> سرانه مصرف (کیلوگرم)
ایران ۴ برابر میانگین جهان	۱۰	۴۲	<b>نوشابه</b> سرانه مصرف (لیتر)
ایران حدود یک سوم جهان	۱۸	۷	<b>ماهی</b> سرانه مصرف سالیانه (کیلوگرم)
ایران ۴ برابر میانگین جهان	۱۰	۴۰	<b>زمان مکالمه با تلفن و تلفن همراه</b> سرانه زمان مکالمه روزانه (دقیقه)



▲ طبیعت قربانی مصرف‌گرایی



▲ ناآرامی روحی و روانی ارمغان فرهنگ تجمل

مصرف کردن، به معنای استفاده درست از کالاها و خدمات برای رفع نیازها و امیال انسانی است. در کنار پدیده مصرف، که یک امر طبیعی و عادی بوده و ادامه حیات انسانی به آن وابسته است، پدیده دیگری در برخی از افراد و جوامع وجود دارد که از آن، به «مصرف‌گرایی» تعبیر می‌شود. «مصرف‌گرایی» عبارت از میل و گرایش در افراد است، که براساس آن، افراد به دلایل مختلف، بیش از نیازهای واقعی خود، مصرف می‌کنند.

یکی از مشکلات پیش‌روی ما تأثیرپذیری از نظام اقتصادی سرمایه‌داری است که چرخه اقتصادی آن بر تولید انبوه و مصرف فراوان استوار است و شرکت‌های اقتصادی برای اینکه در رقابت با یکدیگر، بتوانند مشتری بیشتری جذب کنند، با استفاده از ظرفیت دستگاه‌های فرهنگی، آموزشی و رسانه‌ها، از انواع تبلیغات برای مصرف‌کالای خود استفاده می‌کنند. با توجه به محدود بودن جمعیت و بازار کشورهای سرمایه‌داری، آنها تبلیغات خود را متمرکز بر کشورهای دیگر کرده‌اند و ذائقه کشورهای دیگر را به سوی مصرف بیشتر سوق داده‌اند. ترویج «مدگرایی» و تقویت روحیه «تنوع‌خواهی» که منجر به افزایش مصرف واقعی و غیرواقعی می‌شود، در اولویت فعالیت دستگاه‌های تبلیغی قرار دارد.

با گسترش شبکه‌های اطلاع‌رسانی و تبلیغی، و نیز توسعه مراکز تولید و توزیع کالاها و خدمات تا دور افتاده‌ترین نقاط، و نیز توسعه شهرنشینی و تأسیس فروشگاه‌های بزرگ برای دسترسی آسان به کالاها و خدمات، مفاهیمی چون مدگرایی و مصرف‌گرایی، به عنوان «سبک زندگی نوین» مطرح شده و «هویت» افراد با میزان و نوع مصرف آنان، گره خورده است. علاوه بر این در بعضی از موارد، مصرف اجناس خارجی، یک ارزش و امتیاز اجتماعی قلمداد می‌شود.

جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، روان‌شناسان و صاحب‌نظران فرهنگی، پدیده «مصرف‌گرایی» را به عنوان یک «مسئله» و آسیب فرهنگی و بیماری اجتماعی در عصر حاضر، مورد نقد و بررسی قرار داده و تجزیه و تحلیل کرده‌اند و در تلاش‌اند برای درمان آن چاره‌اندیشی کنند.



### تجزیه و تحلیل کنید

شعر زیر را بررسی کرده و تأثیر پیام آن را بر تولید و مصرف کالاها و خدمات داخلی، تحلیل نمایید.

صد برابر فزون کند پایه

نعمت ما به چشم همسایه

مرغ همسایه غاز می‌بیند<sup>۱</sup>

چون به چشم نیاز می‌بیند

◆ پس از جنگ جهانی دوم، دولت انگلستان، مالیات بر واردات محصولات کشاورزی را افزایش داد، به طوری که محصولات وارداتی، توان رقابت با تولیدات داخلی را نداشتند. در چنین شرایطی، مردم انگلستان تعصب خاصی در مصرف کالاهای تولید داخلی داشتند.

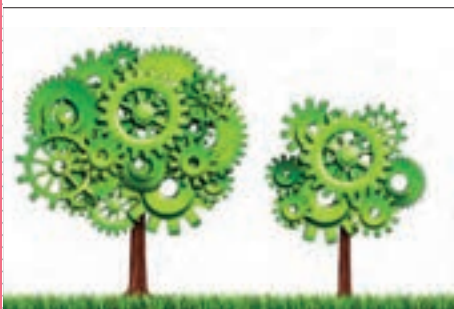
◆ پس از آنکه گاندی در هند، پارچه دستباف خود را بر تن کرد، چرخ ریسندگی نماد انقلاب مردم هند شد. بازرگانان هندی تمام پارچه‌های خارجی را به آتش کشیدند و در نتیجه، صنایع نساجی انگلستان که هند را مستعمره خود کرده بود ورشکسته شدند.



### میزگرد فرهنگی

با بررسی و تحقیق درباره آمار و ارقام جدول سرانه مصرف در ایران و جهان، میزگرد فرهنگی با راهنمایی دبیر محترم تشکیل داده و علل افزایش مصرف در ایران و روش‌های کاهش آن را، بحث و گفتگو کنید.

۱- رشید یاسمی به نقل از کتاب امثال و حکم دهخدا



## ۲- ارتقای فرهنگ کار

کار، بخشی مهم از زندگی انسان است که در پاسخ به نیازهای فردی و اجتماعی انجام می‌شود. کار، موتور حرکت نظام‌های اقتصادی است و نقش تعیین‌کننده در حیات اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد.

### ویل دورانت (۱۹۹۰):

«کار اولین رکن تمدن‌های بزرگی است که ما در تاریخ می‌شناسیم»

شما در آینده چه شغلی را انتخاب خواهید کرد؟ دلایل انتخاب این شغل کدام‌اند؟ گسترش این شغل، چه تأثیری در پیشرفت و تعالی جامعه دارد؟ توسعه فناوری‌های نوین، چه تأثیری بر اقتصاد و فرهنگ اقتصادی

و ایجاد مشاغل جدید بر جای خواهد گذاشت؟

«کار» به مجموعه تلاش‌های فکری و جسمی گفته می‌شود که هدف آن، تولید کالا و خدمات است. «فرهنگ کار»، مجموعه باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهایی است که مورد توافق افراد یک گروه بوده، مبنای تلاش و رفتار شغلی آنان قرار می‌گیرد و همراه تولید و یا ایجاد ارزش افزوده، می‌باشد. فرهنگ کار، شیوه زندگی افراد است که نقش بنیادی در ارتقای سطح پیشرفت و توسعه جامعه دارند و همانند هر موضوع فرهنگی دیگر، در فرایند اجتماعی شدن، توسط اعضای گروه پذیرفته و درونی می‌شود. همچنین فرهنگ کار، به تعیین دقیق وظایف و هنجارها در راستای تحقق اهداف سازمانی، ایجاد مهارت‌های شغلی، آموزش خلاق و کارآفرینی می‌پردازد. در بین عوامل مؤثر در تولید و پیشرفت اقتصادی، شایستگی‌ها و فرهنگ نیروی انسانی، نقش برجسته و تعیین‌کننده دارد. نیروی انسانی با انگیزه و مسئولیت‌پذیر، خلاق، دارای روحیه کار جمعی و گروهی، صبور، قانون‌پذیر، زمینه افزایش بازدهی منابع و رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد. او هم به «کار درست»، کار مفید و «اثربخشی» اعتقاد دارد و هم به «درست کار کردن» و «کارایی». چنین فردی، کار درست را انجام می‌دهد و در نتیجه موجب افزایش بهره‌وری و شکوفایی اقتصادی می‌شود.

با اینکه سابقه چند هزار ساله ما ایرانیان و تلاش نیاکان و اجداد ما برای آبادانی کشور و فائق آمدن بر حوادث طبیعی و مشکلات محیط زیست (مانند کم آبی و خشکسالی و نهادینه ساختن فرهنگ سخت کوشی و صبوری در مردم) باعث برپایی تمدن بزرگ در این سرزمین شد، اما امروزه فرهنگ کار در ایران، از برخی کاستی‌ها رنج می‌برد. از جمله اینکه با اتکا به درآمدهای نفتی، روحیه تلاش و کوشش در جامعه آسیب دیده، و در بین برخی از افراد، رسیدن به درآمدهای مالی، بدون سخت کوشی و از هر طریق و ترجیح منافع فردی بر منافع و مصالح ملی و عمومی، رواج پیدا کرده است.

در فرهنگ دینی ما، کار و تلاش، مانند مجاهدت در راه خدا، ارزشمند و مقدس است و علاوه بر کار کردها و دستاوردهای اقتصادی آن، به عنوان یک روش تربیتی و عبادی، موجب کمال انسان، رشد عقل و تقویت عزت نفس و فضائل اخلاقی می‌شود. در مقابل، بیکاری و کم کاری، سستی و تنبلی، تن پروری، سوءاستفاده از مال مردم و اموال عمومی، رفاه طلبی، فقر و تهیدستی خودساخته و سربار جامعه بودن زشت و مذموم شمرده شده است.

نهاد خانواده و نهادهای آموزشی و فرهنگی، می‌توانند فرهنگ مناسب برای ارتقای بهره‌وری در جامعه، نظیر ارزشمند شمردن کار و کارگر، تقویت کار گروهی، مبارزه با تنبلی و کم کاری، باور به کسب روزی حلال، تقویت روحیه خطرپذیری و توکل و کارآفرینی، مذموم دانستن بیکاری، تقبیح قاچاق، رشوه و رانت خواری و... را در بین نسل جوان تقویت نمایند.

### بررسی کنید

حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم راز منظر فرهنگ اقتصادی و با رویکرد فرهنگی، تجزیه و تحلیل نمایید.

قال الرسول صلی الله علیه و آله و سلم:

المؤمن قلیل المونه و کثیر المَعونه

مؤمن، هزینه و زحمتش اندک و کمک و یاریش بسیار است.

(بحار الانوار، ۶۷/۳۱۱)





### ۳- گسترش فرهنگ کارآفرینی

به نظر شما در آینده چه مشاغلی از رونق خواهند افتاد و چه مشاغلی رونق بیشتری پیدا خواهند کرد؟ ویژگی‌های فرهنگ کارآفرینانه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در دنیای پر رقابت امروز، پیشرفت و استقلال کشورها، تنها به سرمایه، امکانات مادی و فناوری وابسته نیست، بلکه به انسان‌های خلاق، توانمند و کارآفرین، نیاز است. لذا بیش از گذشته، بر تربیت «انسان خلاق و کارآمد» و بر گسترش و تقویت «کارآفرینی» در جامعه تأکید می‌شود. «کارآفرینی»، با رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی پیوند محکمی دارد و موفقیت اقتصادی در آینده و دستیابی به پیشرفت و توسعه پایدار نیازمند گسترش «کارآفرینی» و فرهنگ آن در جامعه است. «کارآفرینی»، فرایند خلق چیزی نو، از طریق برنامه‌ریزی و عقلانیت و با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات احتمالی، برای کسب منافع مادی و معنوی، رضایت شخصی و استقلال مالی می‌باشد. کارآفرین، کسی است که فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند. او دارای ایده نو و جدید است، با تلاش فراوان و قبول مخاطره، محصول یا خدمات جدیدی را به جامعه ارائه می‌دهد. از ویژگی‌های کارآفرینان، خلق فرصت‌های جدید شغلی و عدم اتکای صرف به دولت و مشاغل دولتی می‌باشد.

از جمله اموری که به گسترش و تقویت «فرهنگ کارآفرینی» کمک خواهد کرد، عبارت‌انداز: گسترش روحیه پرسشگری و خلاقیت، تقویت اعتماد به نفس و شهامت تصمیم‌گیری، حمایت مادی و معنوی از افراد نوآور و خلاق، کاهش هزینه‌های ریسک و مخاطره، اصلاح نظام‌های مالی و اداری حاکم در جامعه، رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها، فراهم آوردن امکان دسترسی آسان، برابر و سریع به اطلاعات، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان.

داگلاس نورث، برنده جایزه نوبل اقتصاد می‌گوید:



«اگر می‌خواهید بدانید کشوری توسعه می‌یابد یا نه، اصلاً سراغ فناوری، کارخانه و ابزاری که استفاده می‌کنند نروید، اینها را به راحتی می‌توان خرید و یا کپی کرد! برای دیدن توسعه، بروید دبستان‌ها و مراکز پیش‌دبستانی را ببینید که آنجا چگونه بچه‌ها را

آموزش می‌دهند! مهم نیست چه چیزی آموزش می‌دهند، ببینید چگونه آموزش می‌دهند. اگر کودکان شما را پرسشگر، خلاق، صبور، نظم‌پذیر، خطرپذیر، دارای روحیه گفت‌وگو و تعامل، دارای روحیه مشارکت جمعی و همکاری، بار می‌آورند، بدانید که این انسان‌ها، در آینده شخصیت‌هایی خواهند شد که جامعه را پیشرفت خواهند داد.»



درس دوم

## فرهنگ و اخلاق



به نظر شما رعایت موازین اخلاقی، چه تأثیری در انسجام و پایداری جامعه دارد؟ رواج بی اخلاقی در جامعه، ممکن است چه آسیب‌هایی را به همراه داشته باشد؟ «مسائل اخلاقی» جامعه امروز ما چیست و ما از چه بی اخلاقی‌هایی، رنج می‌بریم؟

## نقش اخلاق در پایداری جامعه

اخلاق، رکن اساسی زندگی انسان و پایه اصلی انسجام جامعه است، تعهد افراد به ارزش‌های اخلاقی و رعایت اصول و آداب آن، علاوه بر اینکه یک فضیلت و ارزش والای الهی است، باعث حفظ و پایداری گروه و جامعه انسانی می‌شود و ارتباط افراد با جمع را براساس تعهد و اعتماد متقابل حفظ و تقویت می‌کند. نقش اخلاق در فرهنگ، هدفمند و معنادار کردن زندگی فردی و اجتماعی است؛ در زندگی معنادار و هدفمند، انسان خودخواهی و خودپسندی را به کنار می‌گذارد و در سطحی بالاتر از «خود» عمل می‌کند. لذا کنش اخلاقی، رفتاری فراتر از منافع فردی است.

پیمودن راه دشوار زندگی و عبور از موانع فراروی رشد و تعالی، بدون رعایت اخلاق و اصول اخلاقی امکان‌پذیر نمی‌باشد و متزلزل شدن پایه‌های اخلاق و بی‌توجهی به اصول آن، جامعه را با خطر فروپاشی روبه‌رو می‌سازد. انحطاط اخلاقی، به آرامی و به تدریج، مانند موربانه، ستون‌های اجتماع را از درون تهی می‌کند و جامعه را از بین می‌برد. با تضعیف اخلاق در جامعه و تضعیف پایه‌های نظم در آن، مسائل و آسیب‌های اجتماعی متعدد در جامعه شکل گرفته و یا تشدید می‌شوند، مسائلی نظیر دروغ‌گویی، کلاهبرداری، سرقت، اعتیاد، خشونت، قتل و فحشا که ریشه در بحران اخلاقی و ضعف فرهنگ جوامع دارد. هرچند مسائل و مشکلات اقتصادی و مادی، در پیدایش و رواج این آسیب‌ها، نقش دارند، لیکن منشأ اصلی پیدایش و گسترش آن، در فرهنگ جامعه و باورها، اعتقادات و ارزش‌های مردم جامعه نهفته است و برای درمان آنها باید به ریشه‌های فرهنگی آن پرداخت. فضیلت‌های اخلاقی، گرچه ریشه در فطرت انسانی دارند، اما شکوفایی آنها امری اکتسابی است و وابسته به نوع تربیت و درجه رشدیافتگی افراد در جامعه می‌باشد. به همین جهت از یک سو به فرایند تربیت و هویت‌یابی افراد و از سوی دیگر به نظامات اجتماعی، قوانین، سنن و آداب حاکم بر جامعه وابسته است. اخلاق را می‌توان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ، دارای ثوابت و متغیرهایی دانست. برخی از اصول و فضائل اخلاقی، که ریشه در فطرت انسانی و عقلانیت دارند، در تمام فرهنگ‌ها، مشترک بوده و محترم شمرده می‌شوند، مانند راستگویی، رعایت حقوق انسان‌ها، صلح‌طلبی، آزادی، عدالت‌خواهی و برخی از الگوهای اخلاقی، در فرهنگ‌های مختلف، متفاوت است، مانند روش احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها و نحوه میهمان‌نوازی.

در مکتب تربیتی اسلام، اخلاق، ریشه در باورهای دینی و فطری داشته و از پشتوانه درونی و ارتباط انسان با خداوند برخوردار است. یکی از کارکردهای اصلی دین اسلام، کارکرد اخلاقی آن است، و رعایت اصول و موازین اخلاقی، دارای جایگاهی رفیع و بالا می‌باشد، به‌گونه‌ای که اخلاق، جزء لاینفک و جدایی‌ناپذیر دین محسوب می‌شود. اخلاق مبتنی بر دین، از ضمانت درونی، برای پذیرش و اجراء، برخوردار است و سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد.





## اخلاق از منظر سقراط و ارسطو

به نظر سقراط، تیره‌بختی انسان، حاصل نادانی اوست. بزرگ‌ترین فضیلت «دانایی» است و اشتباهات آدمی از نادانی او سرچشمه می‌گیرد. اگر کسی واقعاً بداند که امری بد است هرگز به سوی آن نمی‌رود. فضیلت چیزی جز دانش، حکمت و خردمندی نیست و فضایل عبارت‌اند از: شجاعت، عفت، عدالت و

خداپرستی. سقراط باور دارد، برای آراستگی به این فضیلت‌ها و رسیدن به سعادت بایستی گوش به فرمان خرد داشت و از دستوره‌های عقل پیروی نمود.

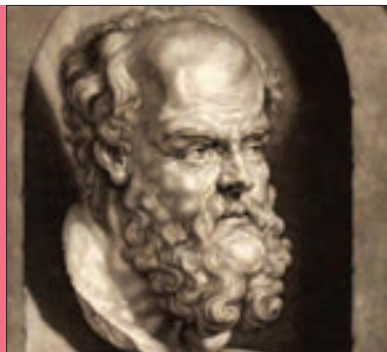
از منظر ارسطو نیز، رمز موفقیت و راز نیک‌بختی در «میانه‌روی» یعنی رعایت حد وسط است. وی بر این باور بود که افراط و تفریط پسندیده نیست، فضیلت در رعایت حد وسط است و عدالت در معنای گسترده آن چیزی نیست جز میانه‌روی. بنابراین، از نظر ارسطو برای اینکه انسان‌ها به سعادت نائل شوند باید معتدلاً عمل کنند؛ باید چنان رفتار کنند که گویی برای رسیدن به حد وسط میان افراط و تفریط تلاش و کوشش می‌کنند. اگر آنان چنین کنند، سعادت‌مند خواهند بود. لیکن حد وسط از انسانی تا انسان دیگر تفاوت می‌کند، مثلاً بعضی از اشخاص بیشتر از دیگران می‌توانند شجاع باشند و بعضی کمتر، و هر کس باید مطابق آنچه فراخور اوست عمل کند. این قاعده به نظریه اعتدال یا به تعبیری «اعتدال طلایی» معروف گردید.

## تکالیف و تعهدات انسان

در فرهنگ اسلامی، اخلاق تکلیف محور بوده و مناسبات انسان با مجموعه هستی، با هدف قرب الهی صورت می‌گیرد و رعایت اخلاق، در هر شرایطی، لازم است. این مناسبات به چهار گروه به شرح زیر تقسیم می‌شود:

- ۱- تکالیف و تعهد انسان نسبت به خودش (خود)
- ۲- تکالیف و تعهد انسان نسبت به خداوند (خالق)
- ۳- تکالیف و تعهد انسان نسبت به دیگران (خلق)
- ۴- تکالیف و تعهد انسان نسبت به طبیعت (خلقت)

بنابراین، اخلاق مداری، نوعی تکلیف مداری هم هست، لیکن این تکلیف، صرفاً منشأ بیرونی (فشارهای اجتماعی یا دولتی و...) ندارد، بلکه براساس آگاهی و انتخاب داوطلبانه و باور قلبی انجام می‌شود. این اخلاق مداری، ثابت و پایدار بوده و به قانون‌گرایی نزدیک است.



فرمایش پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرمود:  
 «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (من برای کامل کردن فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام).  
 راه از منظر فرهنگی بررسی و تجزیه و تحلیل کنید.



### مسائل اخلاقی ما ایرانیان



همچنان که در درس قبل آموختید، یکی از ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان، اخلاق مدارای و رعایت اصول و موازین اخلاقی در طول تاریخ بوده است. نوع دوستی، مهمان نوازی و برخورد خوب با دیگران و بزرگ ترها، از ویژگی‌های مشهور ما ایرانیان است. نجابت، شرافت، سخاوت، عدالت خواهی،

فداکاری در راه عقیده، هنر دوستی، تساهل و مدارا، دین گرایی و حق جویی از ویژگی‌های اخلاقی ما ایرانیان است. از دیگر ویژگی‌های فرهنگی ما، که طی هزاران سال، تداوم و استمرار داشته، روحیه صلح جویی و عزت نفس است. مردم ایران، مردمی صلح دوست و اهل مدارا بوده و کمتر زمانی در پی جنگ و تهاجم علیه کشورها و جوامع دیگر بوده‌اند و چشم طمع به خاک و سرزمین ملت‌های دیگر نداشته‌اند، اما در مقابل تهاجم دیگران، به شدت مقاومت کرده و از وطن، آب، خاک و هویت خویش دفاع کرده‌اند. با وجود تنوع و تکثر فرهنگی موجود در این سرزمین و تفاوت بین اقوام، مذاهب، لهجه‌ها و گویش‌های مختلف، این تفاوت‌ها کمتر تبدیل به جنگ و خونریزی و عداوت شده است. روحیه مدارا و برادری دینی، به فرهنگ سازگاری و هم‌گرایی گروه‌ها با همدیگر در داخل جامعه ایرانی و با دیگران تبدیل شده است. متأسفانه علی‌رغم این ویژگی‌های مثبت و فضائل اخلاقی، امروزه جامعه ما از برخی کاستی‌ها و آسیب‌ها نیز رنج می‌برد که باید برای رفع این آسیب‌ها تلاش کرد.

### بررسی و تحقیق کنید

در حل «مسئله» آسیب‌های اخلاقی، مردم و نهادهای فرهنگی، چه نقشی دارند؟ روش‌های اصلاح توسط هر یک از این نهادها، چگونه است؟

برخی از اصول و فضائل اخلاقی که نیاز به گسترش و نهادینه‌سازی آنها در جامعه داریم و عدم رعایت آنها می‌تواند برای کشور «مسئله»، «معضل» و «بحران» فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند، عبارت‌اند از:

### ۱- صداقت و راست‌گویی

بنیان اخلاق و جامعه اخلاقی بر صداقت، راستی و راست‌گویی استوار است. در پرتوی این فضیلت اخلاقی، انسان‌ها به هم اعتماد کرده و انسجام و همبستگی اجتماعی فزونی می‌یابد و روابط انسانی سالم شکل می‌گیرد. از همین رو



صداقت و راست‌گویی عامل رستگاری در دنیا و آخرت شمرده شده است.<sup>۱</sup> متقابلاً یکی از صفات ناپسندی که برخی از انسان‌ها به آن مبتلا هستند، دروغ گفتن و عدم صداقت در رفتار و گفتار است. این رفتار زشت، ریشه در ضعف نفس، ترس و زبونی انسان دارد و اعتبار و حیثیت فرد دروغ‌گو را در بین مردم و جامعه از بین می‌برد. متأسفانه پژوهش‌ها و مشاهدات، نشان از شیوع این بیماری اخلاقی در بین برخی از افراد جامعه ما دارد. آنها، برای دستیابی

آسان به منافع شخصی یا رسیدن به موقعیت و پایگاه اجتماعی و تصاحب قدرت و ثروت، به دروغ و دروغ‌گویی متوسل می‌شوند و با زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی، سعی در فریب خود و دیگران دارند. ممکن است در کوتاه مدت، این افراد به منافع دست یابند، لیکن در درازمدت آنها و جامعه، زبان جبران‌ناپذیری خواهند کرد. زیرا فریب، دروغ و دروغ‌گویی، ریشه بسیاری از مفاسد اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

«جَعَلَتِ الْخَبَائِثُ كَلِمًا فِي بَيْتٍ وَاحِدٍ وَ جَعَلَ مِفْتَاحَهَا، الْكِذْبُ»<sup>۲</sup>

تمام ناپاکی‌ها و پلیدی‌ها در یک خانه است که کلید آن، دروغ است.

### بررسی و گفتگو کنید

- ۱- اعتماد متقابل مردم به یکدیگر و اعتماد متقابل دولت و مردم چگونه تقویت می‌شود؟ چه عواملی به اعتماد ملی آسیب می‌زند؟
- ۲- مسئله «اعتماد ملی» را از منظر فرهنگی بررسی کرده و نقش صداقت و راست‌گویی در آن را تبیین نمایید.

## ۲- نوع دوستی

یکی از نیازهای اصلی و طبیعی انسان، «دوست داشتن» است. انسان می‌خواهد «دیگران» او را دوست بدارند و او نیز «دیگران» را دوست بدارد. دوستی، منبع آرامش روح و جسم انسان است و انسانی که از این نعمت برخوردار نیست، همواره مضطرب و پریشان‌خاطر است و به آرامش واقعی نمی‌رسد. حسن خلق، باعث رضایتمندی و جلب محبت دیگران می‌شود و بد اخلاقی، دیگران را از انسان، دور می‌کند. بزرگی و وسعت وجودی انسان، به میزان و نوع دوست‌داشتنی‌های او وابسته است. هرچه شعاع دایره دوست‌داشتنی‌های فرد، بزرگ‌تر باشد، او رشد و تعالی بیشتری پیدا کرده و به انسانیت نزدیک‌تر است. شادی و غم دیگران را شادی و غم خود پنداشتن و در آنها شریک و سهیم بودن، نشان از بزرگی روح انسان دارد و باعث پیوستگی و پایداری فرهنگ جامعه می‌شود.

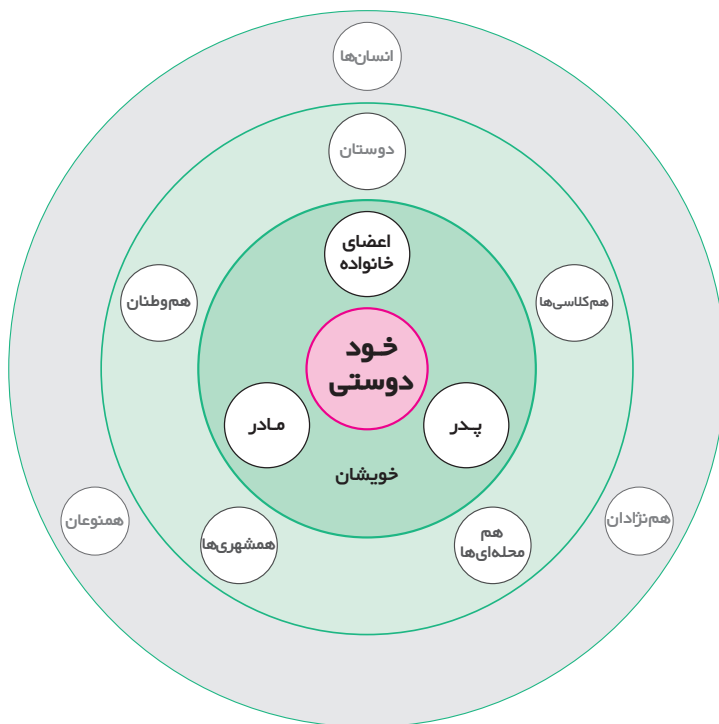
غم بینوایان رخس زرد کرد

من از بینوایی نیم روی زرد

۱- غررالحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، ص ۲۹۸

۲- بخارا الانوار، ج ۲، ص ۳۴۱





#### ▲ مراتب نوع دوستی در بستر فرهنگ جامعه

مردم ایران از دیرباز، احساس مسئولیت اجتماعی عمیقی نسبت به دیگران داشته‌اند و گاه این نوع دوستی، از مرزهای خانوادگی و جغرافیایی عبور کرده و در انسان دوستی متعالی متجلی شده‌است. رسیدگی به امور محرومان، نیازمندان، افسار آسیب‌پذیر و... در فرهنگ عمومی مردم سابقه چند هزار ساله دارد و مردم ایران در حوادث تلخ و مصیبت‌بار، مانند زلزله، سیل و جنگ به کمک آسیب‌دیدگان، آوارگان و پناهندگان می‌پرداختند. فرهنگ هدیه، نذر، وقف و امور خیریه از گذشته‌های بسیار دور، در نخستین اجتماعات روستایی در زاگرس، مناطقی از کرمان و سیستان و بلوچستان رایج بوده و تا امروز ادامه یافته است. علی‌رغم این ویژگی‌های مثبت دیرینه، گاهی برخی از ما، با خودخواهی کامل، حقوق دیگران را نادیده گرفته، و برای رسیدن به منافع خویش، به منافع ملی و مصالح عمومی، آسیب می‌رسانیم. خودخواهی و ترجیح منافع فردی بر منافع و مصالح جمعی، ریشه بسیاری از مفاسد اجتماعی و بحران‌های اخلاقی جامعه امروز ماست.

#### بررسی و تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس گزارش دهید:

یک مدرسه یا بنای خیرساز یا موقوفه را در منطقه یا شهرستان محل سکونت خود شناسایی کنید. در مورد انگیزه و اهداف فرد سازنده تحقیق کنید. اقدام و الگوی اخلاقی وی، چه تأثیری بر روی دانش‌آموزان یا سایر افراد و فرهنگ جامعه بر جای گذاشته است؟



### ۳- اخلاق در فضای مجازی

فضای مجازی، نوع و شکل جدیدی از فضای روابط اجتماعی و فرهنگی است. گسترش سریع فناوری‌های نوین و حضور افراد در فضای مجازی و شبکه‌ای، علی‌رغم فرصت‌های فراوان آن، به دلیل تأخر فرهنگی و برخی از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی حاصل از آن، ضرورت رعایت اصول

و ضوابط اخلاقی را در این فضا، تشدید کرده است. پیدایش اصطلاحاتی نظیر اخلاق اطلاعاتی، اخلاق رایانه‌ای، اخلاق اینترنتی و اخلاق شبکه‌ای، دلالت بر اهمیت و ضرورت این موضوع دارد و بیانگر مسائل اخلاقی و آسیب‌های فرهنگی است که جامعه بشری با آن روبه‌رو شده است. فناوری‌های نوین اطلاعاتی - ارتباطی، دنیای جدید و مجازی را فراروی انسان قرار داده است و سبب شده تا برخی از افراد با پنهان کردن هویت واقعی و حقیقی خویش، «هویت مجازی» و «زندگی دوم» برای خود خلق کنند و به دلیل ناشناس بودن و بدون رعایت آداب و اصول اخلاقی، کنش‌های غیراخلاقی بروز دهند. رفتارهای غیراخلاقی نظیر ورود به حریم خصوصی افراد، هرزه‌نگاری سایبری، عدم رعایت مالکیت معنوی، نشر مطالب دروغ و تهمت و جرائم سایبری از جمله این موارد است.

در اخلاق اسلامی، بر رعایت «خویشتن‌بانی» و تقوی و تقویت «مصونیت» در برابر هجمه‌های فرهنگی و اخلاقی و ناظر دانستن خداوند در همه حال و در زندگی حقیقی و فضای مجازی، تأکید شده است. یکی از راهبردهای مؤثر برای حضور فعال و مؤثر در فضای مجازی پایبندی نظری و عملی به آیه شریفه ۱۴ سوره علق در زندگی واقعی و دنیای مجازی می‌باشد که خداوند می‌فرماید:

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ

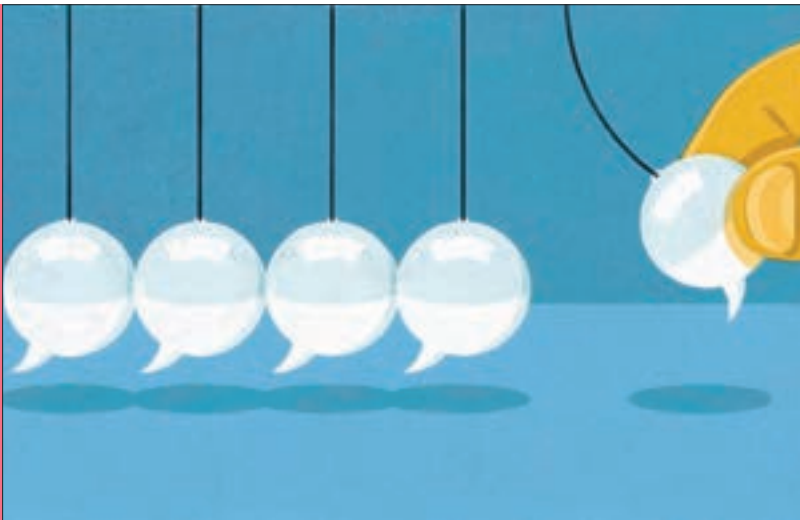
آیه ۱۹ از سوره نور را از منظر فرهنگی تجزیه و تحلیل کرده و پیام‌های اخلاقی آن در زندگی واقعی و دنیای مجازی را تبیین نمایید:

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ



#### مطالعه و تحقیق کنید

به چند گروه دانش‌آموزی تقسیم شده و هر یک از گروه‌ها به انتخاب خود و راهنمایی دبیر محترم یکی از رمان‌های فرهنگی را مطالعه کرده و مورد تجزیه و تحلیل و گفتگو قرار دهند.



باتوجه به تغییرات و تحولات فرهنگی که در زندگی ما رخ می‌دهد، واکنش ما به آنها، چگونه باید باشد؟ با کدام شاخص‌های فرهنگی، می‌توان دگرگونی‌های فرهنگی را پذیرفت یا رد کرد؟ همان‌گونه که آموختید، زندگی جوامع با دگرگونی‌های فرهنگی همراه است و همه ما در طول زندگی خود، تغییرات فراوانی را تجربه کرده‌ایم. می‌توان گفت تغییرات و تحولات فرهنگی، یک امر طبیعی و یک واقعیت اجتماعی است و همه جوامع، آن را تجربه می‌کنند. فرهنگ در عین حال که از جهاتی دارای ثبات، تداوم و پیوستگی است، از جهاتی دیگر، همواره در معرض برخی تغییرات و تحولات قرار دارد. در زمان‌های گذشته دگرگونی‌های فرهنگی، به صورت آرام و کند، انجام می‌شده است، لیکن در عصر حاضر، تغییرات با سرعت و گستردگی بیشتر، در تمام حوزه‌ها و عرصه‌های زندگی آدمیان، رخ می‌دهند.

## عوامل دگرگونی‌های فرهنگی

عوامل تغییرات و تحولات فرهنگی دو نوع هستند:

۱- عواملی درونی: گاهی تغییرات و تحولات فرهنگی، منبع و منشأ «درونی» دارند و بر اساس عوامل درونی فرهنگ، انجام می‌شوند، زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر فرهنگ و تحولاتی که در نتیجه جابه‌جایی جمعیت، مهاجرت‌های داخلی، تغییر شرایط اقتصادی، رشد شهرنشینی، به‌وجود می‌آید، در این گروه قرار دارند. این نوع دگرگونی‌ها، در چارچوب ارزش‌های محوری جامعه و در سازگاری و انطباق و پیوند با سایر عناصر فرهنگ جامعه و در یک فرایند طبیعی، اتفاق می‌افتند و انسجام فرهنگی و نظم حاکم بر جامعه را کمتر تغییر می‌دهند.

۲- عوامل بیرونی: گاهی دگرگونی‌های فرهنگی، بر اثر عوامل «بیرونی»، مانند مبادلات و تعاملات فرهنگی با سایر کشورها و جوامع و یا بر اثر تهاجم فرهنگی صورت می‌پذیرد و ممکن است با ارزش‌های محوری جامعه، سازگاری، همخوانی و هماهنگی برقرار نکند.

همان‌گونه که می‌دانید، در عصر حاضر، به دلیل پیدایش و گسترش سریع رسانه‌ها و فناوری، به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی، اطلاعاتی و شبکه‌های مجازی، سرعت دگرگونی‌های فرهنگی نوع دوم، بسیار بالاست و تغییرات و تحولات، در زمانی کوتاه، تمام عرصه‌های درونی و بیرونی جامعه را در بر می‌گیرد. پدیده جهانی شدن، بر سرعت و عمق این دگرگونی‌ها افزوده و شرایط را برای پذیرش تغییرات و تحولات فرهنگی، آسان و فراگیر کرده است. تغییر در سطح عمیق فرهنگ می‌تواند به تحول در لایه‌های بیرونی فرهنگ منتهی شود و تحول در لایه‌های بیرونی، زمینه تغییر در لایه درونی را فراهم می‌آورد.

بنا بر این همه جوامع در طول حیات اجتماعی خود، شاهد مجموعه‌ای از تغییرات و تحولات هستند، گاه این دگرگونی‌ها در لایه‌های سطحی زندگی آنها و گاه در لایه‌های درونی و زیرین فرهنگ اتفاق می‌افتد. پدیده‌های جدید و نوظهور، هر یک به طریقی در زندگی ما خودنمایی می‌کنند. بازی‌های جدید رایانه‌ای، فناوری‌های

نوین ارتباطی، سبک جدید زندگی، روش‌های نوین برگزاری مراسم جشن‌ها یا عزاداری‌ها، برنامه‌های جدید تلویزیونی و ماهواره‌ای، مکاتب فکری و معنوی و ده‌ها پدیده نوظهور دیگر، در زندگی روزانه ما وجود دارند. با این پدیده‌های جدید، چه باید کرد؟ نسبت به آنها چه واکنشی باید نشان داد؟



با مطالعه تفاسیر قرآن کریم، آیه ۱۱ سوره رعد را از منظر فرهنگی، بررسی کرده و پیام‌های مرتبط با موضوع «ما و دگرگونی‌های فرهنگی» را استخراج نمایید.  
 «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»



### واکنش انسان‌ها و جوامع به دگرگونی‌های فرهنگی

همان‌گونه که آموختید واکنش جوامع در ارتباط با دگرگونی‌های فرهنگی یکسان نیست. معمولاً افراد و جوامع، در برابر تغییرات در لایه‌های سطحی و مشهود فرهنگ، کمتر مقاومت کرده و راحت‌تر و سریع‌تر آنها را می‌پذیرند، اما تحولات در لایه‌های زیرین مقاومت کرده و سخت‌تر پذیرفته می‌شوند. واکنش انسان‌ها در برابر دگرگونی‌های فرهنگی سه‌گونه است:

۱- عدم پذیرش: در این حالت، افراد با نادیده گرفتن نیازها و شرایط جدید محیطی و تغییر و تحولات متناسب با آنها، ضمن پافشاری بر فرهنگ و سنت‌های ناکارآمد گذشته خود، دگرگونی‌های فرهنگی را انکار و طرد می‌کنند و با عدم پذیرش تغییرات و تحولات، در برابر آنها ایستادگی و مقاومت می‌نمایند. این گروه، بسیار بیش از آنچه که خود به آن آگاهی داشته باشند، در «گذشته» زندگی می‌کنند و واقعیت‌های موجود و جدید را، با تجربه‌های گذشته خود، تجزیه و تحلیل می‌نمایند. این اشخاص، با دنباله‌روی از آداب و رسوم ناکارآمد گذشته، مسیر زندگی امروز و فردای خود را تعیین می‌کنند. آن‌ها، گاهی حتی از فناوری‌های جدید و دستاوردهای نوین علمی و پژوهشی استفاده نکرده و بر بهره‌گیری از وسایل و روش‌های قدیم، علی‌رغم عدم توجیه علمی و اقتصادی، اصرار دارند.

علل عدم پذیرش دگرگونی‌های فرهنگی و مقاومت غیرعقلانی در برابر تغییر، متعدد و متنوع است. درک ضرورت تغییر و چگونگی آن، برای بسیاری از افراد سخت است و در توانایی خود برای انطباق با شرایط و انتظارات جدید، شک می‌کنند و به دلیل «عادت» به وضع موجود و «ترس» از دست دادن شرایط و امکانات فعلی، با آن مخالفت می‌نمایند.

همان‌گونه که وسایلی مانند کوزه سفالی، چراغ سه‌فیتیله، سماور ذغالی و تسلیحاتی از قبیل شمشیر، سپر و تیر و کمان و بسیاری دیگر از وسایل، به تدریج از زندگی روزمره ما حذف شده و به موزه پیوسته‌اند و به جای آنها، ابزارهای جدید جایگزین شده است. به همین صورت، برخی رفتارها و آداب و رسومی که تاریخ مصرفشان گذشته است نیز، از زندگی مردم حذف خواهند شد.

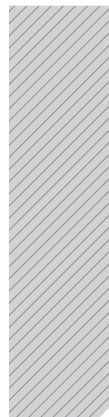
۲- پذیرش کامل: گروهی از افراد، در برخورد با دگرگونی‌های فرهنگی، آنها را بی‌چون و چرا و به‌صورت کامل می‌پذیرند و با تغییرات و تحولات، همراه می‌شوند. آنها با پیروی و تبعیت افراطی از پدیده‌ها و اندیشه‌های جدید، فرهنگ قبلی خویش را به آسانی به کنار می‌نهند. این حالت بیشتر در تهاجم فرهنگی، اتفاق می‌افتد که نیروهای مهاجم با القائات منفی و با تضعیف و تخریب هویت فرهنگی جوامع، سعی در قابل جذب و پذیرش نشان دادن فرهنگ خود نموده‌اند. همچنین، این گروه، گاهی با اصل قراردادن فرهنگ دیگران و فرهنگ مهاجم، باورها و ارزش‌های فرهنگی خود را، به نفع آنها تغییر می‌دهند و به «التقاط فرهنگی» دچار می‌شوند. علت پذیرش بی‌چون و چرا و تبعیت کامل از فرهنگ دیگران، معمولاً، ضعف هویت، خودباختگی یا از خودبیگانگی فرهنگی است. چنین افرادی، ارزش‌ها و هنجارهای خود را بی‌اعتبار و ناچیز می‌شمارند و الگوها و ارزش‌های دیگران را کامل و آرمانی می‌پندارند، به همین جهت بدون تفکر، از آنها پیروی می‌نمایند.

در قرن نوزدهم و در مواجهه تمدن غرب با سایر کشورها، این روش از سوی برخی از منورالفکرها و روشنفکران ایرانی، تبلیغ و ترویج می‌شد. آنان معتقد بودند از فرق سر تا نوک پا باید غربی شد تا به پیشرفت و توسعه دست پیدا کنیم. آنان با نگاه منفی به میراث فرهنگی خویش و تحقیر آن، شیفته و مرعوب فرهنگ و تمدن غرب شده بودند.

### «مسئله» زیر را بررسی و در کلاس گفتگو کنید:

گاهی برخی از افراد، در تغییر ظاهر خود و سبک زندگی خویش، حتی از غربیان نیز، غربی‌تر عمل می‌کنند، ولی فقط در تبعیت از سبک زندگی خود این شیوه را بر می‌گزینند اما در تبلیغ و ترویج دستاوردها و ارزش‌های مثبت فرهنگ غرب در جامعه کوتاهی می‌کنند.

آنان وسیله نقلیه صد سال پیش خود را که درشکه بود، با ماشین آخرین مدل غربی عوض کرده‌اند، واز سونا، جکوزی، تلفن همراه، اینترنت و آخرین نمونه‌ها استفاده می‌کنند، اما از نظم و انضباط و انتقادپذیری تبعیت نمی‌کنند، در کار و زندگی یکدیگر دخالت می‌کنند، عقاید دیگران را تحمل نمی‌کنند و سخت‌کوشی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتری دارند. تفکر علمی و منطقی را در زندگی فردی و اجتماعی خود حاکم نمی‌کنند، علت این تناقض در رفتارها چیست؟



۳- تعامل آگاهانه: در این حالت، افراد جامعه ضمن پذیرش و اعتقاد به ارزش‌های فرهنگی خویش و ضرورت حفظ آنها، برخورد فعال و هوشمندانه با سایر فرهنگ‌ها دارند و سعی می‌کنند با «پالایش» فرهنگ خود، از یافته‌ها و تجربیات دیگران، برای ارتقا و یویایی فرهنگ خویش استفاده نمایند و همچنین «داشته‌های» خود را در اختیار دیگران قرار دهند.

کسب آگاهی و شناخت پدیده‌های نوظهور و پیامدهای تغییر و تحولات، و انتخاب آگاهانه و هوشیارانه آنها،





سبب خواهد شد تا ضمن همپایی با تحولات محیطی، امکان حفاظت از هویت خودی فراهم آید. تعامل آگاهانه از یک سو، از تحجر و واپس ماندگی و عقب افتادگی فرهنگی جلوگیری می کند و از سوی دیگر، مانع از خودبیگانگی، خودباختگی و التقاط فرهنگی در برابر تغییرات و تحولات فرهنگی می شود و زمینه رشد و پویایی فرهنگ خودی را متناسب با شرایط زمان فراهم می آورد و به نشر موارث فرهنگی می انجامد. بسیاری از فرهیختگان و روشنفکران دلسوز و آگاه، در مواجهه با تمدن غرب، این روش را انتخاب کرده اند و سعی نموده اند در دام «غرب زدگی»، «غرب ستیزی» و «خودباختگی» قرار نگیرند.

یکی از توصیه های دین جهانی اسلام، «شناخت زمان» و شرایط زمانی، و واکنش مناسب نشان دادن به نیازهای زمان و مکان می باشد. هر «زمان» ویژگی هایی دارد که باید آنها را شناخت و در «زمان» زندگی کرد. امام صادق (ع) فرمودند: «العالمُ بزمانه لاتَهجُمُ علیه اللّوَابِسُ؛ شبهات و مشکلات به کسی که زمان خود را می شناسد هجوم نمی آورند»<sup>۱</sup>.

اجتهاد پیوسته و پویا یکی از راه های مؤثر دینی برای گزینش آگاهانه و پاسخ صحیح به نیازهای متغیر و اقتضائات زمان است. مجتهد زمان شناس می تواند پدیده ها و تجربه های جدید را با معیارهای ثابت ارزیابی کند و آن دسته از تجربه ها را که منطبق با خرد و معیارهای ثابت دینی است، گزینش نماید و مانع ایستایی و رکود جوامع دینی شود.

### بررسی و گفتگو کنید



- ۱- نقش ائمه معصومین (ع) پس از پیامبر اکرم (ص) در تبیین مسائل جدید و سازگار نمودن معارف اسلامی و فرهنگ دینی، با شرایط و اقتضائات زمان، چگونه بوده است؟
- ۲- از منظر فرهنگی، باز بودن «باب اجتهاد» و نقش مجتهدین در پاسخ به «نیازهای زمان» را تجزیه و تحلیل نمایید.

### معیارهای «تعامل آگاهانه»

هریک از ما در زندگی روزمره خود با چند گزینه روبه رو هستیم که باید یکی را «انتخاب» کنیم. روش و سبک زندگی ما، براساس این «انتخاب ها» استوار است. دوستی با یک فرد، انتخاب مدل جدید لباس، شرکت در یک مهمانی، کوه پیمایی، وب گردی، انتشار و به اشتراک گذاری پیام در فضای مجازی، تماشای فیلم سینمایی، خواندن یک کتاب داستان یا رمان، خرید مواد غذایی، شرکت در نماز جماعت و ده ها فعالیت مشابه دیگر، اقداماتی است که هر روز با آنها روبه رو می شویم و باید درباره انجام دادن یا ندادن، قبول یا رد آنها، تصمیم بگیریم. تفاوت سبک زندگی افراد، در نوع «انتخاب» و «گزینش» آنهاست.

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶

در رویارویی با پدیده‌های جدید و تغییرات و تحولات فرهنگی هم، باید دست به انتخاب بزیم. مهارت گزینش‌گری و توانایی «درست انتخاب کردن» در عصر حاضر، از آن جهت مهم است که هر روز با پدیده‌های نوظهور و نیازهای جدید روبه‌رو هستیم. زندگی در دنیای ارتباطات و در شبکه‌های مجازی و نیز سرعت تولید و انتشار اطلاعات، مبادلات و تعاملات فرهنگی را تسهیل و تسریع کرده است. علاوه بر آن، دوران نوجوانی و جوانی، دوران «هویت‌یابی» و انتخاب چشم‌انداز برای آینده است و انتخاب‌های امروز ما، در شکل‌گیری هویت ما تأثیر فراوان دارد. لذا برای خوب انتخاب کردن، نیاز به «معیار» و «فرهنگ معیار» داریم.

از سوی دیگر، پدیده‌های قدیمی پیرامون خود را نیز باید ارزیابی کنیم و دربارهٔ آنها دست به «انتخاب» و گزینش بزیم. قدمت یک اندیشه یا پدیده، نه دلیل غلط بودن آن است و نه موجب صحت و درستی آن. کهنگی در امور مادی راه دارد اما حقایق ثابت زندگی (مانند عدالت‌خواهی، پرسشگری و سایر امور فطری انسان)، هر قدر که زمان بر آنها گذشته باشد، کهنه و فرسوده نمی‌شوند. در نتیجه معیارهای انتخاب، باید بتوانند کارآمدی و صحیح و مفید بودن پدیده‌های قدیم و جدید را تشخیص دهند.

از آنجا که اکثر تعاملات فرهنگی در دنیای جدید، بین فرهنگ و تمدن غرب با سایر فرهنگ‌ها، از جمله فرهنگ اسلامی-ایرانی ما اتفاق می‌افتد، لذا شاخص‌های انتخاب، باید توانایی تشخیص و تمیز بین این دو فرهنگ را فراهم آورد، تا بتوانیم با دگرگونی‌های فرهنگی، برخورد فعال، آگاهانه و هوشمندانه داشته باشیم. هویت اسلامی-ایرانی و ویژگی‌های فرهنگی ما ایرانیان، برخی معیارها و شاخص‌ها را برای پذیرش آگاهانهٔ دگرگونی‌های فرهنگی در اختیار ما قرار می‌دهد. این شاخص‌ها که بیشتر ناظر به باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌باشند، عبارت‌اند از:

۱- خدا باوری و آخرت‌گرایی: در سبک زندگی ما ایرانیان، اعتقاد به خداوند، جایگاه مهمی داشته و مردم همواره در فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود به خداوند و کسب رضایت او توجه دارند. بنای جامعهٔ اسلامی ما بر پایهٔ این باور و اعتقاد عمیق درونی افراد استوار است و همین باور، منشأ ارزش‌ها، رفتارها و نمادهای جامعه است. مهم‌ترین پیام این باور آن است که در هنگام بررسی و گزینش پدیده‌های فرهنگی رابطه آن پدیده با توحید و یکتاپرستی، معاد و آخرت‌گرایی و دستورات الهی، به دست آید و در صورت مخالفت با توحید طرد شود و در صورت هماهنگی، گزینش شود.



وصیت شهید محسن حججی به  
فرزندش:

«سعی کن یه جوری زندگی کنی که  
خدا عاشقت بشه. اگه خدا عاشقت  
بشه، خوب تو رو خریداری می‌کنه.»



۲- وحدت ملی: پیوستگی و تداوم فرهنگی ما ایرانیان، به حفظ وحدت و تداوم حیات اجتماعی وابسته است و تمام پدیده‌های نوظهور با محوریت وحدت ملی، قابل بررسی و تجزیه و تحلیل و نیز قبول و رد می‌باشند. سخنان و رفتارهای تفرقه‌انگیز، قوم‌گرایی افراطی، تشدید اختلافات مذهبی، انحصاری کردن نمادها و ارزش‌های ملی، و مجموعه باورها و

رفتارهایی که به وحدت ملی آسیب می‌رسانند، پذیرفتنی نیستند.

۳- اخلاق‌مداری: اخلاق و اخلاق‌مداری، مرکز ثقل نظام‌های اجتماعی و فرهنگی است و ثبات و پایداری فرهنگ عمومی، نیازمند رعایت موازین و فضائل اخلاقی می‌باشد. تقویت ارزش‌ها و رعایت آداب و اصول اخلاقی یک ضرورت برای حفظ سلامت جامعه است. هیچ نماد، الگو، ارزش و رفتار نوپدید نباید زیبایی‌های اخلاقی و اصول و پایه‌های آن را متزلزل کند و منجر به عدم انسجام فرهنگی جامعه شود.



۴- علم محوری: علم، به معنای عام خود (نه به معنای محدود علوم تجربی و ساینستیس) می‌تواند به عنوان یک شاخص و ملاک قبول یارد پدیده‌های جدید باشد. آن دسته از تغییرات و تحولات فرهنگی که توسط یافته‌های علمی و پژوهشی معتبر پشتیبانی می‌شوند، قابل پذیرش هستند و آن دسته از پدیده‌های فرهنگی که دارای پشتوانه

علمی نیستند، پذیرفتنی نخواهند بود. کلیه نمادها، ارزش‌ها و اعتقاداتی که بر اساس خرافات، سحر، جادو و شیطان‌پرستی در جامعه ترویج می‌شوند، از این دسته می‌باشند و غیرقابل پذیرش هستند.

۵- عقلانیت: دگرگونی‌های فرهنگی، باید خردپذیر بوده و توجیه عقلی داشته باشند. خداوند عقل و اندیشه را به انسان عنایت کرده تا با آن مسائل پیش رو را نقد و بررسی کند. در حقیقت، عقل، حجت درونی برای پذیرش و رد پدیده‌ها و موضوعات است همچنان که پیامبران علیهم‌السلام حجت بیرونی برای قبول و رد دیدگاه‌ها و رفتارها هستند. پیامبران و عقل، یعنی حجت ظاهر و باطن، با هم هماهنگی و هم‌افزایی دارند. هر کس تصمیم بگیرد اصول و روش‌های عقلانی را رعایت کند و با هر پدیده جدیدی که روبه‌رو می‌شود، بدون ظاهرنگری و احساسات، عقل خود را داور قرار دهد، در قبول یارد پدیده‌های فرهنگی و پذیرش عناصر مثبت فرهنگ دیگری موفق عمل خواهد کرد.

۶- خانواده‌گرایی: خانواده یک نهاد اصیل، بنیادین و انسجام‌بخش جامعه و عامل تربیت و فرهنگ‌پذیری افراد است، لذا کسب و اقتباس عناصر فرهنگی از جوامع دیگر باید سازگاری لازم با این نهاد مؤثر فرهنگی داشته باشد و نباید باعث تضعیف آن شود. سبک‌های زندگی که مناسبات و روابط خانوادگی و ارزش‌ها و هنجارهای اصیل آن را ناکارآمد و آسیب‌پذیر می‌نمایند، نباید پذیرفته شوند.

### تجزیه و تحلیل کنید

- ◆ «نهاد خانواده» چه نقشی در پایداری و تداوم فرهنگی جامعه دارد؟ تضعیف و فروپاشی آن چه آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی به بار می‌آورد؟
- ◆ تأثیر فیلم‌های خانوادگی که توسط شبکه‌های فارسی زبان خارج از کشور تولید و پخش می‌شود را از نظر دگرگونی‌های فرهنگی تجزیه و تحلیل نمایید.



### «مسئله» زیر را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و در کلاس گفتگو کنید:

گاهی نمادها، الگوها، ارزش‌ها و باورهایی که با معیارها و شاخص‌های فرهنگ اسلامی-ایرانی همخوانی ندارند و قابل پذیرش نیستند، در جامعه ما ترویج و تبلیغ می‌شوند. مسئولیت ما در رویارویی با این «مسائل» چیست؟ ما چه واکنشی باید بروز دهیم؟ از ظرفیت «امر به معروف و نهی از منکر» با رعایت شرایط آن، چگونه می‌توانیم استفاده کنیم؟



درخت نخل، درخت عجیبی است، وقتی نخلی را می‌خواهند قطع کنند، می‌گویند «آن را بکش!» تو گویی این درخت، چیزی شبیه به آدمیزاد است. بی‌جهت نیست که واحد شمارش آن هم مانند انسان، نفر است. نخل تنها درختی است که اگر سرش را قطع کنی، می‌میرد. بر خلاف همهٔ درخت‌ها که سرشان را که می‌زنی، بار و برگشان بیشتر می‌شود؛ اما نخل نه! سرش را که قطع کنی می‌میرد! مهم نیست ریشه‌اش در خاک سالم باشد، نخل بی‌سر، می‌میرد.

این را اولین بار از دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفهٔ دانشگاه تهران آموختم! پیرمرد همیشه می‌گفت: «فرهنگ»، مثل درخت نخل است. کافی نیست هزاران سال در خاک ریشه داشته باشی، مهم این است که سرت هم سالم باشد، یعنی نمود فرهنگی امروز جامعه‌ات هم سالم باشد. اگر فرهنگ امروز جامعه‌ای بیمار شد، آن فرهنگ می‌میرد، ولو هزاران سال ریشه داشته باشد.

**پس مواظب فرهنگ امروز جامعه‌ات باش!**





- ۱- آیت الله خامنه‌ای (۱۳۹۲)، دغدغه‌های فرهنگی، انتشارات صهباء
- ۲- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۶)، نظریه تغییرات فرهنگی در ایران، انتشارات اطلاعات
- ۳- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه، نشر کلمه
- ۴- برمن، ادوارد (۱۳۶۶)، ترجمه: حمید الیاسی، کنترل فرهنگ، نشر نی
- ۵- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، ترجمه: مریم وتر، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، انتشارات کوثر
- ۶- بهار، مهری (۱۳۹۲)، اصول و مبنای مطالعات فرهنگی، انتشارات سمت
- ۷- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۲)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
- ۸- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، الگوهای سبک زندگی ایرانیان، مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۹- ذوعلم، علی (۱۳۹۲)، فرهنگ معیار، پژوهشگاه فرهنگ و مطالعات اجتماعی
- ۱۰- روح‌الامینی، دکتر محمود (۱۳۶۸)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران؛ عطار، چاپ دوم
- ۱۱- ریشه، گی (۱۳۸۶)، ترجمه: دکتر منصور وثوقی، تغییرات اجتماعی، تهران، نشر نی
- ۱۲- ریچاردز، بری، (۱۳۸۸)، ترجمه: حسین پاینده، روانکاوای فرهنگ عامه، ویراست دوم، تهران: نشر ثالث.
- ۱۳- روجک، کریس (۱۳۹۰)، ترجمه: دکتر پرویز علوی، مطالعات فرهنگی، تهران: انتشارات ثانیه
- ۱۴- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۱)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی، مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۱۵- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸)، مدیریت منازعات قومی در ایران، مرکز تحقیقات استراتژیک
- ۱۶- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، انتشارات ققنوس
- ۱۷- عرفان، جلیل (۱۳۹۳)، جستارهایی در حیات فرهنگی ایرانیان، انتشارات سروش
- ۱۸- فاضلی، نعمت‌الله و قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲)، نگرشی نو به سیاست فرهنگی، انتشارات تیا
- ۱۹- فروغی جهرمی، محمد قاسم (۱۳۸۹)، فرهنگ، نظام فرهنگی، تولیدات فرهنگی، بیانات مقام معظم رهبری، معاونت روابط عمومی و انتشارات سپاه



- ۲۰- مطهری، مرتضی (۱۳۵۵)، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا
- ۲۱- ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۳)، دانشنامه جوانمردی (فتوت)، انتشارات امیرکبیر
- ۲۲- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۶)، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، وزارت امور خارجه
- ۲۳- وریج کاظمی، عباس (۱۳۹۲)، مطالعات فرهنگی دانشگاهی در ایران، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- ۲۴- هال، استوارت (۱۳۹۰)، درباره مطالعات فرهنگی، انتشارات چشمه

#### ۲۵- رمان‌های پیشنهادی برای مطالعه:

- امیرخانی، ارمیا (۱۳۷۲)، انتشارات سمپاد
- پترسون، کترین (۱۳۹۵)، من یعقوب را دوست داشتم، انتشارات پیدایش
- حسن‌زاده، فرهاد (۱۳۹۴)، زیبا صدایم کن، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- رجبی، مهدی (۱۳۹۳)، کنسرو گول، انتشارات افق
- ضرابی‌زاده، بهناز (۱۳۹۲)، دختر شینا، انتشارات سوره مهر
- کرسمن تیلور، کترین (۱۳۹۳)، ترجمه: دارالشفایی، گیرنده شناخته نشد، انتشارات نشر ماهی
- گراف، لیزا (۱۳۹۵)، ترجمه: فریده خرمی، مطلقاً تقریباً، انتشارات پیدایش
- مستور، مصطفی (۱۳۷۹)، روی ماه خدا را ببوس، انتشارات مرکز

26 - mostanadeiran.net



معلّمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند  
نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران،  
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام نگار (Email)  
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری